

گسترش زبان و ادبیات فارسی

شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی نهاد سیاستگذار و برنامه‌ریز امر آموزش و گسترش زبان و ادبیات فارسی در دیگر کشورهای فارسی‌تبار است. بر اساس برنامه‌هایی که در این شورا پیش‌بینی می‌شود **نهادهای عضو شورا** و مراکز موفق‌سازنده فعالیت‌هایی را در این راستا انجام می‌دهند.

گسترش زبان و ادبیات فارسی هم بر اساس برنامه‌های شورا در این زمینه کار می‌کند. **علی‌اصغر محمدخانی**، دو سانی است که به‌طور هم‌زمان فییر شورا و رئیس مرکز گسترش است. در اینجا با **محمدخانی درباره وضعیت آموزش و گسترش زبان و ادبیات فارسی گفت‌وگو کرده‌ایم**

گوینا هنوز زمان برگزاری پنجمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی مشخص نشده، البته **آکادمی علوم تاجیکستان** تمایل دارد که مجمع در شهریورماه برگزار شود.

در آخرین جلسه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی،مجموع نظر شورا این بود که مجمع در آبان‌ماه برگزار شود البته پیشنهاد دوستان در تاجیکستان برگزاری مجمع در شهریورماه بود ولی با توجه به اینکه در روزهای پایانی شهریورماه در تاجیکستان برنامه‌های خاصی برگزار می‌شود و شروع سال تحصیلی نیز هست و استادان پایده به دانشگاه‌ها پروند ما به تاجیکستان پیشنهاد کردیم که مجمع در آبان‌ماه برگزار شود.

آیا در مورد برگزاری مجمع در آبان‌ماه به توافق رسیدید؟

ما پیشنهادمان را دادیم و آنها قرار است در آکادمی علوم تاجیکستان مطرح کنند و بعد نظر نهایی را بدهند. ما برای برگزاری پنجمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی دو مسأله داشتیم اول اینکه برنامه این بود که مجمع حتماً در تاجیکستان برگزار شود که در این مورد مشکلی نبود.مسأله بعدی زمان برگزاری مجمع بود که چون هر ساله مجمع در اواسط مهرماه برگزار می‌شد، سعی کردیم که زمان برگزاری پنجمین مجمع هم با تقویم مجمع مطابقت داشته باشد. بنابراین پیشنهاد کردیم که در آبان‌ماه برگزار شود.

تاریخ برگزاری مجمع به‌طور قطعی چه وقت مشخص می‌شود؟
ما تأکید کردیم که طی یکی دو هفته آینده تاریخ دقیق برگزاری مجمع مشخص شود.

مسلماً که تقریباً تاریخ پنجمین مجمع مشخص شده به‌سراع گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور برویم در حال حاضر مراکز و نهادهایی در این زمینه فعالیت دارند که به نظر می‌رسد برنامه مشخص و مدونی برای فعالیت آنها وجود ندارد و این مراکز به‌طور موازی در این زمینه کار می‌کنند.

این مراکز فعالیت‌های مشابهی دارند چون رول کار آنها مشخص است و در هر سازمان و نهادی فعالیت آن مشخص است.

وظیفه اصلی شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی که زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل شده طبق اساسنامه، هماهنگی برنامه‌ریزی و سیاستگذاری در امر آموزش زبان فارسی است و هر نهادی بر اساسی و وظیفه‌اش تلاش می‌کند در جهت این برنامه‌ریزی حرکت کند.

برای شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی چه وظایفی تعیین شده است؟

در شورا چهار وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، امور خارجه، علوم، تحقیقات و فناوری و آموزش و پرورش و شش نفر از شخصیت‌های فرهنگی به انتخاب شورای عالی انقلاب فرهنگی عضویت دارند. نهادهایی مثل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی هم که در حوزه زبان فارسی کار می‌کنند، در شورا عضویت دارند. شورا با توجه به حضور این اعضا در این زمینه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی می‌کند.

نهادهای عضو در شورا مثل وزارتخانه‌ها چه وظایفی را در حوزه گسترش زبان و ادبیات فارسی باید انجام دهند؟
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دو وظیفه اصلی دارد اول اعزام استادان زبان و ادبیات فارسی به کرسی‌های تدریس خارج از کشور است، یعنی نهاد دیگری برای بلندمدت استاد به خارج اعزام نمی‌کند. در حال حاضر ۱۱ استاد برای تدریس به کشورهای مثل هند، برزیل، پاکستان، اسپانیا… اعزام شده‌اند. بنابراین اعزام استادان از طریق وزارت علوم صورت می‌گیرد. شورایی در بخش بین‌الملل وزارت علوم با هماهنگی شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی استانی را به خارج از کشور اعزام می‌کند. این یک بخش از وظیفه و فعالیت وزارت علوم است. بخش دیگر فعالیت آن دعوت از

دانشجویان خارجی و بورسیه‌انتهایی تحصیل زبان و ادبیات فارسی در داخل ایران است که این کار هم توسط وزارت علوم انجام می‌شود.

هر ساله دانشجویان غیر ایرانی از طریق دفتر وزارت علوم برای تحصیل به ایران می‌آیند که البته بعضی از این دانشجویان شهریه می‌پردازند. ما سعی کردیم دانشجویانی که از کشورهای ثروتمند هستند و توانایی پرداخت شهریه را ندارند، در رشته زبان و ادبیات فارسی شهریه پرداخت نکنند و ضرورت دارد که حمایت از این بخش بیشتر باشد. به‌طور مثال اگر حدود صد نفر دانشجوی خارجی در ایران دکتری زبان و ادبیات فارسی بگیرند، وقتی به کشور خود بازگردند یکی از ارکان مهم گسترش زبان و ادبیات فارسی می‌شوند. ما در کشورهای دیگر برای زبان و ادبیات فارسی استادان یومی خواهیم داشت. همگاری‌های بین دانشگاهی هم بخش دیگر فعالیت وزارت علوم است. تبادل استادان بین دانشگاههای مختلف از کارهایی است که وزارت علوم انجام می‌دهد. وزارت آموزش و پرورش هم در این زمینه، معلم‌های را به خارج از کشور می‌فرستد که البته اعزام این معلمان برای آموزش زبان فارسی به ایرانی‌های مقیم خارج از کشور است. اما از وقت آزاد آنها برای تدریس فارسی به غیر فارسی‌زبانان هم استفاده می‌شود.



در وزارت امور خارجه هم دفتر هماهنگی‌ها وجود دارد تا در بعضی کشورها که رایتزی فرهنگی وجود ندارد، از طریق سفارتخانه‌ها فعالیت‌های فرهنگی انجام شود. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم که متونی برنامه‌هاست و شورای گسترش هم زیر نظر وزارت ارشاد فعالیت می‌کند. مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی نهاد مهمی است که در حوزه گسترش زبان و ادبیات فارسی فعالیت دارد.

رایزنی‌های فرهنگی کشورمان در کشورهای دیگر چه فعالیت‌هایی انجام می‌دهند؟

رایزنی‌های فرهنگی زیر نظر سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی است که علاوه بر گسترش مضامین اسلامی و انقلاب، وظیفه دارند که در جهت گسترش زبان و ادبیات فارسی نیز تلاش کنند. در این دو سال که مسؤلیت مرکز را در کار هماهنگی شورا و مرکز بیشتر شده است، مرکز هر سه سال سه چهار دوره دانش‌افزایی زبان و ادبیات فارسی برای دانشجویان خارج از ایران برگزار می‌کند که این آموزش در سطوح مختلف مقدمه‌ای، متوسطه و پیشرفته صورت می‌گیرد. برگزاری دوره‌های دانش‌افزایی در کشورهای دیگر نیز بخش دیگر فعالیت مرکز است که به درخواست دیگر کشورها صورت می‌گیرد. به‌طور مثال در همین دوره دکتر سیروس حبیبیا به مدت ۱۵ روز در چین به آموزش زبان و ادبیات فارسی می‌پردازد و در ادامه استانبول برای دوره‌های دانش‌افزایی به قزاقستان، اوزمنستان، گنگالاش روسیه و لوکراین اعزام می‌شوند و از سوی رایزنی فرهنگی ایران برگزاری دوره دانش‌افزایی زبان فارسی برنامه‌ریزی و اجرایی می‌شود.

یکی دیگر از فعالیت‌هایی که در جهت گسترش زبان و ادبیات فارسی صورت می‌گیرد، تدوین و تألیف کتاب‌ها و لوح‌های آموزش زبان فارسی است که توسط شورا و مراکز گسترش زبان و

ادبیات فارسی انجام می‌شود. در حال حاضر یک بسته آموزشی شامل سی دی و ۹ جلد کتاب برای کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی را آماده کرده‌ایم. لوح فارسی گفتار، لوح‌های شعر و آموزش زبان فارسی تهیه برای کرسی‌های زبان فارسی در دیگر کشورهای ارسال می‌شود. ارسال کتاب‌ها و مجلات فارسی هم در جهت گسترش زبان و ادبیات فارسی صورت می‌گیرد که سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به‌طور عمده این کار را انجام می‌دهد.

کتاب‌هایی که برای آموزش زبان و ادبیات فارسی است به چه سبوهایی و با توجه به چه ملاک‌هایی تدوین می‌شود؟

کتاب‌ها در دو بخش است: در بخش آموزش کتاب‌هایی برای کلاس‌ها تدوین می‌شود و در بخش کمک آموزشی هم کتاب‌های مختلفی وجود دارد که از ادبیات کلاسیک تا ادبیات معاصر را شامل می‌شود. دیوان الشعراء، فرهنگ‌های مرجع مثل معین و سخن، فرهنگ‌های روزنامه، کتاب‌های تاریخ ادبیات، کتاب‌های تفسیری، کودک و نوجوان که نیاز کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی است. ارسال می‌شود. ما در حال حاضر هماهنگی فرهنگ‌های زبان یاد آید فارسی، بنابراین شناسایی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و سعی داریم که کتاب‌های تکراری ارسال نشوند تا تولید نیازهای کرسی‌ها را بخوبی پاسخ بدهیم. طبق آبرود ما ۳۵۰ کرسی زبان فارسی در نقاط مختلف دنیا وجود دارد که بیشتر آنها آلمانیست و فوق‌العاده زبان ادبیات فارسی می‌دهند و در موردی هم تا مقطع دکترا ادامه دارد. در بعضی از کرسی‌ها هم رشته زبان و ادبیات فارسی نداریم و زبان فارسی معاونان زبان دوم است.

حداثت از آثار غیر ایرانی که در حوزه زبان و ادبیات فارسی بلانده، وظیفه دیگری است که مرکز و شورا را عهده دارند و اگر بپایانده‌ها، مناقضات با آثار ما نمی‌در این زمینه باشند. برای انتشار آنها تلاش می‌کنیم. تجهیز آتیه‌های ایران و کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی به امکانات، سعی و بصیرتی که پنجاه و هفتاد سال دیگر سازمان فرهنگ و ارتباطات است. همچنین حمایت از ترجمه آثار ادبی فارسی و وظیفه ما است. اصطقی فرستاده مطمان، تحقیقاتی به کسانی که آثار ادبی فارسی را ترجمه می‌کنند و سرمایه‌گذاری برای انتشار این ترجمه‌ها مایک ضرورت است که باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

در زمینه تدوین فرهنگ‌های فارسی به زبان‌های دیگر نیز کاری انجام گرفته است؟

این کار در رسانه و فرهنگ انجام می‌شود و تاکنون فرهنگ فارسی به یگالی، ایتالیایی، اوزبکی و لوکراینی با حمایت مرکز گسترش انجام شده است.

در این زمینه فرهنگ‌ها یک شیوه خاص که در گسترش زبان فارسی مؤثر باشد، تدوین و ترجمه می‌شود. همچنین تجلی از مترجمان آثار فارسی از برنامه‌های ما است و در نظر است که در آینده شورای گسترش یک نشان برای استادان زبان فارسی و مترجمان مثل نشان فرهنگ و دانش اختصاص بدهد. یکی از نهادهایی می‌تواند در زمینه گسترش زبان و ادبیات فارسی مؤثر باشد. صدا و سیما است که مثلاً کتب گسترش جهانی جام جم می‌تواند در هفته برنامه آموزش زبان فارسی ارائه بدهد. ما در این زمینه مسأله‌تفک کاری انجام شده است.

در موارد متعددی شنیده شده که تعداد کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی در دیگر کشورها رو به کاهش است.

انگلیسی، فرانسوی رده، که استفاده‌کننده‌های زیادی دارد، برای گسترش دیگر زبان‌ها باید سرمایه‌گذاری جدی صورت گیرد. آیا در خصوص استادان و کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی در خارج کشور اطلاعات جامعی وجود دارد؟

تکمیل بانک اطلاعات کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی در دستور کار مرکز گسترش است. مسأله‌تفک هنوز اطلاعات کاملی از وضعیت استادان زبان فارسی نداریم. دو سه طرح را در دست داریم که به اطلاعات لازم دست پیدا کنیم. مثلاً ما بیش از شصت ترجمه خیام به عربی داریم یا مثلاً ۱۸ ترجمه فردوسی به انگلیسی. باید یک بانک اطلاعات کاملی ایجاد شود تا اگر مستحقان خواستند کار کنند، بتوانند از آن بهره بگیرند.

باید تحقیقاتی که درباره حافظ باسعدی و… به زبان‌های دیگر صورت گرفته گردآوری شود و این طبقه‌بندی این کار را مدنیال می‌کنیم.
در این راستا برنامه‌ای بین المللی برای حکیم سنلی برگزار شد و قصد داریم در آینده چنین برنامه‌ای را برای رودکی و شاعرانی که کمتر شناخته شده‌اند و میراث مشترک ما با کشورهای همسایه

هندستر برگزار کنیم.

تاکون زبان و ادبیات فارسی و در دیگر کشورها بیشتر با **شاعران معرفی ادبیات معاصر ایران** است چون بسیاری از کشورها یا شاعران بزرگ ما آشنایی دارند اما درباره تحولات زبان و ادبیات فارسی در چند دهه اخیر آشنایی چندان ندارند. برای همین ما در سال ۱۳۸۲ همایش چشم‌انداز شعر معاصر فارسی و همایش داستان معاصر فارسی را برگزار کردیم تا وضعیت داستان فارسی در تاجیکستان، افغانستان و ازبکستان را بررسی کنیم. برگزاری چنین همایش‌هایی و برنامه‌های داستان‌نویسی و شعرخوانی نویسندگان و شاعران مایه معرفی ادبیات معاصر ما کمک می‌کند.
استاد در راه راستا چند برنامه را در کشورهای مختلف داشتیم. خوشبختانه امروز توجه به ادبیات معاصر دارد شتاب بیشتری می‌گیرد.

البته چون ادبیات کلاسیک ما نسبت به معاصر بسیار طولانی‌تر است، طبیعی است که توجه به ادبیات کلاسیک بیشتر باشد. دوست این است که ما به ادبیات معاصر به اندازه امکان آن توجه کنیم. البته قبول داریم که چه در داخل و چه در خارج به ادبیات معاصر به اندازه طریقت آن توجه شده و در خارج کمتر شناخته شده است. برای این منظور راه‌های مختلفی وجود دارد. ابتدا باید زمینه ترجمه آثار ادبیات معاصر فراهم شود. دیگر اینکه دانشجویان خارجی که در ایران تحصیل می‌کنند درباره ادبیات معاصر بی‌آشنانه نیستند و تولیدات مناسب ادبیات معاصر برای فارسی‌زبان و اقوام نوسندگان شاعران معاصر به دیگر کشورها می‌تواند در این زمینه بسیار مؤثر باشد. باید زمینه‌ای فراهم شود تا آثار معاصر ما که نیازگرم حیات ماست و قابلیت ترجمه به دیگر زبان‌ها را دارند، ترجمه شوند.

آیا برای آموزش زبان و ادبیات فارسی تفکیک بین زبان فارسی و ادبیات قابل‌منصف؟
در پیشتر کشورها آموزش زبان از ادبیات جداست. ما سعی می‌کنیم در حوزه آموزش زبان بیشتر از زبان شناسان و متخصصان آموزش زبان به خارجیان استفاده کنیم. برای آموزش زبان، نیاز به استاد برجسته ادبیات نیست بنابراین در مرحله مقدماتی از زبان‌شناسان و فارغ‌التحصیلان آموزش زبان استفاده می‌شود.

تاکون کتاب‌ها و نرم‌افزارهایی برای آموزش زبان و ادبیات فارسی
تدوین شده است اما ضرورت ایجاد یک سایت برای آموزش فراگیر زبان و ادبیات فارسی احساس می‌شود که گویا شورای گسترش هم تصمیم دارد سایتی را به این منظور ایجاد کند.

استاد مراحل مقدماتی کار انجام می‌دهیم و امیدواریم تا پایان سال ۱۳۸۴ راه‌اندازی شود. طرح اولیه سایت انجام شده و بودجه آن هم تأمین شده است و در حال حاضر کارشناسان مشغول تولید دروس هستند.
طرح پایگاه اینترنتی متون فارسی
که از چند سال پیش آغاز به کار کرده بود، در حال حاضر به کجا رسیده است؟
معاون این طرح از عدم حمایت لازم شکایت داشتند و حتی از توقف آن می‌گفتند. مرحله اول این پایگاه به پایان رسیده که مشکلات نرم‌افزاری و بودجه‌ای هم داشت اما خوشبختانه حل شده است. کار مرحله اول پایان یافته و به با تحویل داده‌اند اما نمی‌توان گفت کی راه‌اندازی می‌شود.

کاروان شعر ایرانی در راه فرانسه

گودرزی کارشناس فرهنگی سفارت فرانسه با اشاره به فعالیت‌های این سفارتخانه حول دو محور اصلی علمی و فرهنگی در فاصله سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ به خبرنگار کتاب هفته گفت: محور اول این فعالیت‌ها که از سال ۸۳ آغاز شد تأکید بر فعالیت‌های علمی با عنوان سجاده‌ای دانش از جندی شاپور تا مراغه و گفت‌وگو با طبیعت و همچنین برپایی سلسله برنامه‌هایی در حوزه بررسی تاریخ علوم ایران برگزار می‌شود.

وی در ادامه افزود: محور دوم این فعالیت‌ها حول مسائل فرهنگی است که تحت عنوان گفت‌وگو با طبیعت و در قالب سلسله برنامه‌های دیدار از ایران و فرانسه برای دو طرف در نظر گرفته شده است. در این حوزه چند کار انجام شده که عبارتند از: برپایی نمایشگاه فرش ایران با عنوان «هشت بافته با فرش‌های باقی ایرانی»، در موزه فرش ایران-تهران و موزه فرش کلرمون فرانسه و همچنین برپایی نخستین برنامه شعر با عنوان «طبیعت بافته با واژه‌ها» که این جلسات در تهران و اصفهان و با حضور شاعرانی از فرانسه چون آلن لانس، کلود استبان و زان بائیست بارا و شاعرانی از ایران در مهرماه ۸۳ برگزار شد.

گودرزی با اشاره به راه‌اندازی کاروان شعر ایرانی با موضوع «گفت‌وگو با طبیعت» در اردیبهشت سال جاری گفت: در این برنامه شاعران برجسته‌ای از فرانسه که قبلاً نیز به آنها اشاره شد و همچنین شاعران نام‌آشنایی از ایران چون محمدعلی سبزوئی، مدیا کاشیگر، یگانه احمدی، علیرضا بهنام، عبدالعلی عظیمی، بهاره رضایی، منصور اوجی، شاپور جویش کاوسی و حسن فی این کاروان را همراهی می‌کردند.

وی در تشریح برنامه کاروان شعر گفت: این کاروان شعر حرکت خود را از تهران با حضور افراد مذکور آغاز کرد و پس از برگزاری جلسه‌ای در میان شعرای اصفهانی در قالب یک گروه ۱۵ نفره از شاعران فرانسوی، تهرانی و اصفهانی به سمت استان چهارمحال و بختیاری حرکت کرد. این گروه در دشت لاله‌های واژگون با حضور جمع کثیری از شعرائ بختیاری اقدام به برپایی جلسه شعرخوانی کرد. در ادامه برنامه گروه به سمت بختیاری حرکت کرد و جلسات شعری نیز در حافظیه شیراز برپا کرد و پس از آن در فیروزآباد، کاخ اردشیر اول برنامه خود را به پایان راه رساند. گفتنی است اختتامیه این برنامه که قرار بود در نمایشگاه کتاب تهران برگزار شود به دلایلی به خانه شاعران در قلهک، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان انتقال پیدا کرد.

کارشناس بخش فرهنگی سفارت فرانسه در تشریح برنامه‌های آتی این سفارت گفت: از برنامه‌های آتی می‌توان به برپایی ویژه برنامه «بهار شاعران» در اسفندماه ۸۴ اشاره کرد. این برنامه در فرانسه ادامه همان کاروان شعر ایرانی است که با حضور ۵ شاعر ایرانی در فرانسه و با مشارکت و همکاری شاعران فرانسوی در طول شهرهایی چون نانت، مارسی و پاریس برپا می‌شود و در جریان این برنامه شعرائ دو کشور به شعرخوانی در حضور مخاطبان عام و خاص خواهند پرداخت. از دیگر برنامه‌های در دست اجرای این سفارتخانه می‌توان به برپایی ویژه برنامه شعرویان یکجانه در فرانسه اشاره کرد که طبق اطلاعات به دست آمده قرار است در پاییز سال‌های ۲۰۰۷ یا ۲۰۰۸ برگزار شود. گودرزی در تکمیل و توضیح این خبر گفت: برنامه‌های این برنامه که با هدف معرفی چهره‌های نخبه ادبی و هنری جهان طراحی شده است قصد دارد یک دوره را به بررسی زبان و ادبیات فارسی و معرفی آثار نویسندگان ایرانی که در قید حیات می‌باشند و همچنین در ایران زندگی می‌کنند، بپردازد. در واقع یکی دیگر از اهداف این مجموعه برنامه معرفی و ارائه کتب نویسندگان و نثران ایرانی به مخاطبان فرانسوی است که با تمهیدات در نظر گرفته شده این آثار به زبان اصلی یا ترجمه و در تکثیر و نشری‌های فرانسه عرضه خواهند شد. در پایان لازم به ذکر است که بخش فرهنگی سفارت فرانسه در نظر دارد به دلیل گستردگی حوزه جغرافیایی زبان و ادبیات فارسی به معرفی بخش‌هایی از آثار افغانستان و تاجیکستان نیز بپردازد.

توقف پایگاه اینترنتی متون فارسی

دو سال پیش هم‌زمان با چهارمین مجمع بین‌المللی، گفت و گوین با دکتر مصطفی موسوی مجری طرح کتابخانه دیجیتال متون فارسی (پایگاه اینترنتی متون زبان و ادب فارسی) انجام شد.

دکتر موسوی در آن گفت و گو با تأکید بر ضرورت چنین کاری گفته بود عرب‌های یک میلیون صفحه متن را که بسیاری از آن آثار نویسندگان ایرانی است وارد فضای اینترنت کرده‌اند؛ در این طرح قرار است تمام متون فارسی بعد از اسلام تا سال ۱۳۰۰ ه‍.ش که حدود هزار عنوان کتاب و ۵۰۰ هزار صفحه است وارد محیط اینترنت شود. موسوی در آن گفت و گو بسیار امیدوار بود که این طرح به نتیجه برسد و حتی سرآغاز ایجاد یک بنیاد علمی وابسته به دانشگاه باشد تا هر کتاب جدیدی که انتشار می‌یابد، اطلاعات آن به این نرم‌افزار افزوده شود، اما گویا در این فاصله دو سه دوره به گونه‌ای دیگر گشته است.

معصومه مستری یکی از همکاران اجرایی این طرح می‌گوید: این طرح در شش مرحله طراحی شده بود که مرحله اول به سفارش شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی و با اجرای یک گروه تحقیقاتی عملیاتی ۱۵ هزار صفحه شامل ۵۶ جلد کتاب از از جمله ترجمه تفسیر طبری، ویس و رامین، شاهنامه ابومنصوری، تاریخ سیستان و… تا سال ۱۳۰۴ ه‍.ش شامل می‌شود. در این طرح گروهی به حرف‌چینی کتب و متون گردآوری شده می‌پرداختند و طبقه و تقص را نیز برعهده‌دارد. یک کارشناس ادبیات فارسی هم به عنوان ناظر بر متون بایک ثبت شده، دو موارد اختلاف متون بایک ثبت شده، کلمه صحیح را تشخیص می‌دهد و جایگزین می‌کند. این کار بر روی نرم‌افزار شماره یک انجام می‌شود. نرم‌افزار شماره دو متون اصلاح شده را بررسی و اطلاعات تکمیلی را برای استفاده بهتر کاربران از سایت با یک برنامه‌گذارای انجام می‌دهد.

مستری می‌افزاید: این طرح با همه کمبودها و مشکلات پیش می‌رفت تا اینکه دو سال قبل که مرحله اول طرح تا اصلاح متون پیشی رفته بود تا کاربری بررسی به استادان شورای گسترش ارائه شده. در این زمان وقتی نرم‌افزار دوم واردات کردیم متوجه اشکالات آن شدیم که به خاطر اختلاف مالی میان شورای گسترش و مجموعه طرح بود. از این موقع طرح به سرازیری افتاد اما با همه مشکلات طرح همچنان در حوزه تصحیح متون ادامه داشت تا اینکه دکتر موسوی، مأموریت یافت و به لنیع رفت. بعد به دلای نامعلومی مجبور شدیم ساختارمان را که دفتر طرح در آن قرار داشت تخلیه کنیم و وسایلی به مرکز دیگری منتقل شد. بعد از طرف شورای گسترش دفتری در اختیار طرح قرار گرفت اما هر بار که به این دفتر مراجعه کردیم مانع از ورود ما شدند.

مستری می‌افزاید: در حال حاضر شورای گسترش تمام امکانات لازم را جهت کار فراهم کرده و اشکالات نرم‌افزار دوم نیز رفع شده و از مجری طرح خواسته‌اند تا کار ادامه یابد اما گویا دکتر موسوی تمایلی به ادامه این کار ندارد و قرار است فقط قرارداد مرحله اول که شامل ۱۵ هزار صفحه است، انجام شود.

این در حالی است که براساس متمم قرارداد که در شهریور ۸۴ تنظیم و تدوین شده بود با تأمین امکانات و شرایط مورد نیاز مجری طرح، مرحله اول طرح باید طی مدت ۹ ماه به انجام می‌رسید. به هر حال این طرح که چند سال پژوهش و فعالیت گروهی را پشت سر خود دارد و در معرفی زبان و ادبیات فارسی می‌تواند بسیار مؤثر باشد، امروز متوقف شده است و سرانجام آن مبهم و نامشخص است.



شماره ۲۳
۱۹ شهریور ۱۳۸۲
کتاب هفته

کشف وگو با قبرمان سلیمانی، رایزن فرهنگی ایران در تاجیکستان

بنچین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی در تاجیکستان برگزار می‌شود، چهار گردهم‌آیی گذشته این مجمع در ایران برگزار شده است. در آئین‌زاده‌ای که برای ساماندهی فعالیت‌های این مجمع تصویب شده، آمده است که مجمع باید دو سال یک بار در ایران یا یکی از کشورهای که زبان رسمی آنها فارسی است برگزار شوده از این رو وقتی استادان زبان فارسی تاجیکستان در چهارمین مجمع پیشنهاد دادند که گردهم‌آیی بعدی در کشور آنها برپا شود، با استقبال گروه ایرانی مواجه شدند.

این مجمع قرار بود هشتم تیرماه برگزار شود، اما تاریخ برپایی آن به تعویق افتاد. با رایزن فرهنگی ایران در تاجیکستان قهرمان سلیمانی درباره برگزاری بنچین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی و فعالیت‌های رایزنی فرهنگی ایران در این کشور گفت‌وگو کرده‌ایم.

آقای سلیمانی هفت تاخیر زمان برگزاری مجمع چیست؟
زمانی که چهارمین مجمع در ایران برگزار می‌شد، استادان زبان فارسی تاجیکستان اعلام آمادگی کردند که بنچین مجمع در این کشور برگزار شود. آقای سلیمانی‌جمع‌بندی‌نیز قول مساعدت‌های همکاری دادند. اعلام آمادگی تاجیکستان از طرف استادان آکادمی علوم تاجیکستان بود. برگزاری این مجمع در تاجیکستان به علت نتایج‌های اقتصادی این کشور جز با مساعدت و همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی و آقای محمدحاجی امکان‌پذیر نیست.

ابتدا قرار بود مجمع هشتم تیرماه برگزار شود، اما با توجه به اینکه موفق‌تر از حد بودیم، تصمیم گرفتیم رایزنی‌ها یک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بماند. رایزنی‌ها وارد کار اجراء و عملیات می‌شوند. رایزنی وضعیت رایزنی فرهنگی ایران در تاجیکستان چگونه است؟

مفازات است. دو کشور ایران و تاجیکستان دارای پایه‌های ارتباطی مشترک زیادی هستند. به علت هم‌زبانی این دو کشور کالای فرهنگی که در ایران تولید می‌شود در تاجیکستان هم قابل عرضه است. این هم‌زبانی در حالی که مشترکات را زیاد می‌کند، سطح توقع را بالا می‌برد. تاجیکستان و ایران تنها

کشورهای فارسی (دری)‌زبان دنیا هستند. فقط خط آنها با ما متفاوت است. به خط سربلگ می‌نویسند ما به خط نیانگان رقی (نیانگان) برگردند.

این جنبش‌ها در چه سطحی از جامعه وجود دارد؟
دایره شعور افرادی که مایل هستند خط نیانگان، نیانگان شود وسیع است. رایزن فرهنگی حدود ۱۵۰ کلاس آموزش خط نیانگان دایر کرده است که با استقبال زیادی روبه‌رو شده است. در تاجیکستان وزارت معارف داریم. این وزارتخانه و رایزنی فرهنگی ایران همکاری‌های زیادی در توسعه خط فارسی داشته‌اند. خود تاجیک‌ها هم تمایل زیادی دارند که به خط نیانگان بنویسند.

کلاسی از سوی دولت نیز برای بازگشت به خط نیانگان صورت گرفته است؟
بله!حاکمیت نیز خواستار بازگشت به خط نیانگان است. اراده ملی بر این است که تاجیک‌ها به خط نیانگان بنویسند که دولت هم بخشی از آن است. رئیس‌جمهور تاجیکستان علاقه زیادی به فرهنگ و هنر دارد و مایل است که اسم شهرها، خیابان‌ها و روستاها نیز به نام مشاهیر فرهنگی گذاشته شود. اکنون زبان اداری در تاجیکستان فارسی است.

البته زبان تاجیک‌ها در طول سال‌ها تحت تأثیر زبان‌های مناطق اطراف خود بوده است. یکی دیگر از فعالیت‌های رئیس‌جمهور تاجیکستان علاوه بر بازگشت خط تاجیک‌ها به خط فارسی تلاش این زبان از دیگر زبان‌هاست.

وضعیت چاپ کتاب در تاجیکستان چگونه است؟
صنعت نشر زمانی در تاجیکستان پربونگی بوده است و

شمارگان چندصدهزار تایی عادی بوده اما بعد از فروپاشی شوروی صنعت نشر تقریباً تعطیل شد. اکنون تاجیکستان کشور فقیری است. با توجه به عدم توانایی مالی این کشور، صنعت نشر نیز در این کشور ضعیف است. نشر در تاجیکستان دولتی است و شمارگان کتاب‌های آنها از ۳۰۰ یا ۴۰۰ نسخه بیشتر نمی‌شود. با توجه به این موضوع دستگهای بین‌المللی نشر در تاجیکستان می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند.

فعالیت‌های رایزنی فرهنگی در تاجیکستان چگونه طبقه‌بندی شده است؟

معرفی فرهنگی ایران در تاجیکستان شامل دو بخش است؛ اول گذشته فرهنگی مشترک ماست که در این گروه نیاز به کار سیستماتیک نداریم. چالش است بدانید.حافظه شعری هر فرد تاجیک به مراتب از ایرانی‌ها قوی‌تر است. ادوخته شعرهای کلاسیک شاعران ایرانی نزد تاجیک‌ها زیاد است. این مسأله باعث می‌شود که ما توجه بیشتری به ادبیات معاصر داشته باشیم. ما هم در این سیر آشنایی فرهنگی، چاپ مجلات فرهنگی، صفحه‌های ویژه فرهنگ، کتاب، برپایی سمینارها و انجام پژوهش‌ها را در دستور کار خود قرار داده‌ایم. یکی از این فعالیت‌ها ایجاد کرسی تدریس ادبیات فارسی و دانشکده ملی تاجیکستان است. در بعضی



اشتهای خواندن کتاب در بین تاجیک‌ها زیاد است

روزنانه‌ها نیز صفحه ویژه ایران منتشر می‌کنیم. با این همه داد و ستدهای فرهنگی ما با تاجیکستان در مقام یک کشور هم‌زبان کم بوده است.

نهادهای خاصی برای عملی کردن طرح‌های رایزنی فرهنگی بنیان گذاشته شده است؟

یک پژوهشگاه تحقیقات مشترک فارسی و تاجیک در تاجیکستان راه‌اندازی شده است که کارهای علمی و سواددستی انجام می‌دهد.فعالیت‌هایی در زمینه زبان‌شناسی، لهجه‌شناسی و… اما این یاده این سستی را تقویت نمی‌کند. چندسال قبل ارباب نمایندگی به نام الهادی در تاجیکستان داشت. فعالیت‌های الهادی بسیار مفید و مؤثر بود. تولیداتی در زمینه چاپ کتاب و عرضه دیگر محصولات فرهنگی نیز داشت. الهادی یک نهاد دولتی وابسته به سازمان فرهنگ و ارتباطات بود. اما بعد از آمدنی این نهاد در تاجیکستان تعطیل شد.

چرا؟
این مسأله به روابط بین دو کشور بر می‌گردد.

رایزنی فرهنگی چه فعالیت‌هایی در زمینه چاپ کتاب انجام می‌دهد؟

رایزنی فرهنگی در حال حاضر حدود هفت، هشت کتاب در دست چاپ دارد. از نویسندگان قدیمی نادر نادریور، سعید نقیسی و پرویز نائل خاخری برای تاجیک‌ها شناخته شده‌است. ما وجود این موضوع ما سعی می‌کنیم کتاب‌هایی را کار کنیم که بیشتر آثار نویسندگان و شاعران معاصر باشد. اکنون نیز آثار سهراب سبیری را در دست چاپ داریم. دسته‌ای از چاپ کتاب‌های ما از شاعران و نویسندگان تاجیکی است.

چرا علاقه‌مند به چاپ کتاب‌های تاجیک‌ها هستید؟

در بخش قبلی گفتیم که صنعت نشر در تاجیکستان بسیار ضعیف است. بخش عظیمی از نشر این کشور در فرانتستان انجام می‌شود. تاجیک‌ها خوششان در بسیاری مواقع امکان چاپ کتاب‌هایشان را ندارند. به این علت رایزنی در این مسیر به آنها کمک می‌کند. اگر بتوانیم توجه نشر خصوصی را به تاجیکستان جلب کنیم می‌توانیم فعالیت‌های زیادی در این زمینه انجام دهیم. با این وجود **علاقه به خواندن کتاب در بین تاجیک‌ها وجود دارد؟**

اشتهای خواندن کتاب در بین تاجیک‌ها زیاد است. در گذشته تاجیک‌ها صدم در صد اسواد بوده‌اند. اما اکنون درصد اسواد در این کشور کمتر شده است و این خطر جامعه جوان تاجیک را تهدید می‌کند. اما این بدان معنا نیست که کالاهای فرهنگی در این کشور مشتری دارند. خوانندگان کتاب بارها به مراجمه کرده‌اند و درباره روند چاپ کتاب‌ها سوال کرده‌اند. بازار چاپ کتاب و عرضه محصولات فرهنگی در تاجیکستان مثل اروپا و آمریکا نیست. مشتری این محصولات نیز مانند مشتری اروپایی و آمریکایی نیست. در این بازار نمی‌توان قصد انبساط داشت. تاجیکستان بخشی از جنبانه فرهنگی ماست.

روزنانه‌ها در این کشور چگونه است؟

مناظره که اشاره کردید وضعیت نشر در چاپ نشریات در این کشور تأثیر گذاشته است. در تاجیکستان روزنامه نداریم و نشریات به صورت ماهنامه، فصلنامه و هفته‌نامه منتشر می‌شوند. تاجیک‌ها با این همه عسرت و تنگدستی به ادبیات بسیار علاقه‌مندند. چالش است بدانید تاجیک‌ها روز زبان دارند. روز زبان ملی در این کشور تنظیم است. زبان در تاجیکستان از شکل یک عامل ارتباطی خارج شده و به صورت یک مسأله هویتی درآمده است. توجه تاجیک‌ها به این موضوع نشان‌دهنده اعتقاد و نشان زبان فارسی در این کشور است. اما وضعیت نامطلوب‌تر نشر بر توسعه مطبوعات در این کشور اثر منفی داشته است.

رایزنی فرهنگی در تاجیکستان اقدام به چاپ نشریه هم کرده است؟

بله! چاپ نشریه یکی از فعالیت‌های رایزنی فرهنگی است. چندشماره از نشریات به صورت مرتب و چندشماره به صورت ویژه‌نامه منتشر شده است. یک ویژه‌نامه شعر معاصر و زبان ملی نیز کار شده‌است. از دیگر فعالیت‌های رایزنی چاپ نشریات رودکی و نیانگان است که دو حوزه ستان نزدیک مطرح است. یک شماره هم از فصلنامه‌ای منتشر شده است که قبلاً به صورت گاهنامه منتشر شده است. شماره اول فصلنامه به فرهنگ‌نویسی اختصاص داشته است. سه شماره دیگر نیز در فیسان، پاییز و زمستان منتشر می‌شود.

نشریه دیگری به نام پیام فرهنگ نیز منتشر می‌کنید؟
در حوزه اطلاع‌رسانی یک شماره در آمد و جلا‌در فکر چاپ شماره بعدی هستیم. پیام فرهنگ بازناب دهنده و خدادهای فرهنگی است که هم به خط سربلگ و هم فارسی منتشر می‌شود. چون در تاجیکستان روزنامه نیست و فعالیت‌های نشریات در آنجا بسیار کم است پیام فرهنگ به شکل یک نشریه معرفی می‌شود. این شکل نشریه به لحاظ تکنیکی کارروزمانه‌نگاری موفق‌تر بود.

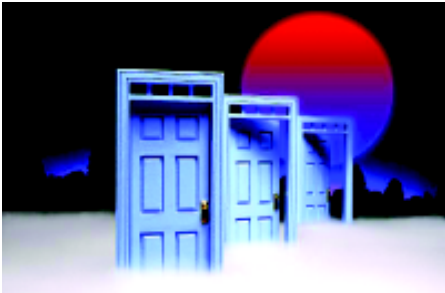
چه فعالیت دیگری برای گسترش زبان فارسی می‌کنید؟
مجموعه نرم‌افزار آموزشی و کتاب‌های آموزشی چاپ کردیم. کتاب تکمیلی الفبای شعر یک دوره باز آموزش برای معلمان زبان است که خط نیانگان را آموزش می‌دهد. با وزارت معارف برای چاپ حدود ۱۵۰ کتاب برنامه‌ریزی کرده‌ایم. اگر کتاب‌های آموزش زبان نیانگان کامل شود آموزش این زبان نیز سرعت بیشتری می‌گیرد.

وضعیت وقت و آهنگهای فرهنگی به تاجیکستان چگونه است؟
وضعیت وقت و آهنگهای فرهنگی و معرفی وقت و آهنگهای زیدی بین دو کشور صورت می‌گیرد. در هفته‌های پیش یک ساعت ۲۲ نغمه شاعر به ملاقات شاعران تاجیک رفتند. این شاعران اکثر شاعران عظیمی خانه شاعران هستند.

در دانشگاه تاجیکستان بیشتر ادبیات معاصر ایران توجه می‌شود یا کلاسیک؟

در دانشگاههای تاجیکستان نیز مانند دانشگاههای ایران تدریس ادبیات کلاسیک جایگاه ویژه‌ای دارد. یک مسیر زمانی طولانی باید طی شود که ادبیات معاصر جای خودش را باز کند. البته اکنون در دانشگاه تاجیکستان رشته ادبیات فارسی معاصر تأسیس شده‌است که امیدواریم به گسترش بیانات معاصر ما نیز کمک کند.





پیشینه مجمع

سال جاری پنجمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی در حالی در شهر دوشنبه تاجیکستان برگزار می‌شود که چهار دوره قبلی این مجمع در دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران برگزار شده است. شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در جهت اهداف خود در سال ۱۳۷۵ تصمیم گرفت هر دو سال یک بار زمینه ارتباط و تعامل استادان زبان و ادبیات فارسی کرسی‌های نقاط مختلف جهان را آنباد کند. این مجمع فارسی است تا با بحث و گفت‌وگو و تبادل نظر استادان زبان فارسی در کشورهای مختلف مسائل و مشکلات گسترش زبان و ادبیات فارسی چالش‌ها و موانع آن مورد بررسی قرار گیرد، استادان تجرب‌تای خود را در اختیار یکدیگر قرار دهند و راهکارهای مناسب در این زمینه طرح شود.

شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در پی تصمیم به برگزاری مجمع، مقدمات آن را فراهم کرد اولین مجمع بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی یک سال بعد برگزار شد. اولین مجمع با حضور ۱۵۰ استاد زبان و ادبیات فارسی داخلی و خارجی به مدت سه روز از ۱۳ تا ۱۵ دی ماه سال ۱۳۷۶ در دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران برگزار شد. مهمانان از آمریکا، نیپال، بلژیک، روسیه، سوئد، لهستان، ژاپن، جابونستان، هند، انگلستان، چک و اسلواکی، فرانسه، چین، و ایران در این مجمع یکصد سخنرانی در خصوص زبان و ادبیات فارسی ارائه کردند و در کنار این استادان، دانشجویان خارجی زبان و ادبیات فارسی هم در مقاطع مختلف دانشگاه‌های ایران، حضور داشتند. همچنین ضیافت‌ها و برنامه‌هایی هم در این مجمع از سوی سازمان‌هایی مثل وزارت امور خارجه به علوم، تحقیقات و فناوری، آموزش و پرورش، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به منظور آشنایی میهمانان با فعالیت‌های آنها در حوزه گسترش زبان فارسی ترتیب داده شد.

اولین مجمع

پایان‌نامه منتهی در زمینه زبان و ادبیات فارسی، تدوین کتاب‌های آموزش زبان فارسی، حمایت در انتشار مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های فارسی استادان خارجی، حمایت از طرح‌های تحقیقاتی مشترک، مادهٔ اسناد و دانشجو، ایجاد بانک اطلاعات و مراکز تحقیقاتی زبان و ادبیات فارسی و ایرانشناسی، برپایی دوره‌های تخصصی مانند مولوی‌شناسی و حافظ‌شناسی، توجه به آموزش ادبیات معاصر ایران در خارج از کشور، تأکید بر فعال شدن دانشجوی بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی و تأمین تجهیزات مراکز تحقیقاتی و آموزشی زبان فارسی خارج کشور، موضوعاتی است که در این منشور مطرح شد.

چهارمین مجمع

شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی به منظور برگزاری چهارمین مجمع اولی‌ا سال ۱۳۸۱ فراخوانی را برای دانشگاه‌های مختلف جهان ارسال کرد تا استادان زبان و ادبیات فارسی مقالات خود را در مجورهای کرسی‌های زبان فارسی، مسائل زبان فارسی و آموزش زبان فارسی در کشورهای مختلف جهان به دبیرخانه مجمع ارسال کنند. در پی این فراخوان ۱۵۰ مقاله خارجی و ۸۰ مقاله داخلی به دبیرخانه مجمع رسید که کمیته علمی مشکل از:

دکتر نصرالله پورجوادی، دکتر مهدی محقق، دکتر احمدتیم‌داری، دکتر محمدجعفر باجفی، دکتر عبدالمعلی شرفی، پس از بررسی مقالات بر اساس معیارهای مشخص مصوب، ۵۰ مقاله خارجی و ۱۵ مقاله داخلی را انتخاب کرد.

در این مجمع ۱۱۰ استاد خارجی زبان و ادبیات فارسی از ۳۰ کشور جهان و ۶۰ استاد ایرانی به بحث و گفت‌وگو پرداختند. یکی از ویژگی‌های مجمع چهارم این بود که با توجه به تنوع اقیفی فرهنگ سعی شد با کاهش برنامه‌های رسمی و ضیافت‌ها، بیشتر و زمینه‌ای برای تبادل افکار و گفت‌وگوی آزاد فراهم شود. برپایی نمایشگاه کتاب، پایگاه اطلاع‌رسانی نشر و اطلاع‌رسانی در زمینه مطبوعات و نشریات از برنامه‌های جنسی این مجمع بود.

دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی تاکنون گزارشی درمورد دوم و سوم را با عنوان رهاورد ۲ منتشر کرده که در این کتاب‌ها گزارش کامل سخنرانی مجمع بین‌المللی استادان آمده است. چکیده مقالات چهارمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی نیز از سوی دبیرخانه شورا در کتابی منتشر شده است.

مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی

مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی یکی از مراکز تحقیقاتی دانشگاه تربیت مدرس است که در سال ۱۳۷۹ تأسیس شده است. این مرکز تقویت و گسترش زبان و ادبیات فارسی و فراهم آوردن زمینه‌های پژوهش در این حوزه را دنبال می‌کند و در اساسنامه آن هم گسترش زبان فارسی در ایران و خارج از ایران به‌عنوان هدف اصلی آمده است. به این منظور در مرکز سه گروه مطالعاتی زبان فارسی، ادبیات فارسی و نقد ادبی و ادبیات تطبیقی ایجاد شده که هر گروه زیر نظر یک مدیر با حضور اعضای هیأت علمی فعالیت می‌کنند.

این مرکز تاکنون بیش از بیست دوره دانش‌آزمایی را به‌صورت کوتاه‌مدت و بلندمدت با همکاری گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس و به سفارش سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در این دانشگاه برگزار کرده است و بیش از ۱۵۰۰ دانشجو و استاد خارجی در این دوره‌ها شرکت داشته‌اند.

دکتر ناصر نیکویخت مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس و مدیر این مرکز درباره این دوره‌ها می‌گوید: دانشگاه تربیت مدرس با استنادی که سال‌ها در کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی خارج کشور تدریس کرده‌اند و مهارت‌های خود را آزمون‌دهند، از طریق آزمون و خطا خیلی از نواقص را در دوره‌های بعد رفع کردند و به یک جمع نسبت دریازه آموزش و زبان و ادبیات فارسی به خارجیان دست یافتند. همچنین علاوه بر برگزاری کلاس‌های آموزشی با برگزاری برنامه‌های مثل ایرانگردی، دیدار با شاعران و نویسندگان و سینما و تئاتر سعی کردیم که این گروه‌ها در محیط زبان فارسی قرار گیرند.

ما از همین تجربه استفاده کردیم و برای اولین بار در کشور مجبور تأسیس دوره دکتری می‌بیمه زبان و ادبیات فارسی برای غیرایرانیان را از شورای گسترش آموزش عالی گرفتیم و در دوره دکترا سه گرایش ایرانشناسی، مطالعات زبان و مطالعات ادبیات به تصویب رسید که تا امروز حدود ۴۰ دانشجو فارغ‌التحصیل شده‌اند و در حال تکمیل هستند. از سال ۱۳۷۸ هم اولین دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی برای دانشجویان خارجی ایجاد شد و دانشجویان خارجی که در رشته‌های مرتبط با زبان و ادبیات فارسی تحصیل کرده و توانایی هر سطح مطلب و خواندن و نوشتن را داشته باشند می‌توانند در این دوره‌ها شرکت کنند.

مدیر مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دربارهٔ آموزش فارسی معاصر به دانشجویان خارجی می‌گوید: آموزش فارسی برای دانشجویان خارجی ایجاد شد و دانشجویان تعریف شده است بر ادبیات معاصر ایران تأکید دارد. یعنی دانشجویان خارجی علاوه بر اینکه با سیر تاریخ ادبیات ایران از آغاز تا امروز آشنا می‌شوند اما تأکید بر تحولات ادبی پس از انقلاب اسلامی است و آثار ادبی که شدید دانشجویان ایرانی کمتر توفیق دارند در دانشگاه‌ها بیابورند به دانشجویان خارجی آموزش داده می‌شود. چون سیرضابط‌هایی که برای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌ها تعریف شده، مربوط به سال‌ها قبل است اما ما سعی کردیم که دانشجویان خارجی بر اساس مقتضیات زبان با ادبیات معاصر آشنا شوند. تلاش ما این است که دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترا که از خارج می‌پذیریم در آینده در کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی کشور خود تدریس کنند و استنادی را برای خارج تربیت کنیم.

نیکویخت از تأسیس دانشگاه‌های وابسته به دانشگاه تربیت مدرس در کشور سوویه در آینده خبر می‌دهد و می‌گوید: چندی پیش که رئیس دانشگاه تربیت مدرس به همراه وزیر علوم رفت، تأسیس کرسی و گروه زبان و ادبیات فارسی به منظور ارتقا، دایرته‌هایی برای تأسیس شعبه‌ای از دانشگاه تربیت مدرس در آنجا صورت گرفت و مقدمات آن فراهم شد که امبداروم دانشگاه تربیت مدرس اولین دانشگاه دولتی باشد که در خارج از کشور شعبه‌ای را تأسیس می‌کند.

مدیر مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی، ارائه فرصت‌های مطالعاتی به استادان و برگزاری همایش‌های علمی و ادبی از جمله دو همایش پژوهش‌های ادبی را از فعالیت‌های دیگر این مرکز نام می‌برد که مجموعه مقالات این دو همایش نیز در دست چاپ است.

مرکز تحقیقات با همکاری انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی فصلنامه‌ای را به‌طور منظم منتشر می‌کند که تاکنون پنج شماره از آن منتشر شده است.



از نگاه استادان

عملکرد شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی

کمی دقیق شویم درمی یابیم که شورای گسترش زبان فارسی فعالیت خود را در این سال‌ها تنها معطوف به کشورهای شمالی شرقی ایران، هند، پاکستان، افغانستان و... کرده است و کشورهای دیگر در این میان با از قلم افتاده‌اند یا فعالیت‌هایی که در آنها صورت گرفته بسیار محدود و مستمر کنگره‌ها و سمینارهای ادبی در کشورهای جهان می‌توانیم در دوازدهم، ادبیات‌مان را به جهانیان بشناسانیم ولی این امر هم مستلزم دعوت از استادانی است که در شاخه‌های متعدد زبان فارسی به صورت تخصصی کار کرده‌اند و اطلاعات آنها به روز است و بتوانند اطلاعات خود را در این همایش‌ها در اختیار شرکت‌کنندگان بگذارند، اما در بیشتر موارد این مجامع ادبی تنها در حد و اندازه یک دید و بازدید باقی می‌ماند و کاری پیش نمی‌برند.

میدی محقق

زبان عرفان، ادبیات و فرهنگ ایرانی فعالیت اصلی شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، شناسایی مراکز علمی و فرهنگی و استادانی است که در کشورهای مختلف زبان فارسی تدریس می‌کنند و به زبان فارسی عشق می‌ورزند، باید این شورا با ارسال کتاب، جزوه، فیلم، سی‌دی و اعزام استاد به کشورهای دیگر نیازهای این دانشجویان را برآورده سازد و زمینه تحصیل در دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت در ایران را برای آنها فراهم کند. در این

سال‌ها شورای گسترش زبان فارسی تا حدودی نوسنته است که از پس وظایف خود برآمده البته ایرادهایی نیز برای عملکرد شورا وارد است که در آینده باید این نقایص را برطرف سازد.

همچنین برگزاری مجامع ادبی برای فارسی‌زبانان دستاوردهای خوبی همراه خواهد داشت و زمینه ارتباط تنگاتنگ میان استادان را فراهم می‌سازد و این فرصت را به آنها می‌دهد که از جدیدترین دستاوردهای یکدیگر آگاه شوند.

اما این مجامع ادبی به تنهایی نمی‌توانند راهی مناسب برای فراگیر شدن زبان و ادبیات فارسی در جهان باشند بلکه باید زبان فارسی در دل خود پیاسی داشته باشد که برای علاقه‌مندان جایزه فراگیری آن را فراهم سازد. در گذشته یکی از راه‌های فراگیر شدن زبان فارسی در شبه قاره هند و پاکستان عرفان اسلامی ایرانی بود که برای دست یافتن به آن باید زبان فارسی توسط این علاقه‌مندان فرا گرفته می‌شد. امروزه نیز باید از این روش سودجوییم و اگر فلسفه، تاریخ، ادبیات و... داریم به وسیله این زبان به گوش جهانیان برسانیم، البته باید این نکته را نیز مدنظر داشت که زبان فارسی، زبان عرفان، ادبیات و فرهنگ ایرانی است و تنها از این راه می‌توان آن را در جهان فراگیر کرد.

ادبیات معاصر ایران در مقایسه با ادبیات کلاسیک کمتر در جهان شناخته شده است و این به گذشت زمان و تبلیغات لازم در این زمینه نیاز دارد اما این همه، بسیاری از شاعران و نویسندگان معاصر در جهان آثارشان با اقبال روپرو شده است مثلاً من در بازدید یکی از دانشگاه‌های قاهره داشتم دریافتیم که دانشجویان زبان فارسی قاهره به آثار شما، جملارده، فروغ و سپین بهبهانی علاقه دارند و آثار آنها را نیز ترجمه کرده‌اند. اما برای فراگیر شدن ادبیات فارسی معاصر با کلاسیک باید خود استادان و دانشجویان زبان فارسی دل بسوزانند و تنها به آموختن زبان فارسی اکتفا نکنند و با آموختن زبان انگلیسی و زبان‌های دیگر تسلط بر آنها زمینه نگارش و ارائه مقاله به این زبان‌ها را فراهم سازند تا زبان‌های فارسی و آن گونه که شایسته است در جهان بشناسانند، البته دانشگاه‌هایی توانمند با جدیت بیشتر در این راه شمر نشر باشند از کمیت‌ها بکاهد و به کیفیت آموزش

شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی تا بر تصمیم شورای عالی انقلاب فرهنگی در پیست و هفتم بهمن ماه ۱۳۶۶ یا هدف تقویت و توسعه زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور تشکیل شد تا به طور رسمی امور و مسائل علمی و سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در حوزه آموزش زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور را برعهده گیرد، طبق اساسنامه شورا، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس شورا، شش نفر از استادان و محققان با تجربه در زمینه آموزش زبان و ادبیات فارسی، وزرای علوم، تحقیقات و فناوری، آموزش و پرورش و امور خارجه در آن عضویت دارند. همچنین اساسنامه، حضور نمایندگان سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران و فرهنگستان زبان و ادب فارسی را در شورا پیش‌بینی کرده است.

وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، آموزش و پرورش و امور خارجه، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سازمان صدا و سیما، دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی، دستگاه‌های اجرایی شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در اجرای طرح‌ها و برنامه‌های شورا همکاری دارند. تدوین خط مشی اصولی برای آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، تهیه و تصویب طرح‌های مؤثر در جهت گسترش زبان و ادبیات فارسی، ایجاد هماهنگی میان وزارتخانه‌ها، دستگاه‌ها، دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی برای توسعه زبان فارسی و نظارت بر دستگاه‌های اجرایی و ارزیابی فعالیت آنها عمده وظایف و فعالیت‌های شورا است.

شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در جهت هدف اصلی خود در طول سال‌های فعالیتش تا امروز برنامه‌هایی را طراحی و اجرا کرده است. برگزاری همایش‌های ادبی و فرهنگی در داخل و خارج کشور با حضور استادان، محققان و نویسندگان، برگزاری چهار دوره مجمع بین‌المللی

استادان زبان و ادبیات فارسی، دوره‌های دانش‌افزایی برای دانشجویان و استادان خارجی زبان و ادبیات فارسی، تدوین کتاب‌های آموزشی و ارسال کتاب‌ها و تجهیزات ویدئاری و شنیداری آموزشی و کمک آموزشی، انتشار کتاب‌هایی در حوزه زبان و ادبیات فارسی کلاسیک و معاصر، برقراری ارتباط بین استادان و نویسندگان و شاعران داخلی و خارجی که در این سال‌ها از سوی شورای گسترش طراحی و با همکاری دستگاه‌های اجرایی، انجام شده است. امروز مراکز و نهادهای دیگری هم در کنار شورای گسترش، در این جهت گام برداشته‌اند که می‌توان از کانون زبان ایران وابسته به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، سازمان فرهنگ و ارتباطات و... نام برد اما سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در زمینه آموزش زبان و ادبیات فارسی به غیر فارسی‌زبان برعهده شورای گسترش به عنوان نهاد رسمی این امر است.

شاید فرصت آن باشد تا عملکرد این شورا در طول این مدت مورد بررسی و ارزیابی استادان و صاحبان نظر قرار گیرد که این کار می‌تواند در جلسات و نشست‌هایی انجام شود. در اینجا ما هم نظرات چند تن از استادان زبان و ادبیات فارسی را درباره عملکرد شورا جویا شده‌ایم تا باب بررسی این موضوع در نشست‌های علمی و فرهنگی گشوده شود.

نصرالله پورجوادی:

مجامع ادبی نزدیک دیدو بازدید برای بررسی و ارزیابی عملکرد شورای گسترش زبان فارسی باید به کارنامه این مرکز از آغاز تا به امروز نگاهمی بیندازیم تا بتوانیم به فضاهای درست دست یابیم. وظیفه اصلی شورای گسترش زبان فارسی معرفی ادبیات ایران به جهان و اعزام استاد، ارسال جزوه، کتاب، سی‌دی و فیلم و برگزاری همایش‌های متعدد است اما اگر

بیزاریانند، تا زمانی که دل همه ایرانی‌ها برای زبان فارسی نسوزد این زبان در جهان مجبور خواهد ماند.

دکتر فتح‌الله مجتبابی:

فعالیت نامنه دار و مستحکم در این یک سال متأسفانه تا یک سال پیش اطلاع درستی از عملکرد شورای گسترش زبان فارسی نداشتیم اما در یک سال اخیر دانه‌دار شده و ادبیات فارسی به مجامع بین‌المللی راه پیدا کرده است و در این مدت کوتاه آثار قابل قبولی از آثار فارسی‌زبانان به زبان‌های دیگر ترجمه شده است. پیش از این بیشتر افرادی که به مجامع بین‌المللی راه می‌یافتند، براساس دستاوردی که همراه نداشتند، اما آیا تغییراتی که در این مدت صورت گرفته است، استادان را آماد به این مجامع و کشورهای دیگر راه پیدا کرده‌اند که در آینده نزدیک شاهد دستاوردهای آن خواهیم بود.

باید شرایطی فراهم شود که استادانی که در خارج از مرزهای ایران مشغول تدریس و تحقیق هستند اطلاعاتشان به روز شود و امکانات بیشتری در اختیار آنها قرار گیرد و رایزن‌های فرهنگی کشور نیز با همکاری مستمر و گسترده‌ای که با شورای گسترش زبان فارسی دارند با برگزاری همایش‌های متعدد، برگزاری جلسات شعرخوانی، مرزهای فرهنگی ایران را گسترده و عمیق‌تر کنند.

برای جهانی شدن زبان فارسی باید در ابتدا فارسی‌زبانان به ارزش و اهمیت این زبان پی ببرند و در پی آن باشند که هر یک عنوان یک رایزن فرهنگی عمل کنند و زبان فارسی را به جهانیان بشناسانند.

همچنین باید تدابیری اتخاذ شود که استادانی که از ایران برای حضور در سمینارهای فرهنگی کشورهای دیگر شرکت می‌کنند، از شأن و اعتبار فرهنگی بالایی برخوردار باشند و نماینده واقعی فرهنگی مادر آن همایش باشند و بتوانند دستاوردهایی برای ایران به ارمغان بیاورند.

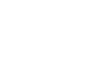
ادبیات معاصر ایران در مقایسه با ادبیات کلاسیک، کودک‌نویایی است که می‌تواند خیلی زود مرزهای جهان را در نوردد و راه جهانی شدن را طی کند. اما این امر مستلزم حمایت‌های دولتی است.

جلیل تجلیل:

پیام استانی زبان فارسی

شورای گسترش زبان فارسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی توسط وزارت آموزش عالی به منظور گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از مرزهای ایران تأسیس شد و هدف آن فراهم کردن زمینه تحصیل فارسی‌زبان ایرانی مقیم خارج از مرزهای کشور و فارسی‌زبان‌هایی در کشورهای افغانستان، پاکستان، تاجیکستان و... است. این شورا تا به امروز توانسته است به دانشگاه‌ها و دپارتمان‌های مختلف جهان استاد اعزام کند و دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در این دانشگاه‌ها برگزار کند. تا به امروز شورای گسترش زبان فارسی عملکرد خوبی داشته است و این استادان توانسته‌اند به ریسرتر فرهنگی این کشورها دستاوردهای خوبی به همراه داشته باشند که می‌توان به تصحیحات و تألیفات آنها اشاره کرد. البته نقایصی نیز این راه دیده می‌شود که بتدریج باید شورای گسترش زبان فارسی در پی برطرف کردن آنها باشد و برگزاری مجامع ادبی در کشور ایران و کشورهای فارسی‌زبان می‌تواند زمینه همکاری و تبادل اندیشه میان استادان زبان فارسی را فراهم سازد.

در این مجامع مقالات پژوهشی و تألیفی که ارائه



می‌شود. می‌تواند چهره واقعی زبان و ادبیات فارسی را به جهانیان پیشانساند و گام‌های بلندی برای اعتبار بخشیدن به زبان فارسی برداشته شود.

زبان فارسی در دل خود پیام انسانی جای داده است و همین امر باعث می‌شود که در مقایسه با زبان‌های دیگر از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار باشد.

زبان فارسی از نظر فونتیک، موسیقایی و صورالخیال برجستگی‌هایی دارد که می‌تواند در جهان فراگیر شود. اخباری که در جهان انتشار یافته است خود دلخبر بر اقبال زبان فارسی در میان جهانیان است چرا که در سال‌های اخیر پرطرفزترین کتاب در آمریکا متنی معنوی بوده است و این خود دلخبر در قابلیت‌های زبان فارسی است. برگزاری سیمینارهای ادبی و فرهنگی ترجمه آثار فارسی به زبان‌های دیگر می‌تواند به این موضوع ندامت بخشد. ادبیات معاصر ایران در ۵۰سال اخیر در جهان با استقبال خوبی روبرو شده است که از این میان ادبیات داستانی ما بیشتر مورد اقبال قرار گرفته است. البته شعر نیز در مقایسه با داستان، از توانمندی بسیاری برخوردار است و بسیاری از شاعران جوان در کنار قله‌های بزرگ ادبیات کلاسیک ایران در جهان شناخته شده‌اند.

حسن اوشه

دایره بسته شورای گسترش

وضعیت شورای گسترش زبان فارسی در سال‌های اخیر نسبت به گذشته بسیار تغییر کرده است اما براساس منابع و مدارکی که وجود دارد، شورای گسترش زبان فارسی از سابقهٔ چندان درخشانی برخوردار نیست و استنادی که از این مرکز به کشورهای دیگر اعزام شده اند بیشتر براساس روابط بوده می‌براساس کارایی و دانایی، به همین جهت این اقدامات نتیجه چندان در بر نداشته است.

شورای گسترش زبان فارسی به صورت دایره بسته‌ای است که تنها افراد خاصی را در بر می‌گیرد. در گذشته

رایزبان‌های فرهنگی ایران، مجتبی منبوی، امین ریاحی، علی اصغر حکمت، حسین خلیل‌پور… می‌بودند اما امروزه دیگر خبری از رایزن فرهنگی قوی ماندن این انجمنیست که این خود جای تأمل و سؤال دارد.

سخت‌زانی‌ها و مغالاتی که

در مجامع ادبی ارائه می‌شوند

به تنهایی نمی‌توانند برای زبان

فارسی دستاوردی داشته باشند شاید این سخت‌زانی‌ها، مهم نباشند اما به زعم من مهمترین دستاورد مجامع ادبی، میزگردهای خصوصی است که در این همایش‌ها برگزار می‌شود و استادان جدیدترین اطلاعات خود را در اختیار یکدیگر می‌گذارند. مثلاً در این همایش‌ها ممکن است یک استاد زبان فارسی مراکش و یک استاد زبان فارسی ژاپن که استادان جهان باهم هم‌مکالمی بوده‌اند در دو نشیبه یکدیگر را می‌بینند و در این نشست‌های خصوصی از تازه‌های ادبی یکدیگر را باخبر می‌سازند.

در گذشته زبان فارسی در کسره پهنآوری نفوذ داشت اما نفوذ زبان فارسی در فته رفته کم شده است. از این‌نویسی، تنها چند جمله کل به جا مانده است. تا اینجا که زبان‌مان را حفظ کرده‌ایم. هر که درمهم، البته این نکته را نیز باید در نظر داشته باشیم که زبان فارسی مانند زبان انگلیسی فراگیر و جهانی نیست که مانسب‌های سیاسی و جهانی در ارتباط باشد. ادبیات کلاسیک ما در میان اما در جلیک‌ها ویزه و منحصر به فردی برخوردار است اما در دلیل نمی‌شود که ادبیات معاصر نیز در همین گونه‌نمادت بتواند به این جایگاه دست پیدا کند. در این خصوص می‌توانیم به تعداد ترجمه‌هایی که تا به امروز از شعرهای خیم به زبان عربی به شدت بیش از ۶۰ عنوان است و این تنها بیانگر نفوذ یک ناهم‌ارایی در جهان است. نویسندگان و شاعران ایرانی چیزی که از نویسندگانی که جایزه نوبل ادبیات گرفته‌اند ندارند اما به دلیل اینکه زبان فارسی ما مورد افاده است، اگر زمینه همکاری میان ترجمان کشورهای دیگر فراهم شود و آثار فارسی به زبان‌های دیگر ترجمه شوند، می‌تک ادبیات معاصر ما در جهان حرفی برای گفتن خواهد داشت و تا به امروز هدایت، گلشیری، دولت‌آبادی، شالمو، فروغ، سپهری و اخوان در جهان به جایگاه ویژه‌ای دست یافته‌اند و شاعران و داستان‌های آنها به زبان‌های دیگر ترجمه شده‌اند.

کدامس

مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به منظور ایجاد هماهنگی در حوزه گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از مرزهای ایران در سال ۱۳۷۳ گروه ایرانی گسترش زبان و ادبیات فارسی را به عنوان یکی از واحدهای معاونت پژوهشی و آموزشی ایجاد کرد اما چندسال بعد این واحد در سال ۱۳۸۰ به مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی ارتقا پیدا کرد.

این مرکز دارای شورای علمی ۱۲نفره است که با پیشنهاد رئیس مرکز انتخاب می‌شوند این شورای اجربی علمی مرکز برقراری ارتباط هدفمند با دانشگاه‌های کشور و ترویج تقویت و توسعه کمی و کیفی در امر آموزش و پژوهش زبان و ادبیات فارسی در کشورهای جهان را به عنوان اهداف خود دنبال می‌کند.

برپایی دوره‌های علمی و آموزشی در جهت تقویت توان علمی استادان، دانشجویان، پژوهشگران و مترجمان زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور و آشناساختن آنان با تحقیقات جدید در این حوزه صدها فعالیت‌های این مرکز است که در چند بخش صورت می‌گیرد. دوره‌های تحصیلاتی دانش افزایی یکی از دوره‌های علمی است که در آن استادان و دانشجویان خارجی حوزه‌های زبان فارسی، ادبیات فارسی و ایران‌شناسی که از طریق نمایندگی‌های فرهنگی و سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران به مرکز معرفی می‌شوند، طی یک‌ماه یا ۲۵روز به صورت فشرده آموزش زبان و ادبیات فارسی می‌بینند.

مرکز در ابتدای هر دوره برای فراگیران طی یک آزمون کتبی و شفاهی تعیین سطح می‌کند و برسرفصل‌ها و مواد آموزشی مناسب هر سطح را برای آنان در نظر می‌گیرد. از شرکت‌کنندگان در این دوره‌هایی از حدود ۵۰ ساعت آموزش، آزمونی به عمل می‌آید و در صورت موفقیت گواهینامه رسمی به دو زبان فارسی و انگلیسی به آنها داده می‌شود. در کنار برنامه‌های آموزشی برای این دوره‌های دانش افزایی، برنامه‌های جشنی نیز از جمله دیدار با استادان، نویسندگان و شاعران ایرانی، شرکت در نشست‌های ادبی، بازدید از مراکز تاریخی علمی و فرهنگی، سینما و موسیقی ترتیب داده می‌شود.

دوره‌های دانش افزایی ویژه هم معمولاً در بهمن‌ماه هر سال برای جمعی از متقاضیان که از یک ناحیه جغرافیایی هستند، برگزار می‌شود.

همچنین مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی برای دانشجویان، استادان و پژوهشگرانی که امکان سفر به ایران را ندارند، دوره‌های دانش افزایی را با اعزام استادان ایرانی و با همکاری رایزنی‌های فرهنگی در خارج از کشور برگزار می‌کند.

لیجاد فرصت‌های مطالعاتی برای دانشجویان، استادان خارجی یکی دیگر از برنامه‌های مرکز است که طی آن، مرکز از بین شرکت‌کنندگان در دوره‌های دانش افزایی ناسبتی، تعداد محدودی را انتخاب و دوره‌های ترمی فرصت‌های مطالعاتی را برای آنها برگزار می‌کند. در فرصت‌های مطالعاتی که توسط مرکز با همکاری یکی از دانشگاه‌های کشور برگزار می‌شود، دانشجویان خارجی ۱۰ واحد درسی دانشگاهی را می‌گذرانند و در پایان گواهینامه رسمی دریافت می‌کنند.

هر سال همزمان با نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران مرکز گسترش با همکاری شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی به منظور استفاده استادان زبان و ادبیات فارسی خارج از کشور برنامه دیدار از نمایشگاه بین‌المللی کتاب را برگزار می‌کند و شرکت‌کنندگان در نمایشگاه علاوه بر بازدید و خرید با استادان، نویسندگان و شاعران ایران نیز دیدار می‌کنند.

از سه‌سال قبل مرکز و شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی همزمان با نمایشگاه کتاب همایش بین‌المللی تعلیم ادبی ایران و جهان را برگزار می‌کند که استادان و اهل و هنک از نقاط مختلف جهان با ارائه مقاله علمی در همایش شرکت و از نمایشگاه نیز بازدید می‌کنند.

اعزام استادان و اطعایی بورسیه‌های تحصیلی به دانشجویان خارجی، برنامه دیگر مرکز گسترش است که به طور مستمر انجام می‌شود. مرکز برای تأمین نیروی انسانی کرسی‌ها و گروه‌های زبان و ادبیات فارسی و تقویت آنها در دانشگاه‌های خارج از کشور با همکاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری استادان را به خارج از کشور اعزام می‌کند. همچنین از میان دانشجویان خارجی زبان و ادبیات فارسی که توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای تحصیل در ایران پذیرفته می‌شوند، به پیشنهاد مرکز گسترش، هزینه بورس تحصیلی تعدادی از آنها تأمین و پرداخت می‌شود.

برگزاری همایش‌های زبان و ادبیات فارسی در داخل و خارج کشور و بزرگداشت مفاهم ایرانی و جهان و روز شاعران مثل روز فردوسی، خیم، سعدی، حافظ، رودکی و… نیز هر سال توسط مرکز گسترش، همکاری مراکز علمی و دانشگاه‌های داخل و خارج کشور برگزار می‌شود.

پیشانی و تجهیز مراکز آموزشی و تحقیقات زبان و ادبیات فارسی و پاسخ به نیازهای این مراکز از اهداف اصلی مرکز گسترش است. مشارکت و پشتیبانی از فعالیت‌های رایزنی‌های نمایندگی‌های فرهنگی و دیگر مراکز آموزش زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور، تهیه و ارسال کتاب‌های فرهنگی به این مراکز، همکاری انجمن‌های مرتبط با زبان و ادبیات فارسی در خارج، تجهیز مراکز آموزش زبان و ادبیات فارسی خارج از ایران به ابزار نوین علمی، فناوری، مشارکت در برگزاری اردوهای علمی، فرهنگی استادان و دانشجویان خارجی، تهیه بانک اطلاعات زبان و ادبیات فارسی و کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی در کشورهای مختلف، تجهیز کتابخانه‌های تخصصی زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور و ایجاد بانک کتاب‌های مرکز گسترش فعالیت‌هایی است در جهت پشتیبانی مراکز آموزشی و تحقیقاتی صورت می‌گیرد هرگز گسترش همچنین درصدد است برای تهیه متون آموزشی و کمک آموزشی زبان فارسی و کتاب‌های ادبی متناسب با نیازهای و ادبیات فارسی در ایران و جهان برنامه‌ها و همایش‌های زبان و ادبیات فارسی مرکز گسترش از سال ۱۳۷۶ فصلنامه سخن عشق منتشر می‌کند که این فصلنامه برای کلیه مراکز فرهنگی و مؤسسات و دانشگاه‌های زبان و ادبیات فارسی جهان ارسال می‌شود.

اقدام دیگر مرکز گسترش در جهت هدف اصلی خود، تشکیل کانون دانش آموختگان زبان و ادبیات فارسی برای ارتباط گسترده با فارغ‌التحصیلان زبان و ادبیات فارسی، ایران‌شناسی و شرق‌شناسی‌ها، طی به تدریس، مستحق و است. تشکیل دفتر کانون دانشجویان خارجی زبان و ادبیات فارسی، سازماندهی دانشجویان برای ارائه مشاوره و در زمینه‌های علمی، تحقیقی و پژوهشی در زمینه ادبیات، تشکیل اردوهای سیاحتی، علمی و بازدید از مورثت فرهنگی ایران، اطلاع‌رسانی در زمینه پژوهش‌های جدید زبان و ادبیات فارسی، اعدای کتب و نشریات جدید ادبی به استادان، مجامع ادبی و انجمن‌های دوستی ایران در خارج کشور و فراهم کردن امکان پژوهش برای دانشجویان برنامه‌های است که کانون دانش آموختگان به آن می‌پردازد. آرشيو بخش دیگر مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی است که در آن نسخه‌های خطی فارسی تهیه شده از اسرار جهان به صورت میکرو فیلم و سی‌دی، محصولات چندرسانه‌ای زبان و ادبیات فارسی، بانک اطلاعات انحصاس و نشانی‌های مخاطبان مرتبط با مرکز گسترش و فیلم‌های آموزشی نگهداری می‌شود.

پایگاه الکترونیکی اطلاع‌رسانی مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی نیز برای ارتباط سریع و مداوم با مخاطبان خود در جهان ایجاد شده است که در این پایگاه اخبار، گزارشات، تقدا و تفصیلهای معرفی مشاهیر، گفت‌وگوها، نشریات و منابع آموزشی و کتابخانه دیجیتال برای استفاده علاقه‌مندان به زبان و ادبیات فارسی ارائه می‌شود. استادان و دانشجویان زبان و ادبیات فارسی می‌توانند از طریق این پایگاه به نشانی www.parsianlanguage.org جدیدترین اخبار، اطلاعات و آثار و تحقیقات زبان و ادبیات فارسی آگاه شوند.



ترجمه ادبیات معاصر ایران

هنوز ادبیات و فرهنگ ما را با نام شاعرانی چون فردوسی، حافظ، خیاب، مولوی و سعدی در بیرون از مرزهای کشور می‌شناسند و آثار این شاعران است که در دیگر کشورها ترجمه شده که بی‌شک مایه افتخار و بالندگی برای فرهنگ ایران زمین است. اما نباید فراموش کرد که ما چیزی هم به نام ادبیات معاصر نداریم. در میان آثار ادبی معاصر ایران، اشعار و داستان‌های وجود دارد که امکان و قابلیت معرفی به جهان را دارد. در حالی که هیچ حرفی از سوی هیچ نهادی برای معرفی ادبیات معاصر ایران صورت نگرفته است، اما تعدادی از آنها در کشورهای دیگر ترجمه شده‌اند.

متأسفانه می‌توان گفت ادبیات معاصر ما که می‌تواند حلقهٔ ارتباط فرهنگی و ادبی را با دیگر کشورها برقرار کند، مورد بی‌مهری قرار گرفته و تاکنون هیچ برنامهٔ مشخصی برای معرفی ادبیات امروز ما از سوی هیچ نهادی صورت نگرفته است. شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی به عنوان نهاد برنامه‌ریز در جهت گسترش زبان و ادبیات فارسی در طول مدت فعالیتش عمدهٔ توجهش به آموزش زبان فارسی بوده و کمتر به ادبیات نالیه ادبیات معاصر پرداخته است! خوشبختانه گویا مسؤولان این شورا به این باور رسیده‌اند که نتایجی بین آموزش زبان فارسی و ادبیات قائل شوند و گام‌های اولیه‌ای در جهت بررسی و معرفی ادبیات معاصر برداشته‌اند که می‌توان آن را به فال نیک گرفت. برگزاری دو همایش چشم انداز شعر معاصر فارسی و چشم انداز داستان فارسی در سال گذشته و انتشار آثاری در زمینه شعر معاصر فارسی از کارهای این شورااست که لازم است تداوم و گسترش یابد. به هر حال آنچه ضرورت دارد برنامه‌ریزی برای معرفی و در مرحله بعد ترجمه ادبیات معاصر ایران از سوی یک نهاد و سازمان در دیگر کشورهاست.

با چند تن از نویسندگان دربارهٔ وضعیت ترجمه ادبیات معاصر فارسی و موانع آن که ممکن است در مواردی به خود آثار هم مربوط باشد، گفت‌وگو کرده‌ام.

کاوه میر عباسی مترجم:

شود آثار شاخص در ادبیات معاصر

کاوه میرعباسی، مترجم ادبیات معاصر فارسی راه زبان های

غیر در سال‌های اخیر ناچیز می‌داند و معتقد است در زبان و ادبیات

فارسی معاصر ما هنوز نویسنده به معنای واقعی آن نداریم.

میرعباسی می‌گوید وقتی ما در کشورمان نویسنده حرفه‌ای

نداریم چگونه می‌توانیم انتظار داشته باشیم که مترجمان کشورهای

دیگر به سراغ ادبیات معاصر کشورمان بیایند.

به عقیده این مترجم ادبی

در سال های اخیر، حتی

کتاب‌های داستانی ایرانی که از

چندین مرکز و جشنواره ادبی

داخلی جوایزی را کسب

می‌کنند، در حد آثار اثری تراز

اول غربی نیستند و در چنین

شرایطی طبیعی است که

مترجمان کشورهای دیگر کمتر

سراغ این ادبیات بیایند.

میرعباسی می‌گوید من

خودم به واسطه کارم اغلب

زمان های فارسی را که منتشر شده خوانده‌ام ولی متأسفانه کمتر اثر

شاخصی در میان آنها دیده‌ام، چون نویسندگان خیلی معدودی به

ادبیات به صورت تمام وقت و حرفه‌ای می‌پردازند و اکثر آنها به

صورت فغنی و غیر حرفه‌ای دست به خلق یک اثر هنری می‌زنند.

به اعتقاد میرعباسی تا زمانی که آثار ادبی ما به کیفیت‌های قابل

قبولی نرسند، نمی‌توان انتظار داشت که در آن سوی مرزها مورد

توجه و اقبال قرار گیرد.

مترجم زمان ابراهیم در مورد ترجمه اشعار فارسی زبان به

زبان های غیر فارسی نیز معتقد است:اشعار حافظ، مولانا،سعدی

و… هیچگاه درست ترجمه نخواهد شد، چرا که راز و رمزهای

بی‌شماری در بافت این نوع شعرها نهفته است که فقط در زبان

فارسی قابل درایت و رمزگشایی هستند.

میرعباسی در مورد اشعار شاعران معاصر همانند سهراب

سپهری و فروغ فرخزاد و نظر دیگری دارد و معتقد است این نوع

اشعار قابلیت ترجمه دارند، اگر مترجمان آشنا به بافت و لایه‌های

پنهانی زبان فارسی هست کنند، ترجمه این نوع اشعار به زبان های

غیر فارسی امکان‌پذیر است.

آرزو ضلایی مترجم:

توان رقابت ادبیات معاصر ایران با ادبیات روز جهان

به عقیده آرزو ضلایی، مترجم آثار آلمانی به زبان فارسی، ترجمه

یک اثر ادبی به منزله انتقال یک فرهنگ به فرهنگ دیگر است و در

این راستا تسلط مترجم به زبان مبدا امری حیاتی است.

رضایی می‌گوید، برای اینکه آثار ادبی به زبان‌های دیگری

ترجمه شود لازمه‌اش شناخت مترجمان زبان‌های مختلف، از زبانی

است که فراتر است، مورد ترجمه قرار گیرد و این قضیه ممکن نیست

مگر اینکه آن مترجم قبل از هر چیزی از فرهنگ و زبانی که قرار

است ترجمه کند، اطلاعات کافی و لازم را داشته باشد، یعنی

ریزه‌کاری‌های زبان مبدا را دقیقاً بشناسد و این ممکن است با ترجمه

کتاب‌های غربی‌تری نیز تحقق یابد.

رضایی می‌گوید: در زبان‌ها و فرهنگ‌های غربی‌تری و غیر فارسی،

فرهنگ و زبان ایرانی را بیشتر از طریق سفرنامه‌ها و مسائل سیاسی

می‌شناسند و هنوز ادبیات معاصر ایرانی توانسته در خارج از

مرزها، قدرت مانور لازم را داشته باشد و این به عوامل متعددی

بستگی دارد که از آن جمله، عدم فعالیت حلقه‌های رابط در این

زمینه است که به نظرم باید روی آن کار شود، چرا که ادبیات

معاصر ایران توان رقابت با ادبیات روز جهان را در بسیاری از

جغات داراست.

آرزو ضلایی تا به حال آثار متعددی را از زبان آلمانی به فارسی

ترجمه کرده است. وقتی از

اومر یوسم حاضر است آثاری

از ادبیات معاصر ایران را به

زبان آلمانی ترجمه کند،

می‌گوید: از اول من این کار

را نکردم و رانشش هرگز

هم این کار را نمی‌کنم چون

فکر می‌کنم کسی که اثری را

به زبانی غیر از زبان

مادری‌اش ترجمه می‌کند

معمولاً موفق نیست به غیر

از موارد استثنایی که مطلقاً

هم جزو استثناات نیستم. رضایی می‌گوید، کسی که فارسی

صحبت می‌کند نمی‌تواند اثری را به زبانی غیر از زبان فارسی

ترجمه کند، چون ذهن و زبانش آشنسته به مفاهیمی است که در

زبان فارسی رایج است و معنایی می‌کند.

آرزو ضلایی سال گذشته کتاب *یادداشت‌هایی برای دوره‌ا*

را از زبان آلمانی ترجمه کرده که نشر مروارید در تهران چاپ

کرده و در حال حاضر کتاب جدید حمید صرادر در دست ترجمه

دارد.

سیامک کشوری:

نظریات بالای ادبیات معاصر

متأسفانه غربیان هیچ اطلاع دقیقی از ادبیات معاصر ایران

ندارند و تنها آثاری مورد توجه مترجمان قرار گرفته است که با

شاعران یا نویسندگان این آثار در ارتباط بودند. این آشنایی بهانه‌ای

برای ترجمه این آثار شده است، به همین دلیل بیشتر آثاری که از

زبان فارسی به زبان دیگر ترجمه شده‌اند، معرف واقعی ادبیات

مانیستند، چرا که ادبیات معاصر ما از قابلیت و ظرفیت‌های بالای

برخوردار است که اگر این آثار به زبان‌های دیگر ترجمه شوند،

ذهنیت غربیان را به کلی درباره ادبیات معاصر ایران دگرگون

خواهد کرد. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که ترجمه‌هایی

که از آثار فارسی صورت گرفته است تعدادشان بسیار معدود و

انگشت‌شمار است و این آثار اصلاً با آثاری که از زبان‌های دیگر

به فارسی برگردانده می‌شوند، از نظر تعداد و کیفیت قابل مقایسه

نیستند.

در بیشتر کشورهای که توانسته‌اند ادبیات و فرهنگ خود را

به جهانیان بشناسانند، دولت متولی است و برای ترجمه آثار

شاعران و نویسندگانش سرمایه‌گذاری لازم را می‌کند. اما دولت

ایران نسبت به این امر تاکنون از خود حرکتی نشان نداده است.

البته هستند کسانی که ترجمه نشدن آثار فارسی را به زبان‌های

دیگر به گردن مجبور بودن زبان فارسی می‌اندازند که این گزارشی

بییش نیست، اگر دولت در این امر احساس مسؤولیت و



سرمایه‌گذاری کند. خیلی زود ادبیات ایران در جهان به جایگاه

واقعی خود دست خواهد یافت.

شوداوا سطوی:

حاکمیت رابطه بر ضابطه حتی میان روشنفکران

بیشتر نویسندگان و شاعران جهان، علاوه بر تسلط بر زبان

مادری خود، حداقل یک یا چند زبان زنده دنیا تسلط دارند و در

برخی از موارد نیز برخی آثار خود را به زبانی غیر از زبان مادری

خود نوشته‌اند و یا به نوعی در ترجمه اثر خود، سهم بوده‌اند. اما

متأسفانه حتی قشر روشنفکر

ایرانی، نویسندگان و شاعران،

به زبان انگلیسی به مشکل و

شکسته و بسته حرف می‌زنند

دیگر چه برسد به اینکه بتواند

اثری به زبان دیگری خلق

کند.

اما از این میان مترجمان

توانمندتری چون فرزانه

طاهری، دست به امر خطیری

ترجمه زنده‌اند و آثار بسیاری

از نویسندگان و

تئوریسین‌های غرب را به فارسی بازگردانده‌اند و درجه‌های

جدیدی را پیش روی ایرانیان گشوده‌اند و بسیاری از مباحث که

تا به آن روز برای نویسندگان ایرانی ناشناخته بود را برای آویان

و شرح داده‌اند، اما متأسفانه هنوز مترجم توانمندی از این میان

بر نخاسته است که بتواند و بخواند که زبانی فرهنگ و هنر ایرانی

باشد. دستم به ترجمه آثار فارسی به زبان‌های دیگر برند، چرا

که برای دست یافتن به یک ترجمه خوب، باید ساعت‌ها، ماه‌ها

و بلکه سال‌ها وقت گذاشت و این با نوع زندگی روشنفکران

ایرانی که همیشه با غم‌ناک دست و پنجه نرم می‌گردند، همخوانی

ندارد و یک مترجم ایرانی توانایی مالی این کارهاست که مترجم

وقت خود را برای ترجمه آثار فارسی به زبان‌های دیگر صرف

کند. حتی یارها برای خود من پیش آمده است که مترجمی

بخواند. اثری از من را به زبان دیگری ترجمه کند، اما هزینه‌ای

که پیشنهاد داده اقتدر بالا بوده که پرداخت آن از توان من

خارج بوده است، از این رو از غیر ترجمه آثارم تا به امروز به

این شکل گذشته‌ام. البته داستان «آمده بوم» با دخترم چاپ

بخورم، را به انگلیسی و بخش‌هایی از زمان‌های بی‌شغورانه‌ام به

زبان سوئدی ترجمه شده‌اند.

متأسفانه ما در کشوری زندگی می‌کنیم که هیچ تبلیغاتی

برای ادبیات در آن نمی‌شود و رابطه بر ضابطه حکم می‌راند. اگر

قرار بندم، دست ترجمه اثری برند، بیشتر به سراغ کسانی

می‌روم که با آنها منحل‌های خصوصی دارد و از این رو همیشه

افزای هستند که نشانمان در جایی برده نمی‌شود. بی‌شک ایران

تنها کشوری است که در قشر روشنفکر آن نیز رابطه بر ضابطه

می‌چرید.

اما این همه، آرزو دارم که زبان فارسی و پدید ی آن ادبیات

معاصر در سطح جهان به جایگاه واقعی خود دست یابد و دست

از نروا و گوشه نشینی برآید. نویسندگان حداقل به یک زبان دیگر

تسلط پیدا کنند، شاید از اقبال آثار جعفر مدرس صادقی در میان

قشر کنایخوان تسلط و توانایی او برای استفاده از متن کهن و

آشنایی با زبان های دیگر باشد. این نکته را هرگز نباید نادیده گرفت.

فتح الله بی‌نیاز

حمایت دولت و تبلیغات
ادیبات معاصر ایران در مقایسه با ادبیات کشورهای ترکیه و کره جنوبی و کشورهای عربی مصر، مراکش و... بسیار ضعیف و اندک، به زبان‌های دیگر ترجمه نشده است. اما آثار نویسندگانی چون نجیب محفوظ و طاهر بن جلون به چندین زبان زنده دنیا ترجمه شده‌اند و در برخی موارد نیز ترجمه‌های این آثار با متن اصلی برابری می‌کنند. اما ایرانی‌ها تنها به ترجمه چندنگ داستان دل‌خوش کرده‌ایم که این آثار هم متصفانه گزینش نشده‌اند.
آثاری ترجمه شده و می‌شوند که روابط پنهانی میان نویسنده با مترجم در کار باشد، یا برعکس به اینکه ناشران ایرانی هم اصلاً در مقام مقایسه ناشران خارجی قرار نمی‌گیرند، نهادهای دولتی باید در این امر سرمایه‌گذاری کنند و مدل‌سوزانند و از مترجمان و نویسندگان کارآمد ایرانی این امر سود بچینند. یک اثر را برای ترجمه تهاور اسامی مؤلفه‌های ادبی آن گزینش کنند، برای بسیاری از نویسندگان که در ایران اقامت دارند و با من نیز رفتاری دارند، عجیب است که چرا در میان جنگ‌هایی که از ادبیات داستانی کشورهای جهان ترجمه می‌شوند اثری از آثار نویسندگان ایرانی نیست!

باید در نظر داشت یکی از راه‌های مناسب و کارساز برای ترغیب مترجمان خارجی برای ترجمه آثار نویسندگان ایرانی، تبلیغات ادبیات ایران است. در کشورهای اروپایی هر شبکه برنامه خاصی برای معرفی ادبیات و کتاب‌هایی که منتشر می‌شود دارد و در این برنامه که با حضور صاحب اثر و منتقد برگزار می‌شود، مخاطبانی می‌توانند با نویسندگان مورد علاقه خود و یاد‌دهنده‌های او برای نوشتن آن اثر آشنا شوند و در برخی موارد نیز دیده می‌شود این برنامه‌ها آنتنر، با قدرت به معرفی یک اثر می‌پردازند که مخاطبانش تنها کتابی را برای مطالعه برمی‌گزینند که از سوی این برنامه معرفی می‌شود.

از این رو برای معرفی و ترجمه ادبیات ایران باید در ابتدا دولت حضور فعال و مستمر داشته باشد و سرمایه‌گذاری لازم و در این عرصه بکند چرا که ترجمه یک اثر نیاز به سرمایه‌گذاری و صرف هزینه بسیار است که یک مترجم به تنهایی اویس آن بر نمی‌آید. همچنین مرکز گسترش زبان فارسی که یکی از وظایف آن معرفی و شناساندن ادبیات ایران به جهان است، باید با فرستادن رایون‌های فرهنگی قدرتمند به کشورهای جهان در این راه گام‌های بلند بردارد و باید در مراسم‌هایی که در سفارت ایران در کشورهای جهان، برگزار می‌شود محصولات ترجمه‌شده خود را نشان دهد. برای برخی از نویسندگان جهان به وجود نیاید که در ایران اصلاً ادبیات معاصر ندارند، چرا که هر چه که غربی‌ها از ادبیات ایران می‌دانند، معطوف به ادبیات کهن ما است.

مصطفی مستور

دو آفت بومی گرایی و فرم گرایی
مصطفی مستور، نویسنده درباره خود خارجیان به ادبیات فارسی و ترجمه ادبیات ما در دیگر کشورها می‌گوید: تا حدی که با دانشگاهها و نویسندگان دیگر کشورها ارتباط دارم و در دو سه مجمع هم در جلسه روزهای ادبیات انگلیکه ترکیه شرکت داشته‌ام، به نظر می‌رسد توجه عمومی دیگر کشورها به ادبیات کهن و کلاسیک ما باشد، البته در یک سال اخیر تلاش‌هایی برای معرفی ادبیات معاصر فارسی انجام شده است.

مستور بر سؤالیته استناد زبان و ادبیات فارسی در دیگر کشورها و نقش کلیدی آن تأکید می‌کند. او از علاقه‌مندی و عطش مردمان خارج از ایران به ادبیات فارسی سخن می‌گوید و به کشور ترکیه به عنوان نمونه‌ای در این زمینه اشاره می‌کند: در برنامه روزها ادبیات انگلیکه در ترکیه قرار شد منتخبی از داستان‌های کوتاه ایران را برای ترجمه در ترکیه انتخاب کنند که چند داستان انتخاب شده است و از سوی ترکیه در یک رابطه متقابل به کمک رایزنی فرهنگی آثاری از ترکی نیز به فارسی ترجمه شود. مستور هر داستان را اثر ادبی و از خلق می‌شود ترکیبی از فرهنگ و زبان می‌داند و معتقد است که شاید ما به لحاظ زبان و اینکه بدانیم کسی از جمعیت جهان فارسی‌زبان هستند، دچار مشکل باشیم اما به جهت فرهنگ و زیرساخت‌ها و پیشرفته‌های فرهنگی غنی هستیم و این فرهنگ و مفاهیم مشترک انسانی موجب پیوند می‌شود.

نویسنده «روی ماه خدایند را بوس» معتقد است که خوشبختانه در بسیاری از داستان‌های ما مفاهیم مشترک انسانی و جهانی مطرح می‌شود و مقدمات ارتباط ما با مخاطبان در خارج فراهم است اما دو آفت را نیز برای این ارتباط بر می‌شمرد: شخصی‌نویسی و زوری آوردن به تجربه‌های شخصی و نگاه بومی و دیگر رویکرد فرم‌گرایانه دو آفتی است که مستور برای ارتباط نویسندگان و ادبیات معاصر ما با مخاطبان در دیگر کشورها نام می‌برد. مستور اعتقاد دارد که بعضی از نویسندگان یک رویکرد بومی‌نرایی یا جغرافیایی یا تجربه‌های شخصی راه کار می‌گیرند و همین زوری‌آوری به تجربه‌های مشخص نویسندگان ما را از مفاهیم مشترک انسانی و جهانی دور می‌کند، بنابراین نگاه بومی مهم معن و محکم‌تر بر سر راه حرکت ماست، رویکرد فرم‌گرایانه آفت دیگری است که مستور از آن برای ترجمه ادبیات معاصر ما نام می‌برد و می‌گوید: در رویکرد فرم‌گرایانه چون اثر تئیده با زبان است و بریزان و فرم بکنه دارد، اگر ترجمه شوند نمی‌تواند ارتباط برقرار کند.

مستور یکی از میان این آفت‌ها راهکارهایی را هم برای ارائه داستان معاصر فارسی به مخاطبان خارجی بیان می‌کند. او معتقد است باید به داستان و شعر به صورت کلاسی بگیریم که باید عرضه شود و تمام تکنیک‌های مناسب را برای عرضه آن فراهم کنیم. مستور جهانی شدن را بسته به تأمین شرایط و زمینه‌های آن می‌داند و باور دارد که ظرفیت ادبیات داستانی ما در حد جهانی شدن است و بخشی از آثاری که در دو سه دهه اخیر شده‌اند، این زمینه را دارند. مستور با اشاره به ترجمه آثار داستانی و معرفی مستور آنها بر حضور نویسندگان ایرانی در دیگر کشورها و از سوی دیگر دعوت از نویسندگان خارجی برای یک همکاری متقابل و ارائه آثار ترجمه شده در محافل ادبی خارج از کشور تأکید می‌کند.

مستور حمایت دولت را در این راه ضروری می‌داند و معتقد است با پشتیبانی همه‌جانبه، راه در ازمدت حضور ادبیات معاصر فارسی در دنیا را شاهد خواهیم بود.

شعله وطن آبادی

تأکید بر چندصدايي
شعله وطن آبادی مدتی است که به همراه محمدمهدی خرمی گام‌هایی را در راه ترجمه و معرفی ادبیات معاصر فارسی برداشته‌اند. «مهمانی و مسأله‌ی دیگر، دریایی دیگر» دو مجموعه داستان است که

تاکنون به کوشش وطن آبادی و خرمی در آمریکا منتشر شده است. مهمانی آینه مجموعه‌ای از داستان‌های نویسندگان زن معاصر ایران است که آنها ترجمه و منتشر کرده‌اند و به وطن آبادی تأکید آنها بر چندصدايي بوده و اینکه نویسنده‌ای تازه کار یا شناخته شده باشد، مورد نظر نبوده است.

وطن آبادی می‌گوید: برای این کار در چند نشریه و مجله ادبی درخواستی را ارائه کردیم و کارهایی انجام دادیم تا آثار را دریافت کنیم.

مسأله‌ی دیگر، دریایی دیگر متفاوت از مهمانی آینه است. مهاجرت نویسندگان موضوع اصلی این اثر است و وطن آبادی و خرمی در این اثر مجموعه‌ای از آثار نویسندگان مهاجر ایرانی را در سه متنقله‌ای به هر زبانی جمع آوری و منتشر کرده‌اند. یکی از مشکلاتی که وطن آبادی در این کار از آن یاد می‌کند، دسترسی دشوار به نویسندگان مهاجر در نقاط مختلف دنیاست. شعله وطن آبادی چند روزی به ایران آمده بود و ما از طریق فرخنده حاجبی زاده و به لطف او با خانم وطن آبادی تماس گرفتیم و چند دقیقه‌ای درباره فعالیت آنها گفت‌وگو کردیم. وطن آبادی بر ضرورت ترجمه ادبیات معاصر تأکید می‌کند و می‌گوید: پیش‌فرض‌هایی درباره جامعه ما وجود دارد، معطلی درباره ادبیات ایران نوشته می‌شود اما نوشته‌هایی خود نویسندگان که باید ترجمه و معرفی شود، در حاشیه می‌ماند.

او با اشاره به رواج خاطر نویسی، ضرورت ترجمه ادبیات را با تأکید بر چندصدايي این ادبیات به عنوان پهنه‌ای برای تبلیغ ضروری‌تر می‌داند و می‌گوید: سعی داریم در مجموعه آثاری که ترجمه می‌شود، اهمیتش به عنوان ادبیات مطرح شود، آثاری که تاکنون چندین انجام شده است. وطن آبادی با اشاره به نگاه فراملتی در آثار ادبی می‌گوید: به صورت پرانگه آثاری از ادبیات معاصر ما ترجمه می‌شود اما در این زمینه که ادبیات به عنوان اعیبت خود اثر ادبی ترجمه و ارائه شود کار چندانی انجام نشده است.



وطن آبادی و خرمی در حال حاضر هم کاری را در دست دارند و گفتن‌های مقلد را در سطح وسیع بررسی می‌کنند تا به یک انسجام و جایزوب برسد و مجموعه‌ای دیگر از آثار داستانی ایران را معرفی کنند.

هوشنگ کرمانی

هوشنگ مرادی کرمانی نویسنده‌ای است که تاکنون تعدادی از آثارش به زبان‌های دیگر ترجمه و منتشر شده است. «خمره در آلمان اثرش هلند، فرانسه و اسپانیا، یکمکه در اثرش و قصه‌های ناشر آثار مرادی کرمانی است هم ترجمه‌های انگلیسی خمره، چینه‌های قلبایخانه و نخل را منتشر کرده و نشر نی هم ترجمه انگلیسی مهمان مامان را انتشار داده است.

مرادی کرمانی اطباء و نداشتن اجازه را در داستان‌ها و رمان‌های ایرانی ماضی برای ترجمه آنها می‌داند و در کنار آن به سیاسی‌نویسی‌ها به عنوان آثاری در مصرف حاصل دارند و مناسب ترجمه نیستند، اشاره می‌کند. مرادی کرمانی معتقد است که نویسندگان ایرانی قبل از اینکه نویسنده باشند، سیاسی هستند و آرزوهای نویسندگان در آثارشان تجلی پیدایمی‌کند.



نویسنده قصه‌های مجید با تأکید بر اجازه بر انتخاب از ادبیات و از «هر عتکری که باشد- تا تأکید می‌کند و می‌گوید: نویسندگان باید مسائل اجتماعی و اخلاقی را در آثار خود مطرح کنند. مرادی کرمانی هم معتقد است بومی‌نویسی می‌تواند مانعی برای ترجمه آثار ادبی معاصر فارسی باشد اما در عین حال، باور دارد اگر بومی‌گرایی افراط

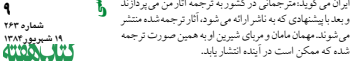
نباشد و مفاهیم جهانی و انسانی محور اصلی‌اش قرار گیرد، مانعی برای ترجمه اثر نخواهد بود. او در این باره مثال می‌زند که کره قصاب دارد چینه‌های قلبایخانه را ترجمه و منتشر کند و در این یک موضوع جهانی است. مرادی کرمانی همچنین داستان خمره را مطرح می‌کند که در اثرش نه خمره وجود دارد نه کویر اما کو دراک داستان خمره را می‌پسندند و علت آن را شناسگی می‌داند که یک موضوع جهانی است.

نویسنده کتاب شمش که غریبه نیستید می‌گوید: اگر آباب و رسوم خاص یا اعتقادات مذهبی سنتی و ماحور اصلی آثار قرار

گیرد، مخاطبان دیگر کشورها نمی‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند بنابراین اگر یک اثر بومی است باید یک موضوع جهانی در آن باشد و هسته مرکزی آن جهانی باشد.

مرادی کرمانی فرم‌گرایی را رفتنی نامد و معتقد است هر فرم، قالب تزیینی برای نویسنده‌ای است تا داستان خود را بیان کند اما آنچه تعدادی از نویسندگان دیگر کشورهاست، او می‌گوید: به فرم‌ها بر گرفته از نویسندگان دیگر کشورهاست. او می‌گوید: به طور مثال اگر فرم گرایی یا بالیسیم جادویی در آمریکای لاتین وجود دارد، به هم ریختگی مسائل واقعی و فراقوهی در زندگی خود آنها وجود دارد اما اگر نویسندگان ما بخواهند فرمی را از دیگر کشورها بردارند و دوباره آن اثر ترجمه شود و به همان کشورها برود، قابل پیش‌بینی نیست، بنابراین اگر در تقلید افراطگرایی نباشد، فرم‌گرایی تأیید نیست.

مرادی کرمانی و ناشر آثارش قصد داشتند برای مخاطبانی که در خارج دارند و تسل دوم ایرانیان ساکن در خارج در جهت ترجمه آثار اقدام کنند. مرادی کرمانی درباره ترجمه آثارش در ایران می‌گوید: مترجمانی در کشور به ترجمه آثار من می‌پردازند و بعد با پیشینه‌هایی که به ناشر ارائه می‌شود، آثار ترجمه‌شده منتشر می‌شوند. مهمان مامان و مریای شیرین او به همین صورت ترجمه شده که ممکن است در آینده انتشار یابد.



سیر تحول رمان فارسی در افغانستان

نخستین بار با ترجمه رمان های علمی- تخیلی ژول ورن، نویسنده فرانسوی، توسط محمود طرزی به مردم افغانستان معرفی شد.ولی اینکه رمان و رمان نویسی تا چه حد در افغانستان و در بین نویسندگانش جای باز کرده، جای بحث دارد. تاکنون نماند که داستان نویسی معاصر افغانستان با آفریند رمان و داستان های بلند آغاز شد. «جهاد اکبر» (کابل، ۱۳۹۸ خ) مولوی محمدحسین پنجابی و «تصویر عبرت» یا بی بی خوری جان» (هند، ۱۳۰۱خ) اثر محمد عبدالقادر اقدسی که از آنها به عنوان نخستین داستان های معاصر افغانستان پد می شود، رمان هستند. نویسندگان نیز تا نگید دارند که قصد نوشتن رمان را دارند. مولوی محمدحسین در مقدمه «جهاد اکبرش» می نویسد: «این رمان ناول اول ملت افغان است که به طرز آسانانه جدید ترانه این زمان برای ساعت تیری آسگر می‌آید و نیز افاده نوشته شده است.»

رمان کوتاه، «تصویر عبرت» از لحاظ زبان و سبک نوشتاری بسیار به فرم داستان های معاصر جهان نزدیک است. درونمایه آن درباره زندگی اشراف و خانواده های درباری است. اقدسی با دیدی انتقادی و طنزآلود در رمان کوبه‌های با دلی ریاپستی-زندگی اشراف و خانواده های ساکمان افغانستان را به زیبایی روایت کرده است. شخصیت اصلی رمان بی بی خوری جان، همسر یکی از

یک رمان نیستند و بنا بر دلایل متعددی، از جمله «نبودن گذشته قابل انکاد در تاریخ ادبیات ماه ۲۴، آشنایون با ادبیات داستانی خارج از کشور، پایین بودن سطح عمومی سواد در جامعه ما و نبود امکانات چاپی و... داستان نویسی در افغانستان بسیار دیر شروع شده و بعد از شروع، نیز تا مدت ها تحت تأثیرات ادبیات بومی و فولکلور ماند و نویسندگان «از اسلوب و طرز آسانانه کوبی، روایت آوری و حکایت خوانی و... در آفرینش خویش کار گرفته اند.» و از عناصر داستان نویسی، درکی درستی نداشته اند.

در سال های ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ داستان‌واره های بلند و زیست گونه هایی به چاپ می رسد و داستان نویسی در افغانستان پیش از پیش رایج می‌گردد. ولی متأسفانه بعد از آن به قول پوهاند جاوید تا یک دهه دیگر داستانی چاپ نمی‌شود! «از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۸ یعنی در طول ده سال هیچ داستانی و رمانی در مطبوعات به چاپ نرسیده است.» البته علاوه خلاف گفته پوهاند جاوید اثبات شده و ما در آن سال‌ها داستان های محمدحسین غمین و محمد ابراهیم رجایی و دیگران را داریم ولی همین گفته نشان می‌دهد که این آثار بقدر انکست شمارند تا جایی که دور از چشم محققان مانده‌اند. از دیگر آثار این سال ها می توان از این داستان ها نام گرفت: داستان واژه بلند «فیروز» (کابلستان ۱۳۳۸) از گل محمد ژوندی داستان واژه بلند «بیکه»



سرداران حکومت در شمال کشور است که شوهرش همسر دیگری اختیار می‌کند. درگیری ها در داستان از همین جا آغاز می‌شود. رمان: در ۹ فصل کوتاه- بیشتر پیرامون عادات و عوی و خصال بی بی خوری جان و نوع زندگی و عرفات های او می‌چرخد. رمان تا پایان عمر بی بی خوری جان را که به زیارت حج مشرف می‌شود و در همان جا از دنیا می‌رود در بر می‌گیرد. اما دکتور عدای نظر «محقق تاچیک» معتقد است: «اثر میران الدین انصاری (در جست وجوی کیمیا نخستین رمان در تاریخ معاصر دری افغانستان شناخته خواهد شد.» در رمان انصاری، در جست وجوی کیمیا (کابل، ۱۳۲۸)، به فضا و محیط هیچ اهمیتی داده نشده است و بیشتر رمان را حرف های نویسنده و گفت وگوهای تشکیل می‌دهد که بین اشخاص رد و بدل می‌گردد. شخصیت پرورزی در رمان انصاری به شیوه مستقیم است، آن هم در خصوص خوبی و خصلت باطنی افراد ولی از مشخصات ظاهری آنان هیچ گفته نمی‌شود- جز در مورد شخصیت «ملنگ» و پیش از آنکه خواننده با شخصیتی روبرو گردد، نویسنده گفته است که او چگونگی آدمی است. اختلاف نظر در مورد نخستین رمان از آنجا ناشی می‌شود که آثار نام برده شده هیچکدام دارای مشخصات

از آثار غمین من فقط به بخش هایی از رمان آب و آتش» دست پیدا کردم. این رمان در ۲۸ قسمت در پارویی اصلاح منتشر شده است.

غمین که شیوه‌های نوی را در نقل داستان هایش انتخاب می‌کرد، در «آب و آتش» نیز برای اولین بار در داستان نویسی افغانستان بخش های زیادی از داستانش را در قالب یادداشت های روزانه می‌نویسد. من فقط به ۱۲ قسمت پایانی آن دسترسی داشتم. داستان در آخرین قسمت به شیوه سوم شخص روایت می‌شود که در خطوط پایانی نیز نویسنده به عنوان یکی از شخصیت های داستان وارد متن می‌شود. زبان و نثر یادداشت ها عدلیت نفس هابیل است و بیشتر به ذهنیات او می‌پردازد. نثر با توجه به روحیات هابیل تغییر می‌کند، در بیشتر مواقع شاعرانه است.

رمان های اولیه از آنجا که در تب و تاب کسب استقلال افغانستان نوشته شده‌اند، رمان هایی با طعمون دفاع از وطن و وطن دوستی هستند و می‌توان آنها را رمان های تاریخی-اجتماعی نامید. از این رمان های اولیه که نگاریم، حرکت تازه ای در سال ۱۳۲۸ با چاپ رمان «طوطی سحر» عبدالرحمان حنیچ ایجاد می‌شود یک سال بعد دکتور سلطان احمد، رمزی رمانش را با نام «دو دلداده» ناگام منتشر می‌کند. این دو رمان، آغازی می‌شوند برای یک دوره درخشان در داستان نویسی کشور که همان دهه سی و چهل است. در آغاز دهه سی، عبدالرحمان حنیچ مهمترین اثرش، رمان «در پای ستر» (۱۳۳۰) را منتشر می‌کند. با این رمان و رمان دیگر فحشی، موضوع دیگری مورد توجه نویسندگان ما قرار می‌گیرد و که عشق باشد. «دو دلداده» ناگام (۱۳۲۹) از دکتور سلطان احمد رمزی، داستان «فروزان» (۱۳۲۹ ش) از محمدحسین غمین، رمان گونه «گل های دمه‌کده» (۱۳۳۳ ش) میردالله در پارویی اتفاق اسلام و بعد عبدالجلیل پروانی فقیر، رمان «چوآن فدایی» در سال ۱۳۳۳ منتشر می‌کند و عشق، درونمایه نویسندگان بسیاری قرار می‌گیرد، گروه در این دهه رمان دیگری به چاپ نمی‌رسد، ولی داستان های بلند متعددی توسط نویسندگان نوشته می‌شود و افراد گاه عشق (۱۳۳۱) از غلامحسین فعال، «تقدیر» (۱۳۳۵) از محمد موسی همت، «فخری ترسه برده» (۱۳۳۹) از زین خاطر و داستان های بلند «تلقا» (۱۳۲۲)، «فریب دوستانه» (۱۳۲۵) و «حیران شکست» (۱۳۲۹) (۱۳۲۹) و «پاییز شبی یکی بی دیگر منتشر می‌شوند. در همه این آثار، عشق چوآن موضوع اصلی نویسندگان است. «در علاقت ایجاد می‌عاشق می‌فحشی، مید محمد سلیمان پروانی فقیر، محمد موسی همت، پاییز شبی یکی و نثری خاطر و سایر نویسندگان که در همین دوره فعالیت کرده‌اند، موضوع عشق چوآن یکی از مسأله های مرکزی آثار ایشان شناخته شده است. تقوامان اساسی آنها، بران و دختران انتخاب گردیده‌اند که در رسیدن به وصال یکدیگر، ملامت روسی می‌کنند و برای عملی شدن آرزوان و آرزوهای خویش، فکر و اندیشه های زیادی می‌مانند.»

محمد شفیع رهگذر در داستان بلند «ساکم» (۱۳۳۳) مسائل سیاسی و سماک و ساکمازی و اختلالات طبقاتی در جامعه و اطرح می‌کند. اعلام قوت خیبری در داستان بلند «طوفان‌ها» (کابل، ۱۳۳۲) از برمان «تفنگداران خیبر» (۱۳۳۲) به تاریخ گذشته می‌پردازد و حماسه های جهاد مردم با نیروهای انگلیسی را به تصویر می‌کشد و داستان های تاریخی می‌نویسد. داستان «تفنگداران خیبر» به سباق داستان های پاسپی جنگی نوشته شده و با طرحی متممگانه و مخی کردن اطلاعات ایجاد تعلیق می‌کند. خیبری از ایجاد تعلیق که از مشخصه های بارز این نوع ادبی است به خوبی استفاده کرده و خواننده را تا پایان داستان می‌کشاند.

حوادث «تفنگداران خیبر» در اواسط قرن نوزده میلادی و در انگلستان می‌گذرد. شخصیت های داستان به جز ناصر- جوان افغان- همه انگلیسی هستند. ناصر در



آنجا درس می‌خواند. جیم راوی داستان است. او حوادثی را که بر خانواده‌اش گذشته حالا برای مخاطبی که در داستان حضورش به دفعتا تأکید می‌شود، تعریف می‌کند. خبیری در این اثرش ثرورانی دارد و تلاش کرده از تقالی فاصله بگیرد و به یک روایت داستانی برسد. ولی با تمام سعی‌اش موفق نشده و تقالی قصه‌وار بر روایت داستانی می‌چربد. صحنه‌پردازی و توصیف فضا و مکان و شخصیت‌پردازی به صورت ابتدایی در داستان وجود دارد.

اما در داستان دختری در سه پرده (۱۳۳۹ش) از غلام نبی خاطر که سه داستان به هم پیوسته است، به عشق‌های متنوع و سکن پرداخته می‌شود. این داستان هم در درونمایه و هم در شکل متفاوت است. دختری در سه پرده اولین داستان اپیرودیگ افغانستان است. نبی خاطر در داستانش دخترها را ساده لوح معرفی می‌کند که زود فریب می‌خورند و از تجربیات گذشته درس نمی‌گیرند و در منجذاب اجتماعی ناسالم غرق می‌شوند. مردان را

نمی‌کند. گفت‌وگوها بسیار طولانی و یکنواخت است و شکل نوشتاری‌شان به نمایشنامه می‌ماند تا داستان. «از اینجاست که قهرمانان فحش کم عمل به نظر می‌رسند، یعنی کم حرکت می‌کنند و بیشتر به قصه گوئی و افسانه گوئی مشغولند.»^۷

شخصیت‌های داستانی در این دوره، خصوصاً در آثار فحش- هنوز افراد عادی جامعه نیستند؛ بلکه معمولاً تحصیل‌کرده و مأمور دولت می‌باشند و بیشتر جنبه‌های تربیتی اثر مد نظر نویسنده است. گرچه تمام این نویسنده‌ها سنت شکن هستند و دست به نوآوری زده‌اند، ولی هیچ کدام نتوانسته‌اند خود را از ادبیات کهن و افسانه‌ها جدا کنند و تأثیر آن در جای جای آثار این دوره به چشم می‌خورد.

بعد از فحش، محمد امان وارسته در دهه چهل هجرتان راه نویسندگان قبل از خود را می‌پیماید و به عشقی نویسی می‌پردازد.

وارسته چهار زبان «بازی سرنوشت»، «بچه پتیم»، «صدای وجدان»، «ماجرای هوالیما» و دیگر آثارش را در طول سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۵۰ در تهران یا در چاپخانه خودش در کابل به چاپ می‌رساند و در تکنیک داستان‌پردازی نسبت به گذشتگان، موفقیت بیشتری دارد. شخصیت‌هایش را خوب پرورش می‌دهد و مهتر آنکه شخصیت‌ها را از میان مردم عادی و پایین دست جامعه انتخاب می‌کند. اما ضعفی که بر آثار او وارد است، این است که حوادث رمان‌هایش را با زمان جامعه‌اش وفق نمی‌دهد و اپیرودیگ‌های وارسته از زندگی فعلی، قرن‌ها یا پیشی رفته و یا عقب می‌ماند.^۸

در اواخر این دوره، نویسندگان دیگری چون اسدالله حبیب و روستا باختری و اعظم محمود زیاب داستان‌های بلند خود را به نام‌های «سپیداندام» (کابل، ۱۳۳۲) «پنجره

سید بهاء‌الدین مجروح در ابتدای دهه پنجاه «ازدهای خودی» (۱۳۵۲) را منتشر می‌کند. «ازدهای خودی» یک اثر فلسفی است که در قالب رمان به رشته تحریر درآمده اما جنبه فلسفی آن بر رمان پوشش می‌چربد. نثر سید بهاء‌الدین مجروح ساده و روان و در عین حال شاعرانه است.

شمس‌الدین ظریف صدیقی رمان‌نویس دیگری است که در دهه پنجاه ظهور می‌کند و بیشتر رمان‌های پاروقی و نیمه عشقی و نیمه اجتماعی می‌نویسد. او رمان

نویسنده‌ها سنت شکن هستند و دست به نوآوری زده‌اند، ولی هیچ‌کدام نتوانسته‌اند خود را از ادبیات کهن و افسانه‌ها جدا کنند

«آرزوهایی که گل کرده» (۱۳۵۲) را در مجله هفتگی ژوندان، «ملا محمدجان» (۱۳۵۹) را در پاروقی ایس، «با کادوان سرنوشت» (۱۳۶۰) را در پاروقی روزنامه ایس و «بالاخره مهمترین اثرش رمان «فرار از تاریکی» (۱۳۶۲) را به چاپ می‌رساند.

رمان‌های صدیقی مملو از ماجراهای فرعی است که توسط شخصیت‌ها برای یکدیگرشان و برای خواننده نقل می‌شود تا قهرمانان و خواننده درس عبرت بگیرند. شخصیت‌ها در رمان‌های صدیقی در یک نوع بی‌زمانی و بی‌مکانی به سر می‌برند و بیشتر حوادث در فضاهای بسته می‌گذرد. اگر در فضای باز هم باشد، خواننده فقط نام فضا را می‌داند و آن را در ماجرا حس نمی‌کند. در واقع رمان‌های صدیقی نیز مانند آثار فحش، مشکل از یکسری ماجراهاست که در قالب گفت‌وگوهای دراز توسط اشخاص بازگو می‌شود و آنها نیز بدون زمان و مکانند.

نثر رمان‌های صدیقی نثری ضعیف و پیش یا افتاده است که به آثار ترجمه‌ای بیشتر می‌ماند و تحت تأثیر آن دسته از نویسندگان ایرانی است که چنین آثاری می‌نوشته‌اند.

در دهه پنجاه رمان‌نویس دیگری که دست به خلق رمانش می‌زند نویسنده توانا یا نویسنده می‌زیب است که رمان ماندگار «در کشوری دیگر» را در سال ۱۳۵۷ می‌نویسد و در ابتدا با نام «بیگانه» در پاروقی هفته‌نامه «ژوندان» منتشر می‌کند. این رمان در سال ۱۳۶۷ به صورت کتاب چاپ می‌شود. «در کشوری دیگر» از لحاظ فرم، بسیار به داستان بلند نزدیک است.

زیان و شیوه بیان سیوزمی در «در کشوری دیگر» همانند داستان‌های کوتاه‌ش، نیرومند و سرشار از عاطفه است که در اکثر جملات تجلی می‌یابد. ذراتی است با جمله‌های کوتاه و تأکیدها و تکرارهای عمدی؛ زبانی است رسا و توصیف‌های دلکش که می‌تواند عواطف پیچیده شخصیت‌های داستان را نمودار سازد. گفت‌وگوها با زبان گفتاری ضبط شده است، اما نحوه نگارش و سطح آگاهی شخصیت‌های داستان بر آنها رنگ می‌زند.^۹

«در کشوری دیگر» جزو اولین تجربه‌های خوب و موفق رمان‌نویسی افغانستان است که در این زمینه همیشه به یادگار خواهد ماند. یکی از معهود رمان‌های است که هنر را آلوده به تبلیغ‌های سیاسی و... نکرده و پا را از حد پاروقی نویسی فراتر نهد و به هنر اصیل تکیه زده است. به جز سه نویسنده نام برده شده، در این دهه رمان‌نویس دیگری سراغ نداریم، اما نخستین سال‌های دهه شصت، سال‌های پررب و تاب این ژانر ادبی در کشور ما محسوب می‌گردد. علاوه بر ظریف صدیقی که مهمترین اثرش «فرار از تاریکی» (۱۳۶۹) را در این دهه چاپ می‌کند، اسدالله حبیبی که در دهه چهل رمان کوتاه «سپیداندام» را منتشر کرده بوده دومین رمانش «داس‌ها و دست‌ها» اما در سال ۱۳۶۲ با یک رمان تبلیغی است، «چاپ می‌کند» اما از آن اسدالله حبیب «سپیداندام»، «داس‌ها و دست‌ها» کمتر اثری به چشم می‌آید. نویسندگان جوان دیگری چون «بیرک ارفنده»، «اسلم سابق» و «حسین فخری» دست به آفرینش رمان‌هایش می‌زنند. پرکارترین این رمان‌نویسان، بیرک ارفند است که با رمان‌های «راه سرخ» (۱۳۶۲) و «سه جلد حق خدای، حق همسایه» (۱۳۶۵)، «شوراب» (۱۳۶۶) در جامعه ادبی کشور مطرح می‌شود.

فریب کار و دغل باغ نشان می‌دهد که فقط به فکر هوسرانی‌اند. شخصیت اصلی دختری به نام فزال است که در هر سه داستان حضور دارد. نبی خاطر بر خلاف دیگران زشتی‌ها و پلیدی‌ها را می‌بیند و جنبه‌های منفی و مغرب عشق جوانان را به تصویر می‌کشد. این امر اعتراض عدوی را بر می‌انگیزد، اما نبی خاطر در مقدمه کتابش از خود دفاع می‌کند، کارش را به شیوه و تالیسم می‌خواند. اما نماندند رمان‌نویس این دوره، هزیرالرحمان فحش را می‌دانند که مهمترین اثرش «در پای نسترده» از لحاظ نثری و تکنیکی بر آثار قبل از خود برتری دارد و در تاریخ داستان‌نویسی کشور مطرح است. فحش در هر دو رمانش، واقع‌ها و حوادث بسیاری را می‌آورد و در بسیاری موارد خط سوزنه اصلی خارج می‌شود، تمام وقایع را با خود نویسنده و یا قهرمانی برای قهرمانان دیگر نقل می‌کند. فحش در نویسندگی از تصویرگری و به نمایش گذاشتن، گریخته و نقل و تقالی را برگزیده است که از این جهت، لطمه شدیدی به آثارش وارد شده است. فحش ماجراهای آثارش را از فضاهای بسته و محدود خارج نمی‌کند و به فضای باز توجهی ندارد؛ هیچگونه فضاسازی در آثارش دیده نمی‌شود و ماجراها همیشه بعد از وقوع، نقل می‌شوند. او هیچ‌گاه شخصیت‌ها را در بحران حوادث رها



تهران (۱۳۳۲) و «نقش‌ها و پندارها» (۱۳۴۹) منتشر می‌کنند که نقطه عطفی در داستان‌نویسی کشور ماست و در آنها موضوعات جدیدی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. «سپیداندام» را می‌توان اولین نمونه قابل قبول از ادبیات رومانی در افغانستان نامید. آغاز رمان بسیار خوب است و نثر توصیفی و زیان داستانی به انتقال فضا و حال و حس آیدن کمک می‌کند. ولی هر چه پیش می‌رویم، احساس می‌شود فحش در نوشتن شتاب به خرج داده و هر چه رمان به پانزدهم نزدیک می‌شود، بیشتر به کلی گوئی و تقالی روی می‌آورد و روایت داستانی را رها کرده و به حکایت‌گری می‌پردازد. حبیب از گره افکنی و تعلیق تا اواسط داستان خوب بهره برده و در فضاسازی و توصیف نسبت به دیگر نویسندگان هم‌دوره‌اش موفق‌تر است که در داستان‌نویسی نوپای ما با ارزش است و بر دیگر نویسندگان تأثیر می‌گذارد.

هنرود زیب‌باز نیز در «نقش‌ها و پندارها» متأثر از نوع دید و داستان‌های صادق هدایت است و فضاهای وهمی پیچ‌گرای را با استفاده از جریان سیال ذهن مطرح می‌کند که قبل از آن در داخل افغانستان مطرح شده بود و دنیای جدیدی را به نویسندگان ما معرفی می‌کند ولی در افغانستان پندان مورد درک قرار نمی‌گیرد.

«دشت‌های طوفانی» سالم سابق نیز چنین است و در قسمت نثر، حتی ضعف‌تر از رمان‌های بزرگ ارغند، اما حسین فخری در رمان «تلاش» سعی کرده است که با مورد توجه قرار دادن عشق، از تلیغی بودن کتابش بکاهد. گرچه فخری در «تلاش» به مراتب موفق‌تر از بزرگ ارغند و سالم سابق عمل کرده است، اما عدم انسجام و چند موضوعه بودن و شعار دادن‌های صریح، گریبانگیر او نیز

با خویند و یابد.

بزرگ ارغند پرکارترین نویسنده ادبیات رسمی دهه شصت است و با رمان‌های «شوراب»، «راه سرخ»، «حق خدا، حق همسایه» و «دوره» مقام اول را دارد. اما از نظر تکنیکی، رمان‌های ارغند در سطح پایینی قرار دارند. رمان‌های او حتی در زاویه دید نیز دچار مشکل است. نثر در رمان‌های او بسیار گزارشی است و ما همیشه با گزارش‌های خبری روبه‌رو هستیم تا نمایش حوادث که در رمان‌هایش معمولاً اتفاقی و مطابق میل نویسنده است و روال عادی را طی نمی‌کند. آغاز بیشتر رمان‌های ارغند با حادثه‌ای است که بعد از مدتی حادثه‌ای یا حوادثی دیگر به میان می‌آید و نقش مجوری می‌یابد و آن حادثه و شخصیت درگیر، تحت الشعاع قرار می‌گیرد. معمولاً با وارد شدن شخصیت‌های تازه به رمان، شخصیت‌های اصلی به فراموشی سپرده می‌شوند؛ همانند علی در «شوراب» و رجب در «حق خدا، حق همسایه». چیز دیگری که در رمان‌های ارغند و دیگر تلیغی‌نویسان به چشم می‌خورد، شعارهای سرخی است که سرتاسر رمان‌ها را اشغال نموده است.



یون فظ نامی را یدک می‌کشند و پس از لحاظ ادبیات داستانی بسیار ضعیف هستند و مملو از شعارهای نویسنده گفت و گوها نیز از اسلوب گفت و گونویسی در داستان خارج شده و از شیوه نمایشنامه‌ی پروری می‌کنند.

اما در اواسط دهه هفتاد خورشیدی در بین نویسندگانی که بعد از ناام شدن کابل به پاکستان کوچیده بودند، رویکردی به رمان به وجود می‌آید که باید به فال نیک گرفت. مانند: «آوار شب» (۱۳۷۶) از سرور آفرخش، داستان «اره‌های بلند» فائق کی بودا، و «گنجینه پنهان» (۱۳۷۶) از نثار احمد رسولی در حیطه داستان‌های پلیسی. رمان‌های عامه‌پسند «دختری در دواخانه»، «کاپروش دوره کرده» و «تقدیر و تصادف» از نویسنده دهه پنجاه محمدامان وارسته همه در سال ۱۳۷۶، «آرزوهای بریاد رفته» (۱۳۷۷) از سیدمحمد سلیمان، «فریاد خاموش» (۱۳۷۸) از ذبیح‌الله پیمان، «شوکران در سانگین سرخ» (۱۳۷۸) و «اهل قصور» (۱۳۸۱) از حسین فخری، «خاکستر و خاک» (پاریس، ۱۳۷۸) و «هزار خانه خواب و اختناق» (پاریس، ۱۳۸۰) از عتیق رحیمی، «عصر خودکشی» (۱۳۷۹) از رزاق مأ مون، «سایه‌های هول» (۱۳۸۰) و «داهمه‌های زمینی» (کابل، ۱۳۸۲) از محمدنسی عظیمی، «گلزار و آیینه» (۱۳۸۱) از رحمنورد زریاب، رمان «اره دان سوی خط سبز» (مشهد، ۱۳۸۲) از محمدحسن احمدی، داستان بلند «سرمه و خون» (۱۳۸۲) از عبدالقادر مرادی، رمان کوتاه «شنگری» (لئان، ۱۳۸۲) از عزیزالله ایبام، و رمان کوتاه «مرجان» (کاباد، ۱۳۸۲) از پروین بیژانک.

این رمان‌ها هر کدام در نوع و کیفیت‌هایشان متفاوتند. رمان‌های وارسته به جز «تقدیر و تصادف» که جدید است

در افغانستان

چیزی به نام رمان

به وجود نیامده است

داستان بلند تلیغی «پیرامن ارغوانی» (بلخ بی تا) از عنایت‌الله پویان، داستان‌های تلیغی «رست فریادهای خاموش» (بی تا)، «و سکوت شکست» (۱۳۶۶) نوشته توربینکی فیوم، رمان «گردش‌های خیابان گورگی» (کابل، ۱۳۶۵) از سخی غیرت، «دشت‌های طوفانی» (۱۳۶۵) از سالم سابق و «تلاش» (۱۳۶۷) از حسین فخری نیز نخستین تجربه‌های نویسندگانشان در این زمینه هستند. تمام رمان‌های دهه شصت یک وجه مشترک دارند و آن اینکه همه جز «فرار از تاریکی» از نوع ادبیات تلیغی

اماد اواسط دهه هفتاد خورشیدی در بین نویسندگانی

که بعد از ناام شدن کابل به پاکستان کوچیده بودند

رویکردی به رمان به وجود می‌آید که باید

به فال نیک گرفت

سوسیالیستی یا به قولی ادبیات رسمی شمرده می‌شوند که در دهه شصت در افغانستان رواج می‌یابد. در آنها هنر پایمال سیاست شده و به تبلیغ حزب ساقم و انقلاب نور پرداخته می‌شود. این آثار اکثراً از تکنیک‌های رمان‌نویسی بهره‌چندانی ندارند و از لحاظ حجم نیز آندرا لاغند که به سختی به داستان بلند نته می‌زنند و از لحاظ فنی نیز آشفته‌اند؛ «داس‌ها و دست‌ها» و «شوراب» چنین است.

«داس‌ها و دست‌ها» مثل دیگر رمان‌ها و داستان‌های تلیغی بسیار سطحی، ضعیف و نامسجم نوشته شده است. خط سبز داستان پرانگنده است و بیشتر روایتی است تا نمایش و تصویری. حوادث آن بر پایه علت و معلولی بر پاشنده‌اند و بیشتر تصادف در آنها دلیل است. شخصیت‌ها

هست و این، رمانش را در جمله رمان‌های تلیغی و سیاسی قرار داده است.

بعد از رمان «تلاش» فخری در سال ۱۳۶۷، گرچه نویسندگانی چون اکرم عثمان، سالم سابق و ذبیح‌الله پیمان، قول چاپ رمان‌هایی را داده بودند ولی تا سال ۱۳۷۰ ما با رمان دیگری برخورد نمی‌کنیم.

در خارج از کشور- در دنیای مهاجرت- نیز معهود نویسندگانی در این عرصه پای نهاده‌اند و آثاری را به چاپ رسانده‌اند. در ایران، میرحاجت امیری با رمان «باند اژده‌های» (تهران بی تا) به احتمال قوی اواخر سال‌های شصت و محمد اسحاق فیاض» رمان «رفیق روسی ام» (۱۳۷۲) را در باورثی «هفته‌نامه وحدت» منتشر کرده است. این داستان‌ها اولین تجربه‌های نویسندگانشان است و جزو ادبیات تلیغی شمرده می‌شوند البته نوعی از آنکه در بین مهاجران مخالف دولت کمونیست کابل به‌وجود آمده بود. «باند اژده‌های» امیری در اطراف شهر غزنی و دربار، مبارزات مجاهدان آنجا علیه اشغالگران روس می‌گذرد. «رفیق روسی ام» فیاض معجزونی است از ماجراهای جنگی و تلیغی و سخنرانی‌هایی که هیچ ارتباطی به اصل ماجرا ندارد. در کل «رفیق روسی ام» جزو داستان‌های عامه‌پسند است و از لحاظ هنری و تکنیک، جایگاه چندانی در پیکره ادبیات داستانی ندارد. درست همانند آثار تلیغی که در داخل نوشته شده است. در عین حال که طرح و ماجراها و حتی نوع نگارش و آوردن سخنرانی‌ها و شخصیت‌ها بسیار بسیار با رمان «اره‌زننده» یاد «آزادی» (قم، ۱۳۵۲) نوشته علی وافی توارده، حتی شباهت‌هایی بالاتر از توارده، دارد.

در پاکستان نیز «داکتر عبدالقیوم فدوی» رمان «افغانستان در هجوم تبهکاران» (۱۳۷۰) و «عصر از مرز» (۱۳۷۲) را منتشر می‌کند که این دو رمان نیز جزو آثار تلیغی یا به قول خود نویسنده‌اش رمان‌های «جنایی-پلیسی» هستند. آثار فدوی از رمان

بودن فقط نامی را یدک می‌کشند و پس از لحاظ ادبیات داستانی بسیار ضعیف هستند و مملو از شعارهای نویسنده گفت و گوها نیز از اسلوب گفت و گونویسی در داستان خارج شده و از شیوه نمایشنامه‌ی پروری می‌کنند.

اما به جرات می‌توان گفت هنوز که هنوز است، در افغانستان چیزی به نام رمان به وجود نیامده است. نوشته‌هایی که زیر نام رمان چاپ شده‌اند، اکثراً فاقد مشخصات رمان هستند. حتی فاقد مشخصات رمان‌های قرن هیزده و نوزده میلادی اروپا، یعنی رمان سنتی و کلاسیک؛ رمانی که به هر حال بر محور داستانی قیام یافته بنا می‌شود و سلسله حوادثی دارد که منظم و پی‌درپی و سرسبب تقدم و تأخر زمانی، پشت در پشت دیده می‌شوند. این حوادث علاوه بر اینکه دارای توالی زمانی هستند، هر یک دارای علتی است و از دل حادثه‌ای دیگر به‌وجود می‌آید و هر عمل نتیجه عمل قبل از خود است و بر پایه «بعدچه خواهد شد» استوار است. در واقع رمان سنتی دارای آغاز، وسط و پایان است که آغاز همیشه در ابتدا و وسط در قبل از پایان می‌آید. این ساختار، مدت‌هاست که در رمان‌نویسی تقریباً به فراموشی سپرده شده است. اما در افغانستان هنوز حتی همین رمان سنتی جای خودش را باز نگذره است. رمان سنتی دارای حجم زیاد است و رمان‌های نوشته شده در افغانستان حتی فاقد این حجم هستند و اکثراً در حد یک داستان بلند می‌مانند که تا ناگاهانه رمان خوانده شده‌اند. از حجم که بگذریم، این آثار فاقد عناصر یک رمان هستند. باید گفت از تکنیک، در رمان‌نویسی افغانستان نشانی نیست؛ «مبختی که حرف روز ادبیات جهان است.

پی‌نوشت‌ها.

- مولوی محمدحسین پنجابی، مقدمه جهاد اکبر، نخستین داستان‌های معاصر دری، به کوشش فرید بیژان، کابل، ص ۵۵
- دکتور خدای نظر، نگارشی به نثر معاصر دری افغانستان، کابل، ۱۳۶۰، ص ۲۱.
- دکتور خدای نظر، نگارشی به نثر معاصر دری افغانستان، کابل، ۱۳۶۰، ص ۱۸.
- همان، ص ۲۲.
- پوهاند جاوید، «پیشینه چاپ کتب و جراید دری و پشتو در جهان»، ژوندون، سال اول، شماره ۵، کابل ۱۳۶۱، ص ۲۲.
- دکتور خدای نظر، نگارشی به نثر معاصر دری افغانستان، مصص ۲۴-۲۵.
- همان، ص ۲۷.
- همان، ص ۵۳.
- تلقیف ناظمی، مقدمه «در کشوری دیگر»، کابل، ۱۳۶۷، ص ۳۱.



در دهه پنجاه نوشته شده بوده‌اند و مثل رمان‌های قبلی‌اش عشقی و بازاری است. «آرزوهای بریاد رفته» و «فریاد خاموش» نیز در همین حیطه قرار می‌گیرند. اما دیگر آثار نامبرده شده بیشتر به عواقب جنگ در افغانستان و مهاجرت افغان‌ها به دیگر کشورها می‌پردازند و با وجود نزدیکی و هم سطح بودن اما در این بین رمان‌های «شوکران در سانگین سرخ» حسین فخری، «هزارخانه خواب و اختناق» عتیق رحیمی و «گلزار و آیینه» رحمنورد زریاب از کیفیت بهتری برخوردارند و آثار مطرح این سال‌ها محسوب می‌شوند.

اما به جرات می‌توان گفت هنوز که هنوز است، در افغانستان چیزی به نام رمان به وجود نیامده است. نوشته‌هایی که زیر نام رمان چاپ شده‌اند، اکثراً فاقد مشخصات رمان هستند. حتی فاقد مشخصات رمان‌های قرن هیزده و نوزده میلادی اروپا، یعنی رمان سنتی و کلاسیک؛ رمانی که به هر حال بر محور داستانی قیام یافته بنا می‌شود و سلسله حوادثی دارد که منظم و پی‌درپی و سرسبب تقدم و تأخر زمانی، پشت در پشت دیده می‌شوند. این حوادث علاوه بر اینکه دارای توالی زمانی هستند، هر یک دارای علتی است و از دل حادثه‌ای دیگر به‌وجود می‌آید و هر عمل نتیجه عمل قبل از خود است و بر پایه «بعدچه خواهد شد» استوار است. در واقع رمان سنتی دارای آغاز، وسط و پایان است که آغاز همیشه در ابتدا و وسط در قبل از پایان می‌آید. این ساختار، مدت‌هاست که در رمان‌نویسی تقریباً به فراموشی سپرده شده است. اما در افغانستان هنوز حتی همین رمان سنتی جای خودش را باز نگذره است. رمان سنتی دارای حجم زیاد است و رمان‌های نوشته شده در افغانستان حتی فاقد این حجم هستند و اکثراً در حد یک داستان بلند می‌مانند که تا ناگاهانه رمان خوانده شده‌اند. از حجم که بگذریم، این آثار فاقد عناصر یک رمان هستند. باید گفت از تکنیک، در رمان‌نویسی افغانستان نشانی نیست؛ «مبختی که حرف روز ادبیات جهان است.

پی‌نوشت‌ها.

- مولوی محمدحسین پنجابی، مقدمه جهاد اکبر، نخستین داستان‌های معاصر دری، به کوشش فرید بیژان، کابل، ص ۵۵
- دکتور خدای نظر، نگارشی به نثر معاصر دری افغانستان، کابل، ۱۳۶۰، ص ۲۱.
- دکتور خدای نظر، نگارشی به نثر معاصر دری افغانستان، کابل، ۱۳۶۰، ص ۱۸.
- همان، ص ۲۲.
- پوهاند جاوید، «پیشینه چاپ کتب و جراید دری و پشتو در جهان»، ژوندون، سال اول، شماره ۵، کابل ۱۳۶۱، ص ۲۲.
- دکتور خدای نظر، نگارشی به نثر معاصر دری افغانستان، مصص ۲۴-۲۵.
- همان، ص ۲۷.
- همان، ص ۵۳.
- تلقیف ناظمی، مقدمه «در کشوری دیگر»، کابل، ۱۳۶۷، ص ۳۱.

کتاب‌های آموزش زبان فارسی

مجموعه فارسی بیاموزیم در ۱۱ جلد به همراه سی دی و نوار به منظور آموزش زبان فارسی به نسل دوم و سوم ایرانیان خارج کشور به مدیریت دکتر حسن ذوالفقاری و با همکاری گروهی از مؤلفان و مشاوران تدوین شده است.

فارسی بیاموزیم اولین مجموعه‌ای است که بر مبنای اصول آموزش زبان دوم یعنی تقدم گفتار بر نوشتار تنظیم شده و پیش از آن به گفته ذوالفقاری سال‌ها کتاب‌های ابتدایی برای آموزش زبان فارسی به خارجیان ارسال می‌شد در حالی که این کتاب‌ها بر مبنای آموزش زبان اول تدوین شده و برای دانش‌آموزانی که مهارت شنیدن و گفتن آنها کامل است مناسب است تا بر اساس آن خط فارسی و خواندن را بیاموزند.

ذوالفقاری درباره این مجموعه می‌گوید: در این کتاب‌ها میناگرش کردن و جویند زبان است و بعد خواندن و نوشتن. در واقع این اولین بسته آموزشی است که به خاطر یک جلد و نوار تدوین و آماده شده است تا در کنار کتاب‌سی‌دی‌ها و نوار به امر آموزش کمک کند.

مجموعه فارسی بیاموزیم در سه دوره مقدماتی، میانی و پیشرفته تنظیم شده که در دوره مقدماتی زبان آموز با مهارت‌های اولیه زبانی آشنا می‌شود. در این مجموعه ۶۱ موقعیت به شکل گفت و گوهای محاوره ای قرار گرفته که زبان آموز می‌تواند خود را در این موقعیت‌ها قرار دهد و با تکرار و تکرار و به کمک سی‌دی و نوار زبان فارسی را فرا بگیرد.

وی به نقد و بررسی کتاب‌های آموزش زبان فارسی به منظور تدوین این مجموعه اشاره می‌کند و می‌گوید: ابتدا یک کار مطالعاتی درباره کتاب‌های آموزش زبان انجام شد و در یک دوره شش ماهه در شورای برنامه‌ریزی با حضور دکتر کزوروش صفوی، کتاب‌های آموزش زبان فارسی از اولین کتاب که ۱۸۰ سال پیش منتشر شده تا آخرین کتاب مورد بررسی قرار گرفت. همچنین در این مجموعه از دستاوردهای زبانشناسی کاربردی که در همه جای دنیا مورد استفاده است، بهره‌گرفیم و گروه مؤلفان مشاورانی با مجموعه همکاری داشته‌اند که در زمینه زبانشناسی کاربردی مطالعه دارند.

ذوالفقاری معتقد است کتاب آموزش زبان اموز از انگلیسی، فارسی و با هر زبان دیگر در اصول و قالب مشترکی هستند و قالب آموزش زبان دوم برای هرزبانی یکی است فقط محتوای زبانی، صوتی و فرهنگی در این اصول قرار می‌گیرد. او با اشاره به آموزش زبان فارسی می‌گوید: هر کتابی در کنار آموزش زبان باید فرهنگ را هم آموزش دهد. در واقع برای فارسی، زبان ارتباط فرهنگی در دیگر کشورها هم هست. بنابراین کتاب‌ها باید فرهنگی باشند. حدود یکصد موضوع در حوزه آموزش فرهنگ ایرانی باشد. محدود یکصد موضوع در حوزه فرهنگی در قالب گفت و گو، مطالب آموزش و اشعار گنجینه شده است.

ذوالفقاری معتقد است باید نگاه به مهاجران ایران به خارج تغییر کند و به عنوان سفیران فرهنگی به آنها نگاه شود که می‌توانند از طریق زبان فارسی فرهنگ ایرانی را انتقال دهند. او کتاب را

را ایجاد یک سایت آموزش زبان فارسی رایگان می‌داند و می‌گوید: این کار در اولویت است و نهادهای مسؤول باید یک سایت راه‌اندازی کنند. کتاب محدودیت توزیع دارد و امکان دسترسی دشوار است. شناسایی علاقه‌مندان زبان فارسی هم به آسانی ممکن نیست بنابراین یک سایت تعاملی و به‌روز بسیار مؤثر خواهد بود و می‌تواند این نیاز جهانی را برطرف کند. در بعضی کشورها این کتاب را روی سایت گذاشته‌اند.

مجموعه فارسی بیاموزیم به پیشنهاد شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی آمریکای شمالی تدوین و توسط انتشارات مدرسه منتشر شده اما در دیگر کشورها نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. ذوالفقاری می‌گوید: هر کشوری کتاب‌های خاص



هر کتابی در کنار آموزش زبان باید فرهنگ را هم آموزش دهد

خود را دارد و باید تدوین کتاب‌ها به صورت مشترک باشد. زبان مبدأ هم مورد توجه قرار گیرد و مشترکات فرهنگی هر دو کشور در کتاب‌ها ارائه شود. او معتقد است که باید زبان فارسی را جدا از ادبیات در نظر گرفت و برای آموزش زبان فارسی از مدرسه و تخصص زبان فارسی و برای ادبیات از استاد خاص استفاده کرد. باید معلمان آموزش زبان تربیت شوند که خوشبختانه با راه‌اندازی رشته آموزش زبان در دانشگاه علامه طباطبائی، شهید بهشتی و شیراز این امکان برای تربیت معلم آموزش زبان دوم فراهم شده است.

وی به گنجینه‌ی ادبیات معاصر اشاره می‌کند و می‌گوید: برنامه‌های بسیاری از استادان زبان فارسی سنتی است و متأسفانه به ادبیات معاصر توجه چندانی نمی‌شود. لازم است که شورای

گسترش زبان و ادبیات فارسی برنامه‌ای برای آموزش طراحی کند که البته نه به صورت یکپسند بلکه در کشورهای مختلف نزدیک به هم باشد. در چین دیدم که ۱۵ استاد زبان و ادبیات فارسی با ادبیات معاصر حتی زبان امروز کتابخانه‌ها و گلستان را بهتر می‌فهمیدند. فهم داستان دانش‌آکل برای آنها از جهانگشای جویی دشوارتر بود حتی در کشورهای شبه قاره هند جریان‌های شعر و داستان معاصر را نمی‌شناسند. پس ضروری است که در دوره‌های دانش‌آموزی به مسائل نو در ادبیات معاصر صدسال اخیر پرداخته شود و داستان‌ها به ترجمه آثار امروز فارسی تشریح شوند تا ادبیات معاصر ما به دین معرفی شود. زمینه برای گسترش زبان و ادبیات فارسی فراهم است اما توجه شورای گسترش بسیار محدود است و باید درصدی از درآمد ناخالص ملی به این امر اختصاص یابد.

دکتر احمد صفار مقدم نیز مؤلف کتاب فارسی عمومی است که برای آموزش زبان فارسی به خارجیان است. صفار مقدم آموزش زبان فارسی را در خارج کشور همراه با شرایط سخت و محدود می‌داند. چون زبان آموزش فارسی زبان نیست.

وی با اشاره به ضعف استان خارجی که زبان و ادبیات فارسی آموزش می‌دهند، تهیه کتاب‌های آموزشی را یک ضرورت می‌داند و می‌گوید: در کشورهای مختلف کتاب‌هایی در حوزه آموزش زبان فارسی تألیف شده اما چندان مناسب و قابل قبول نیست.

صفار مقدم که تحصیلات زبانشناسی و تجربه آموزش زبان فارسی در خارج را دارد، سال ۱۳۷۷ در انتشار کتاب آموزش فارسی عمومی اولین گام را برداشت و بعد این طرح را در سطحی وسیع‌تر دنبال کرد. مجموعه آموزش زبان فارسی در خارج ۹ جلد است که ۲ جلد کتاب درسی اصلی، ۲ جلد کتاب کار (workbook) و یک جلد کتاب معلم است و آموزش زبان فارسی را از ابتدا تا سطح پیشرفته دنبال می‌کند. از طریق این مجموعه سعی شده فرهنگ و تهران ایرانی، اسلامی، متقل شود.

صفار مقدم هم قالب کتاب‌های آموزشی را برای همه زبان‌ها یکی می‌داند و یک معیار برای آنها قائل است. او ادبیات را از زبان فارسی جدا می‌داند و آن را در سطح بالاتری قرار می‌دهد و معتقد است مرحله اول آموزش زبان تا سطح پیشرفته است و آموزش ادبیات در مرحله بعد قرار می‌گیرد.

صفار مقدم مخاطبان اصلی زبان فارسی در خارج را تعدادی از دانشجویان می‌داند که از طریق کتاب‌های آموزش، استاد و دانشگاه، زبان فارسی را فرامی‌گیرند اما به ضرورت ایجاد یک سایت آموزشی برای زبان فارسی نیز تأکید می‌کند و آن را مؤثر می‌داند و می‌گوید شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی می‌تواند کتاب‌های این حوزه را در سایت قرار دهد.

مجموعه ۹ جلدی زبان فارسی در خارج فراتر از سوی شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی منتشر شود.





ترجمه شعر معاصر ایران

چندی پیش اتفاق خوشایندی برای شعر معاصر ما رخ داد و در فستیوال جهانی شعر که هر ساله در کشور هلند برگزار می‌شود، برای اولین بار دکتر حبیب، مؤدّم هم از ایران دعوت شد تا در کنار دیگر شاعران جهان، شعر فارسی بخواند، اما شعر معاصر ایران هم بخشی از ادبیات معاصر است که همان مسائل و مشکلات را دارد و هنوز هیچ تلاشی برای معرفی آن در دیگر کشورها نشده است. وقتی با چند نفر از نویسندگان درباره وضعیت ترجمه ادبیات معاصر گفت‌وگو می‌کردیم، آنها فقط به آثار داستانی و رمان‌ها می‌پرداختند و به این خاطر ما در این بخش بحث ترجمه شعر معاصر را در گفت‌وگو با چند تن از شاعران مطرح کردیم

احمدرضااحمدی شاعر:

آینده روشن برای ترجمه شعر معاصر

احمدرضااحمدی، ابق‌های ترجمه اشعار نوبیات معاصر ایران را روشن می‌بیند و معتقد است در این راستا کارهای قابل فیزی

صورت گرفته و این روند همچنان ادامه دارد. احمدی می‌گوید، از نمونه‌های موفق و اولیه ترجمه اشعار شاعران معاصر ایران می‌توان به ترجمه سیروس آتابای اشاره کرد. او متخشی از اشعار شاعران معاصر ایران را به زبان آلمانی ترجمه کرده است که شامل اشعاری از شاعران ایرانی از نیما یوشیج تا احمدرضااحمدی است.

احمدی در معرفی سیروس آتابای گفت: سیروس آتابای ایرانی الاصل است ولی از دوران بچگی در کشور آلمان بزرگ شده و از شاعران موفق آلمان است از دیگر ترجمه‌های سیروس آتابای از ادبیات فارسی زبان ترجمه اشعار حافظ و عطار است. احمدی همچنان به ترجمه‌های عبداللّیل الهی از اشعار شاعران معاصر ایرانی اشاره می‌کند و می‌گوید: حدود هجده سال پیش صدرالدین افشار متحصی از اشعار شاعران ایرانی (از نیما تا احمدرضااحمدی)را ترجمه کرد که در آن موقع من جور شاعران جوان و در آن فهرست جوان‌ترین شاعران آن مجموعه بودم. این ترجمه‌ها در روزنامه نوباره ادبی آن زمان چاپ شد.

به گفته احمدرضااحمدی در سال‌های اخیر توجه به ترجمه اشعار شاعران معاصر ایرانی فزونی گرفته و در این راستا او به ترجمه‌های یک مترجم آژینی اشاره می‌کند که پیش از این ترجمه‌ای از اشعار شاملو را منتشر کرده و در مرحله بعدی ترجمه آثار او (احمدرضا احمدی) را منتشر می‌کند.

همچنین یک استاد فرانسوی در بزرگ ترجمه‌ای از اشعار احمدرضااحمدی را منتشر می‌کند. این کتاب با عنوان هزار پله به دریا مانده است؛ در ایران به چاپ دوم رسیده است. کامیون‌شعری که دکترای زبان و ادبیات ایتالیایی دارد هم دست به کار ترجمه آثار شاعران معاصر ایرانی به زبان ایتالیایی شده است. او ترجمه اشعاری از شاعرانی چون احمدرضااحمدی، اخوان ثالث، شاملو، بدالله رویایی، علی موسوی گرم‌رودی، قیصر امین پور و عمران صلاحی را در حال حاضر در دستور کار خود دارد.

موشیار انصاری فر:

وضعیت آسفاتی ترجمه آثار فارسی

وضعیت ترجمه آثار نویسندگان و شاعران فارسی زبان به زبان‌های دیگر بسیار آسفاتک و پراکنج است؛ اصلاً از دیدگاه من چیزی به اسم ترجمه ادبیات فارسی در جهان که نهادیه شده نباشد؛ نادانیم و ناگورن هر آنچه که از زبان فارسی به زبان‌های دیگر ترجمه شده، تلاش‌های فردی بوده است. این وضعیت در دهه اخیر نیز به همین شکل باقی مانده و تغییری در روند آن به وجود نیامده است و شاید دلیلش آن باشد که در کشور هر آنچه که مستلزم سرمایه‌گذاری کلان باشد، نیاز به حمایت‌های دولتی دارد و ترجمه از زبان فارسی به زبان‌های دیگر نیز در این جایگاه قرار می‌گیرد که با توجه به اینکه رابطه دولت با نویسندّه‌ها تعریف نشده است، در بعضی موارد نویسنده‌ها در ایران آبی نمی‌شده‌اند.

هیچ اتفاقی نیز به ترجمه آثار آنها به زبان‌های دیگر داده نمی‌شود و بهایی برای این امر هم پرداخت نمی‌شود. اما از این میان سرکت‌هایی که صورت گرفته همه، خروجی‌ش و بر اساس علاقه شخصی مترجمان بوده است که از این میان می‌توان از کریم آلمی نام برد و ترجمه او از اشعار فروغ فرخزاد را بدون هر گونه تضام

و غرض‌ورزی باید اظهار کنم که تصویر فزونی که ترجمه کریم امامی برای ما می‌سازد، اصلاً قابل قیاس با تصویر فزونی که ما می‌شناسیم نیست. در ترجمه ایشان دیگر چیزی از جسارت‌های ننگان هفنده فروغ نیست و به همین دلیل نمی‌تواند این ترجمه در سطح جهانی تأثیرگذار باشد. من فکر می‌کنم بازمانی که یک نهاد دولتی متول این امر نباشد نمی‌توانیم شاهد ترجمه‌های خوب و متنام در این راه باشیم.

خوشبختانه از کشوری غنی و ثروتمند برخوردار هستیم و اگر کمی دلمان برای فرهنگ و هنر ایران بسوزد می‌توانیم با سرمایه‌گذاری و تبلیغات وسیع ادبیات ایران را به جهاتبان بشناسانیم و آن را در سطح جهانی مطرح کنیم. یکی از نهادهایی که در این سال‌ها برای احیا و معرفی فرهنگ ایران به جهانیان و بلعکس به وجود آمده است مرکز گفت‌وگوی لندن هاست که در این ۸ سال با تمام بودجه و زمانی که به این امر اختصاص داده شده، هنوز، حرکتی محسوس و پایدار از این مرکز ندیده‌ایم. یکی از فلاسفه معتقد بود نباید منابع از مواضع شدن هیچ متنی نشویم. اما هر یک از ما زمانی که تزییونی می‌بایم به نقلی یکدیگر می‌براییم و اگر مترجمی از راه برسد و بخواهد از بی که ما با مؤلفش، خرده حساب شخصی داریم ترجمه کند یا رایش‌هایی که می‌کنیم رای او را می‌زنیم و او را از این کار باز می‌داریم و این در جهان امروز بسیار جای تأسف دارد. از این رو بسیاری از آثار با رایش‌هایی که وجود دارد هرگز نمی‌تواند به زبان‌های دیگر ترجمه و منتشر شوند و اولین گام برای جهانی شدن به رسمیت شناختن اکثریت است.

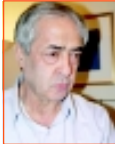
سعوداحمدی:

نقش رایبده در ترجمه شعر معاصر

درست به خاطر ندارم که کدام صاحب‌نظر گفته است که ترجمه متون ادبی نوعی خیانت است اما این جلال‌القطب مترجمان ما به کار ترجمه از زبان‌های دیگر به زبان فارسی پرداخته‌اند. سابقه ترجمه بخصوص در حوزه ادبیات اروپایی به اوایل دوره قاجاریه برمی‌گردد. اما ترجمه متون فارسی اعم از داستان و شعر از سابقه درخبر توهیج برخوردار نیست و نسبت به ترجمه از زبان‌های دیگر اقتدارها برای مترجمان جالب و جذاب نبوده است.

گمان می‌کنم یکی از معرود کسانی که در این حوزه از خیر و ذوق و سلیقه بارزی برخوردار بوده است کریم امامی باشد که البته صرفاً به ترجمه ایشان از متون قدیم نظر ندارم، بلکه به ترجمه‌های دقیق و پیراسته و آراسته ایشان از ادبیات معاصر از جمله اشعار فروغ از خرداد و سهراب سپهری نظر دارم. گویا برگردان متن از زبان‌های یگانه مانند فرانسوی، آلمانی، ویتنامی و سس آسان‌تر از ترجمه متون فارسی به زبان‌های دیگر است. البته بسیاری از محققان و پژوهشگران اروپایی به توضیح متون کهن فارسی مبادرت ورزیده‌اند که درجادی کارهای پس بزرگ و سوندند بوده است. گروهی از معاصران فارسی دان نیز به ادبیات معاصر و ترجمه آنها پرداخته‌اند که سابقه آن نیز به نیم قرن پیش بازمی‌گردد و در این زمینه مرهون زحمات افرادی چون پروفیسور لالار هسنتیم، داوری نسبت به چند و چون ترجمه‌های فارسی به زبان‌های دیگر با من نیست. این کار بر عهده کسانی است که علاوه بر تسلط بر زبان فارسی بر زبان مقصد هم مسلط هستند.

ترجمه ادبیات معاصر بخصوص شعر نوین ایران همت گماشته‌اند



که در این راستا ترجمه‌های سعید سعیدپور که شعر معاصر را از نیما تا دهه‌های اخیر در بر می‌گیرد، شایان توجه است و بنا به اظهار بعضی از صاحب‌نظران در بعضی موارد سعیدپور در ترجمه از کسایتی چون دکتر کریمی حکایت بیشتری گرفته است.

ماحصل کار سعید سعیدپور را می‌توان در کتاب صدای امروز ملاحظه کرد و مورد نقد و بررسی قرار داد.

باید توجه داشته باشیم، که بسیاری از فارسی‌زبانان و فارسی‌دانان در کشورهای دیگر نیز به ترجمه ادبیات فارسی معاصر به زبان‌های دیگر مبادرت ورزیده‌اند البته من این ترجمه‌ها را ندیده‌ام و صلاحیت آن را ندارم که درباره آنها اظهار نظر کنم اما این نکته را نباید نادیده گرفت که مسأله اساسی در نشر ادبیات معاصر ایران، فقط به ترجمه مقبول معطوف نیست بلکه انتشار گسترده آن از راههای مختلف بخصوص از راه رسانه‌های جمعی است و این کار مقدر و مسیر نیست مگر اینکه متولیان امور فرهنگی این سرزمین از آبارهای از یکسو به‌نگری‌های خود چشم پوشند و شاعران نام‌دار و بلندآوازه‌ای چون شاملو، فروغ، سهراب و اخوان را با توجه به امکاناتی که در اختیار دارند به جهانیان شناسانند.

به گمان من ضمن اینکه زبان فارسی مورد بی‌مهری قرار گرفته است حتی هموطنان محرب و مسلط به زبان‌های دیگر از ترجمه متون فارسی نیز سر باز زده‌اند و در بی‌انگیزه‌اند که نظر داشت که زبان فارسی همچوالی چنان‌لی از زبان‌های دیگر بخصوص زبان‌هایی که ریشه لاتین دارند، ندارد و از این رو ترجمه آن دشوار و سخت است ویژه شعر فارسی، به این نکته نیز باید توجه داشته باشیم که تأویری افراطی در همه جهان بروز و ظهور می‌کند اما مترجمان به‌سرع نویسندگان و شاعرانی می‌روند که پیش از جهانی شدن، نمی‌شناسند. و واقع می‌خواهم بگویم که ترجمه شعر عریض چنان‌لی به عبور و انتقال شعر فارسی، بلکه عمیقاً معطوف با اعتبار آن شاعر و استقبالی که از شعر او شده است، می‌باشد.

در اینجا بد نیست به این نکته توجه کنیم که بسیاری از مسائل تکنیکظرتبه در انتخاب آرای براری ترجمهٔ فعلی بوده و هستند. مثلا ترجمهٔی که با شعر یا شاعرهای ریشه‌های ویژه دارد خود را ترجمه می‌نماید و فقط به این دلیل که با فلان شاعر مشکل دارد، شعرا را حذف می‌کند و از ترجمه‌اش سر باز می‌زند.

به زعم من هیچ ترجمه شعری به تنهایی نمی‌تواند در معرفی شعر یک موزن زمین مگر اینکه مترجم آن بر زبان مبدأ و مقصد و فرهنگ هر دو موزنین احاطه کامل داشته باشد. لذا من به عنوان شاعر توانایی آن را ندارم که حتی سهم کوچکی در معرفی شعر ایران به دیگر ملل داشته باشم، اما به عنوان سرپرست‌ان نشر هم‌راه از این افتخار برخوردارم که کتاب «صدای امروز ما» با تأیید و تشویق و حمایت به زبان فارسی و انگلیسی چاپ و منتشر شد. ترجمه از فارسی به زبان دیگر کاری دشوار و زمان‌گراست. در ضمن کتاب‌های یوزبانه به دلیل بی‌تاکون، چندان مورد اقبال عمومی قرار نمی‌گیرد، بخصوص ترجمه به زبان هالی به جز زبان انگلیسی چراکه اغلب کتابخوان‌های ما با زبان بین‌المللی انگلیسی آشنا هستند و اقلیتی نیز به زبان‌های دیگر تسلط کامل دارند. گذشته از اینها، توزیع چنین آثاری در سطح جهانی از عهده ناشران کم‌ضایعت ما ساخته نیست، به گمان من سازمان‌های مسئول که طبعاً در مجموعه دولت می‌باشند می‌توانند با خرید توزیع این کتاب‌ها از طریق بازاریابی فرهنگی خود در سراسر جهان، در انتشار ادبیات معاصر ما سهم بسزایی داشته باشند.

مستعدان ادبیات فارسی

انثوی ادبیات فارسی

مأسفانه ادبیات ایران بخصوص ادبیات معاصر در جهان ناشناخته و مهمور مانده است و این موضوع جای بسی درنگ و تفکر دارد که نباید از کنار آن بی‌توجه گذشت. برخی از دلایل آن عدم وجود مترجمان کارآمد و مسلط به زبان فارسی، بی‌توجهی مسئولان بر سرپرش گرفتن ادبیات است، با وجودی که ایران را در جهان با ادبیات می‌شناسند، مسؤولان برای شناساندن ادبیات ایران تنها سکوت اختیار کرده‌اند و کاری نمی‌کنند، ترجمه‌هایی هم که از گاه‌های آغاز فارسی به زبان‌های دیگر صورت می‌گیرد ناشی از علاقه خود مترجم است و ما به عنوان یک ایرانی اصلاً احساس مسؤولیت نمی‌کنیم، و مطمئن می‌کسی از راه برسد، سستی از ترجمه کذب است، این نکته را نیز نباید نادیده گرفت که برخی از ترجمه‌هایی که از آثار فارسی صورت گرفته‌اند، آنگونه که باید با سوز و تنش و پیش‌بینی‌صعبی را که از ادبیات ایران برای جهانیان ارائه می‌دهند، تاریک و مخدوش است. در برخی از موارد نیز آثاری از نویسندگان و شاعران به زبان هالی دیگر ترجمه شده‌اند که لطفاً آنها نباید بگمان واقعی ادبیات ما به‌شمار می‌روند و در زمره آثار چندمی قرار می‌گیرند، و با این ترجمه‌های اندک، نارسا... و پرهی و پرحاشا ادبیات معاصر ایران در جهان مخدوش و تاریک است.

علی‌حیدرایی، نژوم حمایت دولت

با توجه به اینکه من به زبان آلمانی تسلط دارم، به تنهایی توانم دربارهٔ وضعیت ترجمهٔ ادبیات معاصر ایران به زبان آلمانی اظهار نظر کنم و بررسی وضعیت ترجمهٔ زبان‌های دیگر را به دروسی مترجمان دیگر می‌گذارم، چرا که اظهار نظرهای من راه به جایی نخواهد برد. سابقهٔ ترجمهٔ معاصر ایران به ترجمه‌های «اکوت شارف» و «دیرویس آبتابی» از نیمایاز می‌گردد.

البته ترجمهٔ مترجمی چون دکتر رحمان‌نیز یا این ترجمه‌ها هم‌زمان گرفته می‌شوند که در این باره بپرانگند، کارهای متعددی نیز صورت گرفته که منخبر به کتاب نشده‌اند اما از این میان آثار احمد شاملو و فریخ از می‌توان نام برد که ترجمهٔ گزیدهٔ اشعار فریخ با عنوان «بان روزها» منتشر شده‌اند. هر چند که مترجم ترجمهٔ خوبی از شعر فریخ از آنجا نداده است. اما به‌علافت کسبوند منابع قابل تأمل است و تا حدودی نیز از آن استقبال شده‌چراکه ترجمهٔ شعر مسئول نوشتن مقدمهٔ برخی است که در آن مترجم می‌بایست وضعیت کنونی شعر فارسی و جایگاه و ویژگی شعر شاعر را مورد بررسی قرار دهد و درجه‌های خاصی را پیش روی خواننده بگذارد تا زمینه‌های ارتباط میان او اثر فراهم شود.

در دنیا موزه‌های فرهنگی که حمایت دولتی نیز شامل حال آنها می‌شود، تصمیم به ترجمه می‌گیرند که از این میان می‌توان به مؤسسهٔ فرهنگی گوته، شیلر، شکسپیر، فرانتس سبوا و... اشاره کرد.

در آلمان در ابتدا مترجمان تصمیم می‌گیرند که اثری را ترجمه کنند و سپس مؤسسات فرهنگی رای‌های را می‌دهند که این اثر را چه شرایطی ترجمه شود، اما مأسفانه در ایران چنین نقضاً و ارتباطی وجود ندارد، در طول سالان تنها بی‌الحاقی از دریای شعر فارسی به زبان‌های دیگر ترجمه شده است. که این خود جای بسی سوال دارد که ناشی از بی‌مایتی دولت‌ها، فرهنگی نبودن رایزن‌های فرهنگی ایران و بی‌ا ندادن دولت به مسائل فرهنگی است که همین امر منجر به حذف آثار ادبی از برنامه‌های دولتی می‌شود.

البته در این میان هست‌های دیگر نیز در کار است، بیشتر مترجمان تنها به دوستی‌های خود با شاعران خاص اکتفا می‌کنند و آثار آنها را هر چند در رده‌های دست چندمی ادبیات ایران قرار بگیرند، ترجمه می‌کنند و شاعری که هر چند خالق آثاری قوی باشد اگر آشنا یا دوستی نداشته باشد، اثرش مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد و اثرش جایز ورود به دنیا می‌دیگر را نمی‌یابد.

بر اساس منابعی که وجود دارد ترجمه از زبان فارسی به زبان آلمانی در ۳۰ سال اخیر بسیار ناچیز بوده و مأماسفانه نتوانسته‌ایم تعداد فرهنگی میان ترجمهٔ اثر از آلمانی به فارسی و بالعکس را به وجود بیاوریم. شاید جای تعجب باشد اما من خود این موضوع را به وضوح لمس و درک کرده‌ام، هنوز بسیاری از روشنفکران آلمانی، فکر می‌کنند که در ایران ما به زبان عربی صحبت می‌کنیم و در گفت‌وگو‌هایی که من با آنها داشته‌ام، بارها به من گوشزد کرده‌اند که مأسفانه ما زبان عربی بلد نیسیم تا آثاری را که در کشور شما منتشر می‌شود و مطالعه کنیم که این خود ناشی از اطلاع رسانی غلط ایرانی‌ها است.

تا زمانی که در این عرصه تبلیغات مناسب صورت نگردد نمی‌توانیم مترجمان زبان‌های دیگر را تزیب به ترجمهٔ آثار فارسی کنیم، مأسفانه تعداد مجموعه‌ها و آثاری که از شعر معاصر ایران به زبان آلمانی ترجمه شده‌اند بسیار انگشت‌شمار هستند و آلمانی‌ها ایران را بیشتر با ادبیات کلاسیک که نمایندگانش خیام، فردوسی و مولوی هستند می‌شناسند و حتی این شاعران در دوره‌هایی نیز شعر آلمان تأثیرگذار بوده‌اند که با لادکی صرف زبان می‌توان این موضوع را به اثبات رساند.

این ناشی از تفاوت نوع تلقی زندگی خود و کشور است و این تفاوت‌ها گر ایان شوند، حتماً آلمانی‌ها ما را بیشتر بی‌علاقه می‌کنند که دست به ترجمهٔ فارسی برند.

من به عنوان فردی که تا حدودی به زبان آلمانی تسلط دارم تصمیم گرفتم که ادبیات آلمان را به فارسی زبانان معرفی کنم و در این راه گام‌های بلندی نیز برداشته‌ام، اما در اواسط راه در یافتیم که باید زمینه‌ای را فراهم سازم تا این اتفاق برای شعر فارسی نیز رخ



بدهد، به همین منظور با مؤسسه‌ای که در آلمان با آنها در ارتباط بودم رایزنی‌های لازم را کردم تا بتوانم شعر شاعران ایران را با همکاری سازمان آلمانی و با کمک دبیرساز آلمانی زبان ترجمه کنم و تا به امروز توانسته‌ام در حدود هشتاد شعر از شاعران معاصر ایران به زبان آلمانی ترجمه کنم که علاقه‌مندان می‌توانند این اشعار را بر روی سایت *www.hrikimo.org* بخوانند، همچنین در این سایت نیز امکان وجود دارد که شعر هر شاعر را با صدای خود او بشنوند که در این سایت تاکنون در ۳۵۰۰ ترجمهٔ شعر منتشر شده است.

از شاعرانی که برای اولین بار به آلمانی زبانان معرفی کردم می‌توان به شمس لنگرودی، رضا چایچی، علیرضا آیز و حافظ موسوی اشاره کرد البته در حال حاضر نیز این حرکت ادامه دارد و در حال ترجمهٔ شعر شاعران دیگری هستیم که شعر آنها نیز سال آینده بر روی این سایت قرار می‌گیرد. البته امروز این حرکت به یک جریان تبدیل شده و رایزنی‌هایی که می‌کنم نیامد ناشی آلمانی پیداکنم که در پی انتشار این اشعار باشد. مأسفانه با تغییر و تحولاتی که در نظام مدیریتی ایران صورت می‌گیرد، نمی‌توانیم مندرج‌البینم تا فرد فرهنگ‌دوستی پیدا شود که غم فرهنگ‌دانه باشد و برای ترجمه و معرفی ادبیات ایران گامی بردارد، باید خودمان دست به کار شویم و از نهادهای غیر دولتی درخواست حمایت یاری کنیم.

البته تلاش‌هایی که من در این سال‌ها کرده‌ام بسیار خودجوش و شخصی بوده است و نقدهایی هم می‌تواند به کار من وارد باشد ولی در پی آن هستم تا برطرف کردن نواقص، این جریان را ادامه بدهم، اقدام لازم شاعران و مترجمان با همکاری معلمان، اقدام به ترجمهٔ شعر معاصر ایران کنند. شاید بیان این نکته نیز خالی از لطف نباشد که شعر در جهان رفته رفته وارد مخاطبان خود را از دست می‌دهد و این موضوع تنها در ایران دفعدهٔ شاعران نیست.

در پایان باید یادآورد شوم که بدون حمایت دولت، این حرکت‌ها، هر چند بی‌اوا فعال باشد به جایی نخواهد رسید، ادبیات نیاز به حمایت دارد و نباید سرسری از کنار آن گذشت.

گفت‌وگو با دکتر کروش صفوی

عدم برنامه‌ریزی برای آموزش زبان

دکتر کروش صفوی دکترای زبانشناسی و معشریات علمی دانشگاه علامه طباطبائی است که تاکنون آثار مختلفی در حوزهٔ زبانشناسی و ادبیات تألیف کرده است. ما در اینجا بحث آموزش زبان و ادبیات فارسی و کتاب‌هایی را که برای آموزش زبان و ادبیات فارسی برای غیر فارسی‌زبانان تألیف می‌شود، با دکتر صفوی مطرح کردیم.



برای آموختن زبان در خارج از محدودهٔ جغرافیایی خود

گفتش باید چه کتاب و زمینه‌هایی باید فراهم باشد؟

به شرطی برای گذریش زبان لازم است، یکی اینکه سخنگویان آن زبان در کشور یا کشورهایی مستقر باشند که به لحاظ سیاسی قدرتمند باشد، البته این قدرتمند بودن به لحاظ سیاسی هزینه می‌برد، این هزینهٔ سیاسی می‌تواند که زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و... دره‌های از زمان که قدرت سیاسی و نظامی جهانی بودند، خود خود گذریش پیدا کردند. شرایط دیگری که می‌تواند

به گذریش زبان کمک کند، کشور اقتصادی است، به‌عنوان مثال کشورهایی که علاوه بر تأمین شغل برای جمعیت خود، شرایط انتقال و رایزنی برده‌های دیگر نیز فراهم کرد و این افراد به لحاظ اقتصادی در آن کشور سوزایی می‌شوند، این آن کشور را

فرمانی‌گیرد و آن زبان فارسی می‌یابد. به این لحاظ در حال حاضر کشورهای حاشیهٔ خلیج فارس، چین و ژاپن و این لحاظ را در نظر دارم، اما هیچ‌کدام از این شرایط را ندارد، بنابراین شرایط نسبی وجود دارد که آن شرایط فرهنگی است که می‌تواند گذریش و تقویت زبان را موجب شود.

آیا کشور ما در حال حاضر شرایط فرهنگی لازم را که بتواند به

گذریش زبان و ادبیات فارسی کمک کند دارد؟

به لحاظ تاریخی زبان فارسی از شرایط فرهنگی مساعدتری برخوردار بوده‌ایم فقط در چارچوب تاریخ است، ماسفاناً و نویسنده‌گان در طول این تاریخ در مناطق هند و چین گنجه شده و می‌شود که جمیع‌های افراد فریختهٔ جهان به زبان و ادبیات ما گرایش پیدا کنند، اما فقط در چارچوب تاریخ است و در زمان فعلی کار فرهنگی مناسب انجام نمی‌دهیم که کشورهای دیگر در زمان مسائل فرهنگی ما شوند، مشکل که انجامیش می‌آید این است که وقتی

ترجمه می‌تواند چنین کاری را انجام دهد، شوق یادگیری زبان خارجی، این هم زبان فارسی انجامی مورد تردید قرار می‌گیرد، این سببش است که گذریش یک زبان یا آن درگیر نیست، در کشور ما موجدان اخیر نهادهایی ایجاد شده‌اند که در راستای گذریش زبان و ادبیات فارسی گام بردارند و فعالیت‌هایی در این راه داشته‌اند، به نظر شما چگونه باید این فعالیت‌ها را برنامه‌ریزی کرد تا به نتیجه برسد؟

مأسفانه نهاد امکانات لازم ایجاد نمی‌شود مسائل در سطح شعار مطرح می‌شود و به پایان می‌رسد. لا‌سال است که می‌گویم یک استاد یا انتشار را نباید به کشورهای دیگر فرستاد تا قلبی زبان فارسی را در سطح ابتدایی تدریس کند، باید برنامه‌ریزی کرد تا

استادان ایرانی در خارج کشور، کمره‌مدت به آموزش استادان بومی کشورهای بیرونده و آنها به گذریش و آموزش زبان فارسی بیروند. بعد از این استادان خارجی زبان فارسی حوزهٔ گوناگونی، کتاب ارائه کنیم و به علاقه‌مندان زبان فارسی بوسیلهٔ مأسفانه کارهای فرهنگی ما در حوزهٔ اقتصادی گرفتار می‌شود و از آن منظرهٔ به آن نگاه می‌کنند و این می‌شود که عرصتان در طول ۵۰ سال اخیر بیش از ۶۰ درصد گرسه‌های ایران فارسی ما را به زبان عربی تبدیل کرده چون کتابخانهٔ درست می‌کنند و کتاب‌های عربی را سرازیر می‌کنند. مأسفانه از این شرایط استفاده نمی‌کنم در صورتی که شرایط ما به گونه‌ای است که بسیاری از کشورها علاقه دارند زبان فارسی را بیاموزند، درحالی‌که ما یک برنامه‌ریزی دقیق برای آموزش زبان فارسی نداریم، باید چه‌کاری می‌تواند این امر را تقویت کند، و نشانمان برنامه‌ای آموزشی تدوین کنند، ما در همهٔ کارها رویهٔ سیاسی می‌کنیم و در مورد این کار هم چندین‌بار داریم که هر کدام برای خودش کار می‌کنند، این به کار فرهنگی نمی‌ماند. باید در کشورهای بیرونی مرکزی ایجاد شود و افراد بومی همان کشورها که هیفته فرهنگ ما هستند فعالیت کنند و برای آموزش آنان استادانی از ایران اعزام شود، یکی دیگر از مشکلات این است که ما سال‌هاست فارغ‌التحصیلا در رشته آموزش زبان فارسی داریم اما از استفادهٔ نمی‌شود.

کتاب‌هایی در سال‌های اخیر برای آموزش زبان و ادبیات فارسی منتشر شده است آیا برای تانوم کتاب‌های آموزش زبان، هر زبانی که بیشتر یک قالب و محتوا وجود دارد؟
کتاب‌های مثل انگلستان، آمریکا، فرانسه و... پیش از چند روز است در آموزش زبان خود می‌کنند، مأسفانه انگلستان پیش از صد سال است که کتاب آموزش زبان انگلیسی تهیه می‌کند، آنها بر اساس تجربه و دریافت خطاطا به‌طور منسجم کتاب‌ها را تصحیح و به‌روز می‌کنند، مأسفانه کتاب‌هایی که تاکنون در حوزه آموزش زبان و ادبیات فارسی تدوین شده که کتاب دکتر نمره و مجموعهٔ فارسی یازدهم از بهترین آنهاست، هنوز حکم نخورده‌اند، در کتابی باید ویژهٔ یک برنامه آموزشی خاص تدوین شود، فارسی گفتاری یا نوشتاری تفاوت است و مثلا برای یک ارتشش کتاب‌های مناسب و در سطح او مورد نیاز است.

دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی است که در حوزه ادبیات باستان و مانوی پژوهش می‌کند و آثاری در حوزه اسطوره‌شناسی دارد. اسطوره آفرینش در آیین مانوی، اسطوره بیان تمدن‌ین، زیر آسمان‌های نور (نقش امین) در حوزه اسطوره‌شناسی(از جمله آثار آوستا، اسماعیل‌پور در حوزه ترجمه نوع فعالیت می‌کند و تاکنون بیش از ۱۲ جلد کتاب ترجمه کرده است) از حدود یک سال است که در دانشگاه مطالعات بین‌المللی شانگهای چین معروف به دانشگاه سی‌مو (SIBO) ادبیات فارسی و تاریخ و فرهنگ ایران را تدریس می‌کند. ما در این گفت‌وگو وضعیت زبان و ادبیات فارسی را در چین با اسماعیل‌پور مطرح کردیم.

ابن‌دا درباره وضعیت فعلی زبان و ادبیات فارسی در کشور چین توضیح دهید و اینکه کرسی زبان و ادبیات فارسی در این کشور چه سابقه‌ای دارد؟

کرسی زبان و ادبیات فارسی در چین سابقه‌ای طولانی شدید بیش از ۵۰ سال دارد. اولین کرسی زبان فارسی در دانشگاه پکن که قدیمی‌ترین دانشگاه چین است، تأسیس شده و نسل سوم و چهارم ایرانی‌تباران و استادان زبان فارسی نتیجه این دانشگاه است و در واقع دانشگاه پکن، دانشگاه مادر زبان‌های خارجی از جمله فارسی در چین است.

در دانشگاه بین‌المللی شانگهای هم که سابقه چندانی ندارد، حدود هشت سال است کرسی زبان و ادبیات فارسی تأسیس شده البته این کرسی در مقابل کرسی زبان و ادبیات عرب جوان‌تر است. اما با این حال در همین هشت سال فعالیت‌های زیادی انجام شده است. در این کرسی چهارم آشنایی زبان فارسی تدریس می‌کند. در دانشگاه پکن سه پروفیسور برجسته زبان و ادبیات فارسی فعالیت دارند که یکی از آنها جاکنگ هوین ترجمه شاهنامهٔ فردوسی، ترجمه‌های خیام و چهارم‌هفت‌نظمی عروضی به چینی است. به اینکه هم سال‌ها در کرسی ادبیات فارسی فعالیت کرده و بازنشته شده و دو جلد کتاب هم با نام تاریخ ایران از عهد ساسانی تا عصر معاصر به زبان چینی تحت نظر او آماده و دکتر شهیدباغی تألیف کرده است. او بیش از سی بار به ایران سفر کرده و به خوبی ایران را می‌شناسد.

حالا جیکنگ هم فعالیتش در زمینه تاریخ و ادبیات ایران به زبان چینی دارد. در حال حاضر دانشجویان این استادان، مدرس زبان و ادبیات فارسی در چین هستند. مغز مکرر زبان فارسی در دانشگاه پکن هم خانم یی نان، دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران است.

چنین پیشینه تاریخی و فرهنگی بسیار کهنی دارد با تاریخ پنج هزار ساله و یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون فر جمعیت. در این کشور علاوه بر دانشگاه پکن و دانشگاه تهران دانشگاه اوجچی استان تینجیان معروف به ترکستان هم کرسی زبان و ادبیات فارسی وجود دارد و در استان زبان و ادبیات فارسی در چین فعال است. غیر از این مراکز می‌توان به حوزه ایرانی‌شناسی نودر این کشور اشاره کرد که هر ساله همایش زبان و ادب فارسی را در دانشگاه پکن برگزار می‌کند و در سال جاری هم در دانشگاه شانگهای برگزار خواهد شد.

حضور دیگر زبان‌های خارجی غیر از فارسی در چین چگونه است و کدام زبان‌ها بیشتر در این کشور مورد توجه است؟

در شهرهای بزرگ چین، دانشگاه زبان‌های خارجی وجود دارد و چینی با برای این امر به وسعت ارتباط کشورشان با خارج اهمیت ویژه‌ای قائل هستند. در هر مرکز استان دانشگاهی به زبان‌های خارجی اختصاص دارد. زبان‌های انگلیسی، ژاپنی و روسی در چین دانشگاه‌های مستقلی دارند اما بیشتر زبان‌ها در دو دانشگاه زبان‌های شرقی و غربی آموزش داده می‌شود. هدف از تأسیس این دانشگاه‌ها در مرحله اول پرورش مترجمان حرفه‌ای است که بتوانند مکالمات را در حوزه‌های مختلف ترجمه یا در ترمزله برنام‌های بخش بین‌المللی را در ترمزولرین چین تکلیف کنند. در مرحله بعد هم هدف پرورش مستحقان و استادان چالب است. تقاضای میان آموزش زبان‌های خارجی به دانشجویان با نیازهای بازار کار است. در ترم گذشته ۱۸ دانشجوی زبان فارسی مقطع کارشناسی از دانشگاه قان‌ژان تحصیل شدند و در ترم آخروهمه آنها استخدام شدند که این نشان دهنده برنامه‌ریزی دقیق دولت، بخش آموزش است.

با توجه به اینکه در سال‌های اخیر فعالیت‌های آموزشی نهاد‌های مسژول صورت می‌گیرد، در حال حاضر به لحاظ گسترش زبان و ادبیات فارسی چه سبیری را طی کرده‌اید؟

به طور کلی در چهار مرکز زبان و ادبیات فارسی در چین حدود ۴۰ نفر در مقطع کارشناسی، ۱۰ تا ۱۵ نفر کارشناسی فرهنگ و ارشاد اسلامی و پنج نفر در مقطع دکتری زبان و ادبیات فارسی تحصیل می‌کنند که البته پیش از این تعداد دانشجویان بیشتر بوده است.

این کاهش در دانشجویان زبان و ادبیات فارسی در این کشور از کجا ناشی شده است؟

این کاهش در همین چهار سال اخیر است که در دانشگاه پکن

استاد ایرانی حضور نداشته و موجب کاهش پذیرش دانشجوی کارشناسی و در نتیجه کارشناسی ارشد و دکترا بوده است.

استادان زبان و ادبیات فارسی چه مامی را به دانشجویان چینی تدریس می‌کنند؟

حدود بی‌جاه در صد منابع را شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی با مراکز دیگر تألیف کرده‌اند که این منابع شامل کتاب‌سی‌دی صوتی و تصویری و نوار کاست است. پنجاه درصد کتاب‌ها را ما چینی‌ها تألیف کرده‌اند که استادان چینی بیشتر از آنها استفاده می‌کنند البته ما هم در مواردی بحث را به زبان انگلیسی بیان می‌کنیم چون خیلی از

واژه‌ها، معادل دقیق چینی ندارد و یک فرهنگ لغت کامل فارسی به چینی نداریم و ما این مشکل را از طریق فرهنگ فارسی به انگلیسی رفع کرده‌ایم چون آنها به انگلیسی مسلط هستند. بنابراین استادان اروپایی ما به این کشور حتماً باید به زبان انگلیسی مسلط باشند تا در مواقع لازم از این زبان بین‌المللی بهره بگیرند.

وسایل کمک آموزشی و حتی آثار هنری مثل سینما، موسیقی و… می‌تواند در جهت گسترش زبان و ادبیات فارسی مؤثر باشد.

مخاطبان اصلی ما چینی‌ها هستند که آنها علاقه زیادی به فیلم‌های ایرانی و موسیقی ایرانی دارند. برای مثال فیلم‌های روزگارن سینما برای آنها از فیلم‌های مستند آموزشی بسیار جذاب‌تر است و دلیلش هم این است که آنها از طریق این فیلم‌ها با جامعه امروز ایران

و فضای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور ما آشنا می‌شوند و این چیزی است که آنها به دیدنشان هستند و در آینده شغلی و اقتصادی‌شان به عنوان یک پشتوانه از آن استفاده خواهند کرد. پس لازم است در انتخاب این فیلم‌ها دقت شود. نکته جالبی که در اینجا مطرح است



اینکه فیلم‌های سینمایی ایرانی موفق در جشنواره‌های بین‌المللی در بحث آموزش کمتر بود. استقبال فراوانی می‌گردد. شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی به عنوان مولی اصلی این امر باید فعالیت‌های انتصابیه و تهیه کنندگی علاوه بر ویژگی‌هایی که بیان شد، چه‌بره مناسبی از ایران و ایرانی به این دانشجویان به عنوان سفیران فرهنگ و هنر ایرانی ارائه کنند.

عده‌ای از استادان زبان و ادبیات فارسی و مؤلفان این حوزه به تفکیک بین آموزش زبان و ادبیات معقدند و اینکه ابتدا آموزش زبان فارسی صورت گیرد و در مرحله بعد به ادبیات پرداخته شود. آیا شما با این تفکیک موافقتی و در حوزه آموزش ادبیات، ادبیات معاصر ما چه جایگاهی دارد؟

در مرحله اول، باید برای آموزش زبان اولویت قائل شد. در آموزش زبان هم تأکید بر تدریس آیینانه معاصر است. باید یادگیری بر سنجای آموزش زبان به درستی صورت گیرد تا فرد به مرحله آشنایی به ادبیات وارد شود. از آنجا که استانان بومی در چین دوره‌های زبانشناسی را به خوبی گذرانده‌اند، در مراحل اولیه دانشجویان در اختیار زبانشناسی و در آموزشگاه‌ها زبان را فراموش می‌گردند. پس از آن با ادبیات راه آنها آموزش می‌دهیم و مطالب است که روش همایشان چنان مؤثر و کارآمد است که دانشجوی در ترم سوم به فارسی صحبت می‌کنند. مرحله بعد هم که آشنایی با ادبیات است، شیوه خاصی دارد. ابتدا باید آنها را به موضوعات ادبی علاقه‌مند کرد و نشانکارهای ادبیات فارسی را که در جهان شناخته شده‌اند، معرفی کنیم. برای مثال اثری مثل شاهنامه فردوسی را که اثر شناخته‌شده‌ای است و بومی می‌تواند آن را درک کنند. فرآیند قرار مهم تا جذب‌ت و انگیزه در آنها ایجاد کند. در مرحله بعد به آنها به‌تألیف ایرانی به آشنایی، فرهنگ این مروز و بستگی دارد.

استقبال از ادبیات معاصر ایران در کشور چین چگونه است آیا آنها آثار ادبی نویسندگان و شاعران معاصر ما را می‌شناسند. شما تا چه اندازه در دانشگاه به ادبیات معاصر می‌پردازید؟

همکاران قبلی من بیشتر بر ادبیات قدیم تأکید داشتند و من

جمله صادق هدایت، یزک علی، جلال آل احمد و صادق چوبک را معرفی کردم و در ترم دوم به آثار امیرمعاصر جمله پروین سقایی، سهراب سپهری و فرخنده فرزان‌پور و همچنین ادبیات معاصر از نیمه نعلی است و به خاطر سهولت واژه‌ها و مفاهیم، آسان‌تر آن را بی‌ابطه برقرار می‌کنند.

البته این‌کته را باید در نظر داشت. در بسیاری از کشورها مخصوص چین اینکه نسبت که آنها مطابق ادبیات فارسی باشد و به آموزش این روی آوردن، حقیقت این است که احساس می‌کنند، کشورهای زبان دارند. ایران را بی‌ابطه برقرار کند و این را زیاد در زمینه اقتصادی، اجتماعی و بازرگانی می‌بینند. البته این اشتباهی ندارد و می‌تواند انگیزه‌ای قوی برای آنها باشد. مگر چنین فرآز است به معاد کارشناس روزگنگر در حوزه ادبیات و فرهنگ ایرانی داشته باشند. مطمئن باشید همان‌قدر نخبه که در هر دوره جذب می‌شوند، برای لازم از خود اعتماد داشتند و از طرف دیگر این دوره‌ها می‌تواند برای روابط با چین کمک کند. به هر حال تأکید ما بر ادبیات معاصر است. چند آشنایی خارجیان با نشانکارهای ادبیات ما حافظ، فردوسی، معصدی، موسیقی و… ضروری است. در زمینه ادبیات کلاسیک هم درسی در حوزه ادبیات فارسی و ادبیات سهراب سپهری، فرخ و صادق هدایت در چین شناخته شده‌ترند و برای آنها جذاب‌تر است. متأسفانه ما در حوزه ادبیات جدید و معاصر در جهان آثاری در کشور‌های دیگر نداریم. آثار محمود دولت‌آبادی از زمان‌های معروف است چرا آنها را به‌راگه از شناسایی زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور نمی‌شناسند. ناآشنایی‌شان که می‌خواهند دوره ادبیات معاصر بخفین کنند. معنی این داشته باشد. باید آثار و محلات روز که در ایران چاپ می‌شود برای کرسی‌های زبان فارسی ارسال شود. این مراکز از گنستان و یوسان و… اطلاع شد اما درباره ادبیات روز ما معنی وجود ندارد. در گفتارشناسی که یک ماه قبل در چین برگزار شد، یک محقق ایرانی‌شناس طی بررسی‌هایی ثابت کرده که زبان فارسی به عنوان زبان اول چین در جاده ابریشم بوده

یعنی زمانی یک زبان جهانی بوده است.

به نظر شما بهتر است در آموزش زبان و ادبیات فارسی از محاوره‌ها شروع کنیم یا از ادبیات فارسی از ایران شروع کنیم؟

برای سطح ابتدایی استادان بومی می‌تواند مناسب باشد. اما در سطح عالی بهتر است از استادان ایرانی که با فرهنگ و تاریخ و ادبیات ایران آشنا دارند، استفاده شود. استاد ایرانی می‌تواند در جهت هم فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی مؤثر باشد و زیبایی‌های فرهنگ ایران را معرفی کند.

از فراخ‌الحمیلان رشته آموزش زبان فارسی برای آموزش زبان استفاده نمی‌شود، ممکن است آنها بتوانند مفیدتر و موثرتر باشند؟

باید از نتایج‌ان رشته آموزش زبان استفاده شود. کسانی که در

رشته آموزش زبان فارسی موفق بوده‌اند می‌توانند بهتر باشند. چون براساس تجربه‌های زبانشناسی کارایی‌شان زیاد را در آنگونه‌ها یعنی همان کسانی که در دنیا درباره زبان انگلیسی صحبت می‌کنند، مشاهده کردیم.

در صورتی‌که ادبیات آموزش زبان فارسی می‌تواند از یک قالب و الگوی کلی کتاب‌های آموزش زبان بهره گرفت و محتوای فارسی و فرهنگ ایرانی را در این قالب ارائه کرد؟

می‌توانم بگویم که برای واحد‌انتخاب کرد. ما باید الگوی کلی برای داشته باشد. می‌توان برای دانشگاه‌های شرقی و خاورمیانه یک الگوی مشخص و برای کشورهای آمریکایی و اروپای غربی الگوی دیگری داشت. تجربی‌ها به دنبال زبانی‌های از دست رفتنی هستند که در صورت گذشته، دانش‌اند اما به خاطر مغزوسم ما بی‌سخت می‌رویند. آنها را از دست دادند و این را می‌بایست یاد داشت. در واقع چنین الگوها را در نظر گرفت. ما ملایک احسان می‌شود که چین زبان فارسی را برای این ایجاد کرده که روابط اقتصادی اجتماعی داشته باشد، باید در کتاب‌های آموزشی این اصطلاحات و مباحث گنجانده‌اماد مورد کشورهای غربی فرهنگ، ادبیات و تاریخ ایران بیشتر مورد توجه است و باید به آنها پرداخت.

در پایان برنامه‌هایی را که در این سال‌ها در جهت گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج کشور صورت گرفته، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مورد کلی گسترش زبان و ادبیات فارسی رویه‌تعالی است چون این مراکز آمیختش است اما در حوزه ایرانی‌شناسی اویدا او موقن از آن کشور‌ها تحقیقات عمیق‌تری صورت گرفته و محضروارواد ایرانی‌شناسی حرف اول را می‌زند. چون در حوزه‌ای تخصصی را در کاتالوگی در ۱۰۰ صفحه منتشر شده که کتاب‌های ایرانی‌شناسی را در اروپا به زبان انگلیسی، فرانسوی و آلمانی در سال ۲۰۰۴ معرفی می‌کند و این تعداد آثار جایگزین جرایده‌ای در اروپاست.



الفبای ایران نرم افزار آموزش زبان فارسی



اینگونه نرم افزارها بوده است. مقدمات مدت زمان تولید نرم افزار دو سال بوده است. مقدمات شروع کار اواخر سال ۱۷۸۰ آغاز شده و اواخر سال ۸۰ نرم افزار آماده شده است. این عضو تیم تولیدکننده CD در خصوص مدت ساخت نرم افزار می گویند: «مدت ساخت نرم افزار تقریباً طولانی بود، اما با توجه به برنامه‌ای که ما برای تهیه آن داشتیم صرف این زمان طبیعی بود. ما برای تهیه نسخه‌هایی که از سه شهر ایران غیر از تهران می‌خواستیم به شهرها سفر کردیم و برای اینکه نسخه مطلوبمان را پیدا کنیم از منظره‌های زیادی فیلمبرداری کردیم تا در زمان تدوین فیلم موقت کم نداشته باشیم. پس از تولید نرم افزار نیز اسامید مختلف LCD را دادیم. به همه اینها مدتی که برای آهنگسازی CD جلسات که برای نحوه تهیه ۷۰ درصد آموزش فیلم و... صرف شد را نیز اضافه کنید. در کل یک تیم ۳۰ نفره روی نرم افزار کار کردند.»

مخاطبان این نرم افزار را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: گروه اول خارجیان هستند که به هر دلیلی در ایران زندگی می‌کنند. گروه دوم ایرانیانی که تعطیلات می‌آیند CD تهیه می‌کنند. گروه سوم ایرانیانی که نرم افزار را برای اقوامشان که در خارج از کشور زندگی می‌کنند، تهیه کرده‌اند.

جاویدان درباره توزیع نرم افزار اضافه می‌کند: «این CD

آموزش CDهای آموزش زبان فارسی با طرح جلدهای متفاوت و گاهی اوقات مشابه در فروشگاههای محصولات فرهنگی در قالب یک یا دو CD در حجم وسیعی عرضه می‌شوند.

طرح جلدهای متفاوت از این رو که شرکت های نرم افزاری، فرهنگی گوناگون باز شد زیادی که در سال های اخیر داشته‌اند، اقدام به تولید CDهای آموزش زبان فارسی کرده‌اند و طرح جلدهای مشابه از آن رو که وقتی یک CD آموزشی مورد توجه مخاطبان خود قرار می‌گیرد، غیر منتظره نیست که شرکت های دیگر طرح جلد محصول فرهنگی خود را مشابه شرکت اول بزنند.

اولین و یکی از موفق ترین نرم افزار های آموزش زبان فارسی الفبای ایرانه است. این ۸۰ آماده شد آموزش زبان الفبای ایران که اواخر سال ۸۰ آماده شد آموزش زبان فارسی همراه با واسط انگلیسی است. این نرم افزار توسط شرکت «رای مهر» تهیه شده است.

الفبای ایران شامل دو بخش مقدماتی و پیشرفته است. در بخش مقدماتی آن به آموزش حروف الفبا، کلمات ساده، ساختار جمله و افعال اختصاص دارد. در بخش پیشرفته این نرم افزار که در دو قسمت تولید شده است، ابتدا مخاطب در قالب ۱۶ درس با کلمات دیگری از زبان فارسی آشنا می‌شود. در قسمت دوم بخش پیشرفته مخاطب یک فیلم ۱۶ دقیقه‌ای از جاهای مختلف ایران می‌بیند که در هنگام دیدن آن علاوه بر آموزش زبان فارسی با مناطق مختلف ایران آشنا می‌شود.



مرجان جاویدان مدیر پروژه تولید نرم افزار درباره بخش های مختلف CD می‌گوید: «هر زبانی یک تعداد کلمه ابتدایی دارد، ما استفاده از زبان انگلیسی معادل کلمه فارسی را در شکل های تصویری، صوتی و آواگاری معرفی می‌کنیم. هفده درصد این نرم افزار آموزشی است. در این کار ۱۷۰۰ کلمه فارسی را به مخاطب آموزش می‌دهیم. آموزش این ۱۷۰۰ کلمه در دو شکل مقدماتی و پیشرفته است.»

یکی از بخش های قسمت آموزش پیشرفته نمایش فیلم ۱۶ دقیقه‌ای است. این فیلم در شهر های تهران، شیراز، اصفهان و کیش تهیه شده است. جاویدان در خصوص تهیه این فیلم توضیح می‌دهد: «در نظر داشتیم همزمان با آموزش زبان فارسی مخاطبان را با فرهنگ ایران آشنا کنیم.»

سعی شده در این فیلم بننده با موسیقی، رقص، پوشش و صنایع دستی ایران آشنا شود. در همین علت سعی کردیم برای تأثیر گذاری بیشتر فیلم نیز در حد استاندارد باشد تا مخاطب احساسی نکند یک فیلم سطح پایین می‌بیند. مشاور هنری ساخت فیلم آقای کلبیان بود.»

وی درباره تیم تولیدکننده الفبای ایران می‌گوید: «پس از اینکه شرکت تصمیم گرفت یک نرم افزار آموزشی تولید کند قرار شد از فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی خواهییم تا برای تهیه CD دانشگاه به ما معرفی کنند. استادان زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، دکتر کوروش صفوی، دانشناسان تکنولوژی زبان فارسی و گروه دکتری دانشگاه های مختلف ما را در تهیه نرم افزار همراهی کردند. زمان شروع کار از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی مورد استقبال قرار گرفت.»

شرکت رای مهر یک شرکت خصوصی است و در تهیه این نرم افزار با هیچ سازمان یا شرکتهای قراردادی بستنه است. این شرکت در سال ۱۳۷۳ تأسیس شده است. این شرکت که ISP نیز هست، بیشتر کارهای مفروضه در زمینه تولید نرم افزار انجام می‌دهد و این نرم افزار از معدود CDهایی بوده که شرکت خود تهیه کننده آن بوده است.

جاویدان درباره استفاده از مدل های نرم افزار های آموزشی در زبان های دیگر می‌افزاید: «منی شود گفت از مدل خاصی استفاده کرده ایم، اما تمام نرم افزار های که در خارج و داخل برای آموزش زبان مدیم برسی کردیم و از آنها کمک گرفتیم، این بررسی بیشتر برای آشنایی خودمان با نحوه ساخت



جاویدان درباره بازخورد مخاطبان نرم افزار توضیح می‌دهد: «در نهایت از آنچه تولید شد خیلی راضی بودیم، این رضایت فقط محدود به خودمان نبود. نرم افزار را برای افرادی که نمی‌شناختیم با ملیت های مختلف فرستادیم، در ایران هم با کسانی آشنا شدیم که مشکل زبان فارسی داشتند و کارکرد نرم افزار را روی آنها امتحان کردیم و نتیجه خیلی خوبی گرفتیم.»

نسخه ویرایش شده «الفبای ایران» در حال آماده سازی است. در این نسخه اشکالات نسخه قبل برطرف شده، نقل جدید روی CD گذاشته شده و دفترچه تمرین مخصوص آموزش خط فارسی و تعدادی عکس به آن اضافه شده است. این نسخه جدید به احتمال زیاد در پنجین مجمع استادن زبان و ادب فارسی در تاجیکستان توزیع می‌شود.

جاویدان در خصوص تهیه CD دوم این نرم افزار می‌گوید: «اگر توانیم بودجه حمایتی از سازمانی بگیریم حتماً این کار را می‌کنیم. بدون بودجه حمایتی نمی‌توانیم قدمی برداریم، ما هنوز توانسته ایم هزینه های اولیه CD اول را به شرکت بازگردانیم.»

وی درباره مشکلات تولید نرم افزار های آموزشی توضیح می‌دهد: «از مشکلاتی که در راه تولید اینگونه نرم افزار ها وجود دارد می‌توان به حجم عمده آموزش در قالب یک CD اشاره کرد. این مسأله باعث می‌شود اغلب نرم افزار های آموزشی شکل یک پازل پیچیده شوند. از دیگر مشکلات، محتوا خیلی ساده نرم افزار است یعنی دقیقاً برعکس مشکل اول. مشکل دیگری که در کار وجود دارد این است که شرکت های تولیدکننده این نرم افزار ها از روی کار های هم یکی می‌کنند. از دیگر مشکلات تولید این محصول می‌توان به نبودن متولی خاص برای آموزش زبان فارسی و مشکلاتی که متخصصان آموزش زبان فارسی با هم دارند اشاره کرد. این متخصصان عموماً هم‌دیدگر را قبول ندارند به همین علت واقعاً واضح نیست که سبک و روش آموزش کدام استاد صحیح است.»

شرکت رای مهر در نظر دارد که بخش های از نرم افزار را روی صفحات web قرار دهد.

فعالیت های مقدماتی این کار انجام شده است اما بعضی از قسمت های CD مانند فیلم آن با توجه به سرعت پایین اینترنت در بعضی کشور ها با مشکل روبه رو است.

تاکتون کتاب‌های متعددی برای آموزش زبان فارسی به خارجیان نوشته شده که اغلب آنها پیش بر تیاراب و آگاهی‌های شخصی مؤلفان و به شکلی بسفاهی بوده است. در نتیجه به‌رغم همه اوزن‌ها و تجربه‌های به‌دست آمده از این تألیفات، به دشواری می‌توان از آنها به‌عنوان معماری مبنی برای برنامه‌ریزی آموزشی‌ها و نیز تشخیص میزان **اوسخته‌های** زبانی دانش‌آموختگان خارجی زبان فارسی بهره برد. حال آنکه هر مؤسسه آموزشی حرفه‌ای ترجیح می‌دهد از منبع استاندارد بهره بگیرد تا نتایج با اهداف و تمایلات اصلی خود امکان برنامه‌ریزی و تعیین استانداردهای سطوح پیشرفت دانش‌آموختگان یا دانشجویانش را فراهم آورد.
کاتون زبان ایران‌ها راسه به کاتون پرورش‌گرفته کردگان و نوجوانان تجاری **پولانی** را در آموزش **زبان‌های انگلیسی، فرانسه و آلمانی**- در حال حاضر با زبمی بالغ بر ۲۰۰ هزار نفر در ۵۰ مرکز آموزشی- در کارنامه خود به ثبت رسامده است. هدفه ایجاد بخش فارسی اگرچه از سال‌های دور در این مرکز وجود داشته اما از سال ۹۰ مسجیح و چندی شد و سرانجام در سال ۸۰ با هدف ارائه شیوه‌های نوین آموزشی زبان فارسی بخش آموزش فارسی به غیر فارسی‌زبان‌ها شکل گرفت. این مرکز در تعریفی که برای فعالیت خود ارائه کرده **هر علاقه‌مند** به آموزش زبان فارسی را در نظر از ملیت و سطح سواد و تحصیلاتش در چرخه معاینان خود قرار داده است.

بخش فارسی کاتون آغازگر حرکتی نو

بخش فارسی کاتون با تشکیل گروه برنامه‌ریزی و نظارت بخش فارسی، متشکل از مدیر بخش، دو نفر از متخصصان آموزش زبان، یک نفر متخصص زبان شناسی و یک نفر مدرس با تجربه آموزش زبان فارسی و بهره‌گیری از اساتید دانشگاه‌های تهران شهید بهشتی و علامه طباطبائی به فعالیت پرداخت.
محمد تاسیری مدیر بخش فارسی کاتون زبان که در کارنامه خود، فعالیت‌هایی را در حوزه ادب و فرهنگ

از جمله معاونت دفتر انتشارات کمک‌آموزشی، سرمدیبری نشریه رشد و تألیفات گسترده‌ای در سوره کورک و مجروحان‌داد در تشریح برنامه‌های این بخش می‌گوید، با مقالات اولیه گروه کارشناسی بی به مشکل کمبود و حتی عدم مواد کمک‌آموزشی در حوزه آموزش زبان فارسی برویم. در واقع فرای حوزه از یک سوادآموزشی تولیدشده برحسب ذوق و سلیقه مؤلف بوده و از هیچ روش هماهنگی پیروی نمی‌کرد و از سوی دیگر هیچ نهاد یا آموزشگاهی متولی برقراری این هماهنگی و انسجام نبود.

بررسی و نقد روش‌های موجود این مجموعه را به نکات قابل تأملی سوق داد که در پیشتره و طراخی برنامه‌های بعدی کمک کرد. برای مثال متوجه شدیم که ما اساساً یک فرهنگ یک زبانه برای زبان‌آموزان تقاریم درحالی‌که در زبان‌های دیگر حتی وقت پیش از این کار انجام شده بود. از سوی دیگر در زمینه نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای برای توانموزان غیر فارسی‌زبان کار خاصی صورت نگرفته بود. از اینجا و با این پیش‌فرض‌ها بود که بخش فارسی کاتون فراتر از رسالت کالی خود که آموزش زبان بود در ابتدا امر به سوی تهیه و تکمیل مواد کمک آموزشی با ویژگی‌های یک اثر جذاب و مخاطب‌پسند روی آورد.

در همین زمان بود که کاتون در کنار تولید مواد کمک‌آموزشی که مهمترین نقطهٔ آن تعریف شده بود به راه‌اندازی و برپایی کلاس‌های ویژه آموزش زبان فارسی به شکل خصوصی برای مخاطبان محدود و خاصی خود پرداخت چرا که این دوره‌ها تنها بر روی سایت کاتون معرفی شده بود و فاقد گروه محدود و حامی نسبت به آن آگاه شده بود.

شروع کار با بسته آموزشی

با پیش‌زمینه‌هایی که به گفته تاسیری تکبوه و محرک اصلی گروه پژوهشی و عملیاتی بخش فارسی به حساب می‌آمد با تولید اولین بسته آموزشی که نتیجه ماهها تحقیق و پژوهش در این عرصه بود در این عرصه گام اول برداشته شد.

نخستین تولید این بخش بسته آموزشی با عنوان **تندآموز زبان فارسی** بود که تاسیری در توصیف و تشریح آن می‌گوید: این مجموعه از «معاضات درسیس توسط دکتر عرب‌طیان» که از کارشناسان و همکاران ثابت بخش فارسی است» برای گروهی تهیه شد که هیچ انگلیسی و پیش‌زمینه‌ای در حوزه زبان فارسی نداشتند. در این مجموعه اساساً سطح فارسی کاری گذاشتیم و پایه را بر این اساس گذاشتیم که یک شروع

باشد. در واقع با خط اولانگار و حروف لاتین آموزش شروع می‌شود و در اینجا محاورات ابتدایی زبان فارسی و کلیشه‌های اولیه دستور زبان آموزش داده می‌شود. این بسته آموزشی شامل کاست، کتاب و نرم‌افزار کامل چندرسانه‌ای است. این خودآموز توسط شخص مؤلف در همین مرکز برای گروهی آموزش داده شد.

مدیر بخش فارسی کاتون زبان دربارهٔ شیوه‌های دیگر برای آموزش زبان فارسی می‌گوید: ما برای بیشتر مخاطبیمان که در خارج از کشور پرکنده هستند اقدام به طراحی موبلی مدیای این کار کردیم که فراتر از کتاب آن بود. از قابلیت‌های این نرم‌افزار می‌توان دسترسی سریع و آسان به بخش‌های مختلف کتاب درسی، امکان بخش صدا در همه بخش‌های کتاب، بخش ۲۳ قطعه فیلم به مدت حدود ۱۶ دقیقه مربوط به بخش حفظ کتیب کتاب، امکان ضبط در چندین بخش نرم‌افزار، افزایش قابل ملاحظهٔ تصاویر درس‌ها در مقایسه با کتاب، واژه‌نامه مختصر به زبان فارسی و انگلیسی با تعداد تقریبی ۵۰۰ لغت و در نهایت آلبوم تصاویر ایران را برشمرد.

از دیگر تولیدات این مرکز تهیه نرم‌افزار چندرسانه‌ای **خواننده** است که برای سطح متوسط قدمتی و سطح متوسط یک بانک‌آموز دسترس به فضای تعاملی با استفاده از قابلیت‌های ایجادشده به منظور تعیین بیشتر تهیه شده است. این نرم‌افزار برای فارسی‌آموزانی مناسب است که با الفبای فارسی کاملاً آشنا هستند و واژه‌ها و دستور پایه فارسی را می‌دانند. دسترس سریع و آسان به بخش‌های مختلف درسی، واژه‌نامه کامل به زبان فارسی و انگلیسی و خط اولانگار با تعداد تقریبی ۱۳۰۰ لغت و همچنین پاسخنامه تشریحات از امکانات دیگر این نرم‌افزار می‌باشد. این دو نرم‌افزار از تولیدات بخش چندرسانه‌ای است که با هدف ارائه امکانات بیشتر به مخاطبان در راستای آموزش بهتر آنها تهیه و بر سرانگاری باقی نگه‌شده که استقبال مخاطبان از این محصول بیشتر از آن موفقیت‌گرمه مؤلف، در زمانه کاری خود و تزییب هر چه پیشتر این گروه به ادامه کار داشت.

فارسی عمومی کاتون که نتیجه چندین ماه تلاش مستمر گروهی کارشناس ادبیات و حاصل بررسی کتاب‌ها و منابع موجود بوده، تهیه شد که جلوه‌آل این کتاب پایان یافته و در مراحل آماده‌سازی است. این مجموعه شامل سه بسته آموزشی در سه سطح مقدماتی، متوسط و پیشرفته می‌باشد.

کاری به وسعت یک فرهنگ

عدم فرهنگ یک زبانه مناسب برای فارسی‌آموزان سوزولان کاتون را بر آن داشت تا در این زمینه نیز فعالیت کند. تاسیری در این باره می‌گوید: پس از بررسی و پژوهش بر روی منبع موجود در دستم که اساساً فرهنگ‌هایی که تولید و عرضه شده هیچ کدام بر اساس واژه‌های پرکاربرد گردآوری نشده و در واقع ذوق و سلیقه مؤلف در تنظیم و تدوین آن دخالت داشته است و این سازهٔ حاکی از عدم یک کار علمی و کارشناسانه در این زمینه بود.

در تهیه فرهنگ لغت‌هایی که در جهان وجود دارد و متداول است اصولاً یک پیکره لغت را در نظر می‌گیرند سپس برسدانترین و پرکاربردترین آن را انتخاب و در تدوین مجموعه به کار می‌برند.

برای مثال برای تشکیل فرهنگ لغت انگلیسی ۲۰۰ میلیون لغت رایج از گردآوری و از میان آن پرسدانتترین‌ها را انتخاب کردند و حاصل آن فرهنگ لغت رسمی است که در کشور ما نیز به فروانی یافت می‌شود.

بخش فارسی کاتون برای نخستین بار در ایران به پایز آقای حمید حسینی از مؤلفان و ویراستاران فرهنگ بزرگ سخن پیکره یک میلیون لغت فارسی را از کتاب‌های کورک گرفته تا مجموعه‌های حاصل آن فرهنگ لغت رسمی است که در کشور ما نیز به فروانی میلیون واژه، واژه‌های پرکاربره را که زبمی بالغ بر هشت هزار واژه بود انتخاب کرد که در سال جاری منتشر خواهد شد. از دیگر دستاوردهای این مجموعه که در حال آماده‌سازی می‌باشد، فرهنگ زبان پنج هزار لغتی یک زبانه فارسی است که تحت نظر آقای پژوهشگرزبان‌شناس و ویراستاران فرهنگ بزرگ سخن- تهیه و سال آینده به بازار خواهد آمد. ویژگی برجسته این فرهنگ، زبان و نثر ساده تعریف شده و به کاره‌ه است که قابلیت‌ها و کاربرد آن را افزایش بی‌دهد.

برنامه‌ای برای خواندن

از فعالیت‌های دیگر این مرکز که پیش از این در بخش تولیدات نرم‌افزاری دربارهٔ آن صحبت کردیم، مجموعه‌ای با نام **خواندن است**- مجموعه‌ای دوجلدی (در حال حاضر) که با هدف افزایش مهارت خواندن و شنیدن با کمک سیستم صوتی تهیه شده در نرم‌افزار آن، دو دو سطح مقدماتی و متوسط طراحی شده است. این کتاب متشکل از یک مقدمه کوتاه، تشرین‌های درک مطلب و واژگان است که به تکنیک هر درس آمده است.

مجموعه خواندن مواند فارسی مقدماتی ۱۶جلد است که در حال حاضر ۱۲ جلد آن منتشر شده و ۲ جلد دیگر آن زیر چاپ است. این کتاب‌ها که در انتخاب آنها شرایط آموزشی مود نظر بوده عبارتند از:
مراثی، سیب، بلبل و بلبل و بلبل، سراسر ادبیات، سندی، نقش جهان، شیرین و فرهاد، حمای و حلیون، تقاضای ارفی، مایانه، توری، مولوی، عمو نوروز و ویرایی ونی.

مجموعه خواندن دوم که برای سطح متوسط در نظر گرفته شده و تقریباً نیمی از آن آماده‌شده شامل شش جیون مدیر مدرسه، بیون وینزه، بیابان‌های ایران، سنت خوزداری، «کتر معین، موسیقی ارفی و زهورتربا می‌باشد.

در اینجا پرسشی مطرح است که آیا در تهیه و تنظیم مواد کمک‌آموزشی تعریف خاصی از منابع شده و برای آن دوره خاصی متون تهیه می‌شوند یا انتخاب این منابع بر اساس معیار و سطح آشنایی مخاطبان در نظر گرفته می‌شود که مدیر بخش فارسی در توضیح آن می‌گوید: باید در بحث آموزش به تفاوت میان مقوله زبان و ادبیات واقف باشیم چرا که ما در اینجا باید به آموزش زبان پردازییم و زبان آموز پس از طی سطح مقدماتی و متوسط خواندن و شنیدن چیزی حدود ۱۰۰۰۰۰۰ ساعت آموزش مفید را باید دریافت کند تا بتواند واژه‌مرحله درک ادبیات بشود و ما طبق برنامه‌ریزی کارشناسی از این نتیجه رسیده‌ایم که مقوله ادبیات و حوزه‌های غنی تر از سطح پیشرفته به کاربیریم چرا که مخاطب قبل از کاراندن مراحل ذکر شده قدرت درک ادبیات را ندارد.

کاتون زبان در پایه تأکیدانی که در چهار جمع پیشین مبنی بر فراهم کردن مجموعه‌ای برای ترقی خواندن غیر فارسی‌زبانان شده بود و همچنین احساس نیاز در این مجموعه در پایان سال جاری ۵۰



عنوان کتاب با هدف ارتقای سطح خواندن و لذت بردن از شنیدن تهیه و به بازار عرضه خواهد کرد. این بخش همچنین مراحل تهیه سه جلد کتاب واژه‌آموزی برای سه سطح مقدماتی، متوسط و پیشرفته است که این مجموعه تا تلاش مهناز عسگری و گروهی از همکاران کاتون زبان در دست تولید است که در مراحل تهیه و تکمیلی قرار دارد و در سال جاری به بازار عرضه خواهد شد.

ارتقای برک به کمک تصاویر

تهیه و تولید فرهنگ تصویری با تلاش دکتر مصطفی موسوی از کارشناسان ثابت بخش فارسی کاتون یکی دیگر از افتخارات این بخش است که تا پایان ماه جاری چاپ خواهد شد. محمد تاسیری با اشاره به ویژگی‌های منحصر به بود این اثر، فرهنگ تصویری را الگوانه معرفی می‌کند. ویژگی تصویر در اقلیمی معنا و مصداق واژه‌ها به جهت وضوح و جذابیت، طیف مخاطبان فرهنگ تصویری را نسبت به فرهنگ‌های دیگر، گسترده‌تر می‌کند. از این رو مخاطبان از رهنگ تصویری منحصر به گروه سنی خاص یا سطح خاصی از زبان‌آموزان نمی‌باشند. از آنجایی که مخاطبان اصلی این کتاب، عموماً در کشورهای خود به آموزش زبان فارسی می‌برازند و برای مدت کوتاهی به ایران می‌آیند لازم است مجموعه‌ای از واژگان پرکاربره و ضروری انتخاب شود که موضوعات عام را شامل شود و در نهایت نشان دهنده محیط زندگی آنان و رسوم و روش زندگی ایرانیان باشد. این فرهنگ موضوعی است و فهرست الفبایی واژگان در انتها کتاب آمده است.

در هر حال با وجود تمام کارهای انجام شده هنوز شاهدیم که اشکالات و نواقص زیادی وجود دارد که برای نمونه می‌توان به نبود دستور زبان مناسب برای غیر فارسی زبان، عدم منبع مناسبی برای آموزش محاوره و از سوی دیگر نبود فرهنگ استاندارد در خصوص آموزش زبان فارسی که بر اساس آن معیار سطح و میزان دانش زبان و مهارت‌های زبانی توانموزان یا آن جمله، شیوهٔ آهنگ، کوردیچا که می‌شود سطح مقدماتی و متوسط سطح مقدماتی، سطح متوسط و مهارت‌های گردهایی چون بخش فارسی کاتون با یک کار علمی و مبنی بر تحقیق این معضلات و نواقص زیربطف خود.



مازهم مشگل هميشگی توزيع

با در نظر گرفتن توضیحاتی که از سوی مدیر بخش فارسی کتابن ارائه شد این موضوع مطرح می‌شود که حال کلون با توجه به حجم گسترده تولیدات مواد کمک آموزشی و تلاش برای ارتقای این حوزه چگونه به انتقال و عرضه این محصولات به خریداران و متقاضیان خود در سراسر دنیا نیز می‌پردازد.

مدیر بخش فارسی کتابن درباره توزیع تولیدات این بخش می‌گوید: مراکز مهمی که در زمینه گسترش زبان و ادبیات فارسی فعالیت می‌کنند یک برنامه کلان ملی و حوزه عملی خود ندارند، یعنی برنامه خاصی وجود ندارد که طبق آن بازاریابی از کتابهای ترویج کنیم و به مخاطب برسد چرا که در این مقوله چیره‌دستان با راننده و معنادار فعالیت می‌کنند که هماهنگی خاصی با هم ندارند و هدف تعریف‌شده‌ای را بر سر نوحه عملکرد خود ارائه نکرده‌اند.

فکته بعد اینجاست که در رابطه با آموزش زبان فارسی به نسبت مخاطبان بافعل و بافلقه‌ای که در سراسر دنیا داریم خیلی کم کار کرده‌ایم چرا که ۱۰۰ میلیون گویش در در سراسر دنیا داریم و این حجم کار جواریگی نیاز گسترده مخاطبان نیست.

کانون پرورش گفتری کودکان و توجو اتان دارای یک شبکه بسیار گسترده عرضه محصولات در سراسر کشور می‌باشد که در کنار عرضه محصولات ویژه کودکان عرضه تولیدات بخش فارسی را نیز بر عهده دارد و این خود باعث ایجاد این مشکل می‌شود چرا که طبق مفهیم مخاطبان

مراجمه کننده به کانون کودکان و توجو اتان فارسی زبان هستند که عرضه محصولات برای غیر فارسی زبانان را تحت الشعاع قرار می‌دهند.

مشکل دیگری که وجود دارد این است که ما تولیدات و محصولات را در سایت کانون پرورش و پرودبی بر روی سایت شورای گسترش علمی، خوامی کودکان و مراکز مدنی قرار می‌دهیم و ما برای متقاضیان دریافت محصولات در خارج از کشور حساب آری تادیم و عملیات بر عهده و تقاضا دچار مشکل شده است.

در موزگی که می‌توانند در توزیع و عرضه محصولات، در خارج از کشور منسجم و منظم عمل کنند و با حد زیادی گره از مشکل عرضه ما بکشند اینک نیازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی است که می‌تواند با پیش خرید بخشی از محصولات ما و عرضه آن توسط نمایندگان و اربابان‌های فرهنگی خود به سرعت بخشیدن این روند کمک کند. وزارت امور خارجه نیز از طریق نمایندگان خود در کشورهای دیگر می‌تواند بسترا و زمینه‌های این عرضه را فراهم کند.

انستجم چیز ایبر اکرده

ناصری در پایان می‌گوید: اشاره به این نکته مهم است که با وجود همه کارهایی که صورت گرفته هنوز در کشور بزرگی مثل آلمان یا حجم گسترده زبان آموزان فارسی هنوز شاهد این مسأله هستیم که کتاب‌های بزرگ علوی که تألیف ۵۰ سال پیش است به عنوان منبع درسی مورد استفاده قرار می‌گیرد یا از طرف دیگر در کشور فرانسه از کتاب‌های بیستون استفاده می‌شود و در کشورهای دیگری چون ارمنستان و آمریکا که بیشتر مراکز آموزش فارسی را دارا می‌باشند هیچ‌گاه این را نباید فراموش کنیم که فرزندان نسل دوم مهاجران ایرانی به کشورهای خارجی که رخص می‌شود را در بر می‌گیرد هیچ منبع جذاب و قابل توجهی برای آموزش زبان فارسی و حفظ این هویت ملی در اختیار ندارند و این در صورتی است که کتاب‌های رقیب در زبان‌های دیگر چنان قوی ظاهر شده‌اند که هر گونه فعالیت و حرکتی را در این حوزه منسخر بر برنامه روزی و کار کارشناسی کرده‌اند.

پس آنچه در این میان آزار دهنده است این نکته است که هر چند والدین این فرزندان دغدغه آموزش زبان مادری را به فرزندان خود دانش‌اند اما شاهدیم که این تلاش و کسود هر آنچه رشته شده را به نیت

بنا بر این آنچه ضروری به نظر می‌رسد تصمیم برنامه ملی جهانی است که بر اساس آن بتوانیم کام به کام و هماهنگ با آنچه به عنوان هدف در نظر داریم حرکت کنیم و با شناخت دقیق از نیازهای متقاضیان و آگاهی نسبت به حرکت دیگر زبان‌ها یک چالش برانگیز، جذاب و متنوع طرح کنیم. در این میان شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی به نظر همان محور مرکزی و معنوی است که باید با تدوین سیاست کلی در این حوزه جزایر پرکنده و نامهماهنگ را به یک انستجم و نظم مشخص برساند.

دوت و دو

ادبیات فارسی در ایتالیا

در گفت و گو با ریکاردو زیبولی



ریکاردهو زیبولی متولد ۱۹۵۲م، استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه وینز و رئیس گروه مطالعات اروپایی- آسیایی است که در حوزه عکاسی و پژوهش و ترجمه آثار ادبیات فارسی فعالیت دارد. رزمیندی و رزمگشایی در شعر فارسی ۱۹۸۸م، فن جواب؛ پاسخگویی‌های امیر علیشیر ثوابی به حافظ و جامی ۱۹۹۳م، سهم خواجه نصیرالدین طوسی در تکمیل نظریه قافیه در شعر عربی و فارسی ۲۰۰۳م، و ترجمه کتاب قاپورستانه و ترجمه تعدادی از اشعار شاعران سبک هندی به ایتالیایی از آثار اوست. او همچنین ترجمه مجموعه شعر «همراه با باد و برگ و در کمین» از عباس کیارستمی را در ایتالیا انجام داده است. کتاب «تا شقایق هست» نیز مجموعه‌ای از عکس‌های زیبولی و اشعار سهراب سپهری است که انتخاب اشعار هم توسط او انجام شد و زنده‌باد کریم امامی هم این اشعار را ترجمه کرده است. این کتاب چندی پیش از سوی انتشارات زورین و سمین منتشر شد. گفت‌وگویی با ریکاردو زیبولی درباره وضعیت زبان و ادبیات فارسی انجام داده‌ایم.

وضعیت زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های ایتالیا چگونه است؟ چه تعداد دانشجوی زبان فارسی در این کشور وجود دارد؟

چهار دانشگاه اصلی در ایتالیا وجود دارد که می‌توان زبان و ادبیات فارسی را در آنجا مطالعه کرد؛ یلونیای تاپلی، رم و وینز. تعداد دانشجویان زبان و ادبیات فارسی سالیانه متغیر است ولی می‌توان گفت که سالیانه صد دانشجوی در این رشته در ایتالیا مشغول به تحصیل می‌شوند که از این میان فقط تعداد کمی در حدود ۱۰ نفر یا کمتر مدرک خود را در زبان فارسی می‌گیرند. مدت تحصیل این رشته حدود یک تا دو سال زمان می‌برد، معمولاً زبان اصلی دانشجویان عربی است.

چه کتاب‌هایی در این دانشگاهها تدریس می‌شود؟ سهم ادبیات کلاسیک و معاصر در این میان چگونه است؟
ما از کتاب‌های زیادی به زبان فارسی یا دیگر زبان‌ها استفاده می‌کنیم. کتاب‌های فارسی نثر و نظم کلاسیک و معاصر را می‌خوانیم. در سال گذشته فشار و حساسیت بیشتر روی متون معاصر بوده است.

چه آثار فارسی‌ای تاکنون در ایتالیا ترجمه شده است؟ ایتالیایی‌ها چقدر با ادبیات فارسی معاصر آشنایی دارند؟

در طول ۲۰ سال گذشته تعداد کتاب‌هایی که از زبان فارسی به ایتالیایی ترجمه شده روند صعودی قابل توجهی داشته است. کتاب‌های ترجمه‌شده پیش از این بیشتر روی منظومات کلاسیک مانند شعرهای سعدی، حافظ، نظامی، عطار، سنائی، مولوی، خیام و… متمرکز شده بود اما اکنون توجه جدی‌ای به نویسندگان معاصر نشان داده می‌شود. نویسندگان و شاعرانی مانند سهراب سپهری، صادق هدایت، عباس کیارستمی، فروغ فرخ‌زاد و… از مطرح‌ترین نویسندگان معاصر در ایتالیا هستند. واضح است که میزان علم و آگاهی ایتالیایی‌ها از ادبیات معاصر ایران بستگی به نوع ترجمه دارد. می‌توان گفت هنوز ایتالیایی‌ها در درباره ادبیات معاصر ایران زیاد نمی‌دانند.

شما آثاری از ادبیات کلاسیک و معاصر ایران ترجمه کرده‌اید. این ترجمه‌ها تا چه حد به معرفی ادبیات ایران کمک می‌کند؟
من مطمئنم که ترجمه متن‌های مهم می‌تواند کمک بزرگی به شناساندن یک فرهنگ به فرهنگ‌های دیگر کند. خصوصاً آنکه می‌کنم که یک دانشمند بدون در نظر گرفتن تخصص او باید دانش و آگاهی مختصر و ابتدایی از ادبیات معاصر و کلاسیک داشته باشد. این تنها راهی است که می‌توان ایده کامل تری از کشوری که بر روی آن مطالعه می‌کنید به دست آوردید.

پیش‌عده فعالیت شما عکاسی است. به نظر شما چگونه می‌توان از طریق آثار هنری مثل فیلم، تئاتر و موسیقی به شناخت زبان و ادبیات فارسی کمک کرد؟

بدون شک فعالیت‌های هنری مانند موسیقی، سینما و تئاتر می‌تواند در شناخت خصلت یک ملت کمک زیادی کند. اینجا من ترجیح می‌دهم که درباره اهمیت فعالیت‌ها عکاسی حرف‌های بیشتری بزنم. من متقاعد شده‌ام که هر کس می‌خواهد درباره فرهنگ یک کشور مطالعه کند اول باید با مشخصات جغرافیایی آن کشور مانند نقشه و منظره‌های آن آشنا شود. من همچنین صعیقاً متقاعد شده‌ام که دانش و آگاهی از چشم‌اندازهای ایران برای آشنایی بهتر با ادبیات این کشور یک نیاز ابتدایی است. نگاه کردن تصاویر باعث می‌شود بیشتر درباره نظم و شعر کلاسیک مفادیک دارد که باعث می‌شود بیشتر روی شعرهای سبک‌های مختلف فکر کنیم. سبک‌هایی مثل خراسانی.

البته آشنایی با تصویر منظره‌های ایران می‌تواند به شناخت شعر معاصر هم کمک کند. شناخت شعر شاعران معاصر که در رأس آنها سهراب سپهری قرار داد برای همین موضوع است که من معمولاً دوره‌هایی را با بعضی درس‌ها درباره چشم‌اندازها و مناظر ایران شروع می‌کنم و از عکس‌های کیارستمی و خودم استفاده می‌کنیم. با نگاه کردن عکس‌ها ارتباطی با شاعران ایران برقرار می‌شود.

به هر حال مناظر و چشم‌اندازهای بسیار زیبایی در ایران است که توصیف و تشریح این صحنه‌ها اعتماد به نفس بیشتری به دانشجویان می‌دهد که مطالعات خود را ادامه دهد.
عملکرد شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی را در ایتالیا چگونه ارزیابی می‌کنید، برگزاری مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی چه تأثیری در گسترش زبان و ادبیات فارسی دارد؟

شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در ایران نقش اساسی در ارتشاد دانش زبان و ادبیات فارسی دارد. این شوروی می‌تواند با یکاه مرجعی درباره زبان و ادبیات فارسی باشد که متخصصان ایرانی و خارجی زبان و ادب فارسی به آنجا مراجعه کنند. این مرکز راهی برای گسترش و پیشرفت‌های مهم در زمینه مطالعات ایرانی هاست و این مطالعات می‌تواند برای ایجاد بین‌المللی استادان فارسی‌زبان به‌طور عینی قابل استفاده باشد. شورای گسترش زبان و ادب فارسی به پروژه‌های عینی و مؤثر احتیاج دارد.

شما چه آثار دیگری در دست ترجمه و تألیف دارید؟

الان من تقریباً ترجمه کتاب «نور معرفت» سروده بیدل دهلوی را تمام کرده‌ام و خودم را برای جمع‌آوری اشعار ججو و مزمل از اول قرن نوزدهم آماده می‌کنم.

تولید کتاب‌های جدید

۲۱

شماره ۲۳۳

۱۹ شهریور ۱۳۸۳

تولید کتاب‌های جدید

شماره ۲۲
۱۹ شهریور ۱۳۸۶
کتابخانه دیجیتال

کتاب

گونه‌های نوآوری شعر معاصر

گونه‌های نوآوری شعر معاصر
ایران تألیف دکتر کادوس حسن‌لی از سوی نشر نشت با همکاری انتشارات دیربخته شورای کشتش زبان و ادبیات فارسی منتشر شده است. مؤلف این کتاب دریک مقدمه مفصل به جریان‌شناسی شعر معاصر پرداخته و شعر پیش از نیما، نگاه و رفتار نیما و شعر پس از نیما را مورد بررسی قرار داده است. در بخش شعر پس از نیما، موج نو و شعر جمجم، شعر پریکی، شعر تجسمی و موج ناب، شعر انقلاب اسلامی، شعر گفتار، شعر دهه هفتاد و ویژگی‌های آن و شعر حرکت را توضیح می‌دهد و به تأثیر شعر پست‌مدرن، غریب بر شعر پیشرو ایران هم اشاره می‌کند.

پس از این مقدمه نوآوری در شعر معاصر ایران در چهار فصل بررسی شده که به ترتیب، نوآوری در حوزه زبان، نوآوری در شکل، فرم و ساختار، نوآوری در صور خیال و نوآوری در معنا و محتوا پرداخته شده و در فصل پایانی مؤلف نوآوری در قالب‌های گذشته شعر فارسی را توضیح می‌دهد. نویسنده کتاب برای تألیف این اثر از منابع مختلف بهره گرفته که فهرست منابع در پایان کتاب آمده است. گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران در ۵۱۰صفحه با شمارگان ۲۲۰۰ نسخه سال گذشته منتشر شد.

چشم‌انداز شعر معاصر

چشم‌انداز شعر معاصر ایران
نوشته دکتر سیدمهدی زرقانی کتاب کشتش زبان و ادبیات فارسی در زمینه ادبیات معاصر منتشر شده است. این اثر از سوی نشر ثالث با همکاری انتشارات دیربخته شورای کشتش زبان و ادبیات فارسی با شمارگان ۲۲۰۰ نسخه در ۷۴۰صفحه انتشار یافته است.

معیارهای بیرون متنی نقد شعر (مختصر در حافظه تاریخی قوم، سطح مخاطبان، تنوع گفتار، گستره مخاطبان و تأثیر شعر بر فضای عمومی فرهنگ)، معیارهای درون‌متنی نقد شعر (موسیقی، طعنه، زبان، صور خیال، اندیشه شعری، فرم بیرونی و فرم زبانی) و ویژگی‌های تکرری فرهنگی ایرانیان در روزگار معاصر (استد شکلی، شائب تغییر جهان بینی، تغییر دوق جمعی، وقت کم، مشغله زیاد)مباحث است که درفصل اول کتاب آمده است.

مؤلف پس از این مطالب دوره‌هایی را برای شعر معاصر فارسی نام می‌برد که عبارتند از حلقه‌های آخر، در قلمرو جدید، زیر خاکستر، فرزندان قیوس، قنوس در آتش و در آستانه فصلی سرد

نویسنده وضعیت عمومی هر دوره را تشریح می‌کند و عوامل بیروندستی و درون‌متنی اثرگذار و جریان‌های شعری هر دوره را با ذکر نمونه‌های شعری و شاعران هر جریان به طور مفصل توضیح داده است. کتابنامه‌ای هم در پایان آمده که نشان می‌دهد مؤلف از منابع بسیاری استفاده کرده است.

خبر

المپیاد ادبی فارسی برگزار می شود

«المپیاد ادبی فارسی» به زودی بلند بزرگ المپیادهای به صورت سراسری اجرائی برگزار می‌شود. علی‌اصغر محمدنعمانی، مدیرکل و برگزارکننده کشتش زبان و ادبیات فارسی با اعلام این خبر گفته: درصدد هستیم یک مسابقه سراسری برای دانش آموزان کشتش زبان فارسی هر ساله برگزار کنیم. این المپیاد در کشورهای مانند ایران، تاجیکستان، افغانستان و کشور خوهمان برگزار می‌شود. محمدحاجی دربار هدف برگزاری این المپیاد اضافه کرد: هدف از برگزاری این المپیاد افزایش سطح سواد، آموزش و کشتش زبان فارسی در دنیااست. وی در خصوص دیگر برنامه‌های شورا و مرکز گفته داد: در برنامه هیأتان تشکیلی اجنح دوستداران زبان فارسی، به صورت NGO نیز در کشورهای مختلف وجود دارد. کشورهای مانند ترکیه، پاکستان و بلژیکلا از جمله کشورهای هستند که اجنح دوستداران زبان فارسی در آنجا تشکیلی می‌شود.

نشریه کتاب هفته طی سال‌های انتشار خود، توجه خاصی به زبان و ادبیات فارسی داشته است. هر شماره از کتاب هفته را که به بوق برنیم، اخبار، مطالب و نوشته‌های مختلفی با دو حوزه آثار زبان و ادبیات فارسی می‌بینیم که به معرفی نقد و بررسی آنها پرداخته‌اند و اطلاع‌رسانی در حوزه وییادهای مرتبط با زبان و ادبیات فارسی و آثار منتشر شده با تحقیقات در این زمینه همواره یکی از دغدغه‌های کتاب هفته بوده است. بنابراین پرداختن به مطالب زبان و ادبیات فارسی کتاب هفته نیاز به تفروری و بررسی تمام شماره‌های این نشریه دارد اما از آنجا که این کار ممکن و پسر نیست تا فهرسی از مطالب زبان و ادبیات فارسی مرور شود ویژه‌نامه‌های هفته به نمایند

بهارمین مجمع بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی را موردی می‌سیم و از آنجا که این ویژه‌نامه‌ها به دست بسیاری از علاقه‌مندان زبان و ادبیات فارسی رسیده‌اند، با این کار می‌توان

به معرفی مختصر آنها پرداخت همزمان با چهارمین مجمع بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی که از ۲۸ تا ۳۰ بهرماد در تهران برگزار شد. کتاب هفته سه شماره ویژه‌نامه منتشر کرد

شماره اول

در اولین شماره این ویژه‌نامه پیشینه مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی و نحوه برگزاری مجمع در دوره‌های گذشته آن آمده است. فعالیت شورای کشتش زبان و ادبیات فارسی به عنوان نهاد سیاستگذار و برنامهنویز در امر آموزش و کشتش زبان و ادبیات فارسی در کشورهای دیگر مطلب دیگر این شماره‌است که به‌نحوه‌شکل‌گیری شوراااضعای شوراهای مؤلف در حوزه کشتش زبان فارسی، تاریخچه و وظایف شورا پرداخته و فعالیت‌های شورای کشتش را در طول ۱۶سال، مورد بررسی قرار داده‌است. وظایف و فعالیت‌های مرکز کشتش زبان فارسی وابسته به وزارت امور خارجه، دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، اداره کل آموزش و پرورش مدارس خارج از کشور، سازمان صدام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و امور بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی نیز به عنوان دستگه‌های اجرایی شورای کشتش در این نوشته آمده و در پایان هم چشم‌اندازهای پیش‌روی شوراییان شده است.

گفت‌وگو با دکتر مصطفی موسوی مجری طرح کتابخانه دیجیتال فارسی (پایگاه اینترنتی متون فارسی)مطلب دیگر این شماره است که در آن دکتر موسوی به تشریح طرح پایگاه متون فارسی که در آن زمان، آغاز فعالیتش بود امروز به بخشی از این طرح به نتیجه رسیده پرداخته است.

موضوع دیگری که در این شماره ویژه‌نامه مورد توجه قرار گرفته کشفهت زبان و ادبیات فارسی با هنر و کشتش و آموزش آن از طریق هنر است. به این منظور گفت و گوئی با خسرو سینیایی کارگردان سینماانجام شده و در آن مباحثی درباره عناصر مشترک سینما و ادبیات سینمایی شاعرانه، آموزش زبان و ادبیات فارسی به کمک سینما و فیلم آموزشی فارسی در گفتار ساخته سینیایی پرداخته شده است.

ادبیات فارسی و موسیقی دستگاهی و ساختارهای مشترک آنها و تعامل زبان و موسیقی مطلب دیگری است که رابطه زبان فارسی و موسیقی را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این نوشته‌ها به پیوند عمیق موسیقی و زبان، موسیقی و ادبیات ایران و شعر و موسیقی پرداخته شده است.

گفت و گوهای با مهمانان خارجی مجمع چهارم از کشورهای مختلف انگلستان، هند، روسیه، ترکیه، اردن، تاجیکستان و چین درباره زبان و ادبیات فارسی در آن سرزمین‌ها،مطلب دیگر این شماره ویژه نامه مجمع چهارم است.

وضعیت زبان فارسی در دنیا ی اینترنت نوشته دیگر این شماره است. در این نوشته به تهدیدات اینترنت برای زبان اصیل جوامع مختلف از جمله زبان فارسی پرداخته شده است. مهمان دلدگ کاربران زبان فارسی در فضای اینترنت و ویژگی‌های فضای اینترنت بری به کارگیری زبان مطابق با شرایط آن از نکات دیگر این نوشته است. در این

دغدغه کتاب هفته

مطلب به سکون و عدم توجه ربه جلوی زبان فارسی در سال‌های اخیر و ناآبرپایی از شیوه‌ها و سبک‌های ادبیات غرب اشاره و بر بهره‌گیری زبان و ادبیات فارسی از فضای اینترنت تأکید می‌کند.

محیطیت روزافزون مولوی و حافظ در میان شاعران امریکایی عنوان نوشته دیگر این ویژه‌نامه است که به جایگاه مولوی و حافظ در کشور امریکا ترجمه آثار این بزرگان شعر فارسی در این کشور پرداخته

و اشاره به مضامین و محتوای اشعار مولوی و حافظ، دل‌آلی محیطیت آنها را در دیگر کشورها مورد بررسی قرار داده است.

گفت‌وگو با دبیر چهارمین مجمع بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی درباره نحوه و برگزاری مجمع نیز در این شماره آمده است.

شماره دوم

در شماره دوم ویژه نامه چهارمین مجمع، گزارش روز اول مجمع آمده است؛ سخنرانی وزیر فرهنگ و ارشاداسلامی پرومون موفیعت جهانی زبان فارسی، سخنرانی دکتر حسن حبیبی رئیس بنیاد ایرانشناسی درباره زبان فارسی، خط ووزن کاک و سخنان دکتر علامعلی حدادعلان وزیر وقت فرهنگستان زبان و ادب فارسی از مطالب این شماره است. توجه به هویت واسمه گویندگان و نویسندگان فارسی در نقاط مختلف جهان، ترجمه آثار فارسی، مبادی و ارتباطات دینی کشورهای فارسی زبان و تحول زبان فارسی با غرض جدید وروبه کشتش زبانه و شبکه‌های بین‌الملل را پدایه‌ای نکات عمده‌ای بود که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس چهارمین مجمع در سخنان خود بر آنها تأکید داشته است.

رئیس وقت فرهنگستان زبان و ادب فارسی هم در این مجمع از تأسیس مرکزی برای ایجاد هماهنگی در اصطلاحات زبانی کشورهای ایران، افغانستان و افغانستان با همکاری رستگو در آینده خبر داده بود.

گفت و گوهای با رئیس گروه خاورشناسی دانشکده استراسبورگ، استاد دانشگاه مستشرق، استاد زبان و ادبیات فارسی فرانسه و استاد دانشکده امریکایی زاین درباره وضعیت کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی و آموزش آن در این دانشگاهها مطلب دیگر شماره دوم ویژه نامه مجمع چهارم است.

ترجمه نوشته‌ای درباره دیک دیویس استاد زبان و ادبیات فارسی در کشورهای مختلف و مترجم اشعار فارسی و ایتالیایی نیز در این ویژه‌نامه آمده است. گزارش نشست‌های روزاول مجمع چهارم و خلاصه مقالات ارائه شده در این روز مطلب دیگر این شماره است.

شماره سوم

گزارش دیدارهای نمایندگان افغانستان، تاجیکستان و عرب‌ها با وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در جهت کشتش تعامل فرهنگی بین این کشورها و کشتش زبان و ادبیات فارسی، گفت‌وگو با مؤلف دانشنامه ادب فارسی درباره این دانشنامه، گفت و گوهای با مهمانان خارجی زبان و ادبیات فارسی از مطالب شماره سوم ویژه نامه مجمع چهارم است.

گزارش جامع و کامل فرهنگستان زبان و ادب فارسی مطلب دیگر این شماره است که در آن تاریخچه فرهنگستان اول، دوم سوم و اوله گزینی، گویش‌شناسی، فرهنگ نویسی و دانشنامه نویسی، روابط بین‌الملل فرهنگستان، کتابخانه فرهنگستان، فعالیت گروه‌های شماره هفت در فرهنگستان و وظایف این مجموعه بیان شده است. گزارشی تحلیلی در خصوص رسم الخط زبان فارسی، گزارش نشست‌های آموزش زبان فارسی، مسائل و مباحث زبان فارسی و زبان فارسی در جهان، مطلب دیگری است که در این شماره آمده است.

گفت‌وگو با دبیر کرسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آکسفورد درباره مطالبات زبان فارسی در دانشگاه آکسفورد و از آغاز فعالیت این کرسی مطالبی پرومون‌الدیده زبان لری و کلام فارسی مطلب دیگری است که در شماره سوم ویژه‌نامه چهارمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی آمده است.

یک روز گرم با میهمانان زبان فارسی

بعد از ظهر پخشیه داغ تیرماه به میهمانسرای ایران‌شناسی در خیابان زاکری، روی‌روی دفتر روزنامه شرق می‌روم. در که باز می‌شود صدای ساز را می‌شنوم. صدای سه‌تار نیما جان‌محمدی، راهنمای دوره دانش‌آزایی است که در ساختمان چیده است. چند دقیقه‌ای می‌نشینم و به صدای ساز گوش می‌دهم. میهمانسرای ایران‌شناسی، بیرون دانشجویان علاقه‌مندان زبان و ادبیات فارسی است که برای گذراناندن دوره‌شده دانش‌آزایی به ایران می‌آیند. باستان‌اسمال چهل و یکمین دوره دانش‌آزایی است که از ۱۴ تیرماه به مدت یک ماه برگزار می‌شود. حمید نوزدیان که فارغ التحصیل رشته آموزش زبان فارسی از دانشگاه شهیدبهشتی است و خودش در این دوره‌ها تدریس داشته، مدیونیت این دوره را برعهده دارد. نوزدیان درباره این دوره می‌گوید: در حال حاضر چهل و یکمین دوره دانش‌آزایی توسط مرکز‌گسترش زبان و ادبیات فارسی برگزار می‌شود. در این دوره‌ها ظرفیت پذیرش ۲۵ زبان‌آموز وجود دارد اما در این دوره ۸۸ نفر از کشورهای روسیه، اوکراین، قزاقستان، ترکیه، هند، بریتانل که دانشجو یا اساتذپار هستند، شرکت کرده‌اند.

نوزدیان درباره نحوه ورود این افراد به دوره دانش‌آزایی می‌گوید: رایتی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که در خارج از کشور نظارت و کنترل آموزش زبان و ادبیات فارسی را برعهده دارند، سوابق تحصیلی دانشجویان را بررسی می‌کنند و این بین افراد را گزینش به مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی معرفی می‌کنند و برترکم تعدادی از آنها را برای این دوره‌ها انتخاب

می‌کنند. برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود. میهمانسرای ایران‌شناسی هم مکان مناسبی است چون هم نزدیک به مرکز آموزش و محل برگزاری کلاس‌هاست و هم به لحاظ شرایط سختی و دسترسی به امکانات مناسب است. برای هدایت آنها هم یک مدیر و دو راهنما (خانم و آقای) هم راهنشان هستند. و دو نفر از کارشناسان مرکز هم برگزاری دوره نظارت دارند. راهنمایان هم دوره هم افرادی هستند که علاوه بر آشنایی با زبان انگلیسی اهل فرهنگ و هنر هستند و نمودی از فرهنگ ایرانی را در خود دارند.

نوزدیان بر این نکته تأکید می‌کنند که این دانشجویان در معرض زبان قرار می‌گیرند و می‌گویند آنچه برای ما مهم است، در معرض زبان قرار دادن فارسی‌آموزان است و اینکه از نزدیک با فرهنگ و تمدن و ادبیات و هنر ایرانی آشنا شوند و مجموعه این برنامه‌ها وسیله‌ای است برای پاک کردن ذهنیت‌های منفی که در خارج کشور درباره ایران وجود دارد. ماسفاته تصویری درباره ایران دارند که بسیار منفی است بعضی از آنها باور نمی‌کنند که در ایران زنان رانندگی کنند یا زنان در دانشگاه تدریس کنند اما با حضور در محیط ایران، واقعیت‌ها بخوبی برای آنها ملموس است و به رقع این ذهنیت‌های منفی هم کمک می‌کنند.

او ضعف بیشتر این دانشجویان را در گفت‌وگو و مکالمه زبان فارسی می‌داند و می‌گوید: برنامه‌های تفریحی و فرهنگی برای ارتقای مهارت‌های زبانی آنها بسیار موثر است و این ضعف فقط در داخل ایران پوشش داده می‌شود.

زبان و ادبیات فارسی است و در ابتدای دوره هم یک جدول زمانبندی مشخص برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود. میهمانسرای ایران‌شناسی هم مکان مناسبی است چون هم نزدیک به مرکز آموزش و محل برگزاری کلاس‌هاست و هم به لحاظ شرایط سختی و دسترسی به امکانات مناسب است. برای هدایت آنها هم یک مدیر و دو راهنما (خانم و آقای) هم راهنشان هستند. و دو نفر از کارشناسان مرکز هم برگزاری دوره نظارت دارند. راهنمایان هم دوره هم افرادی هستند که علاوه بر آشنایی با زبان انگلیسی اهل فرهنگ و هنر هستند و نمودی از فرهنگ ایرانی را در خود دارند.

نوزدیان بر این نکته تأکید می‌کنند که این دانشجویان در معرض زبان قرار می‌گیرند و می‌گویند آنچه برای ما مهم است، در معرض زبان قرار دادن فارسی‌آموزان است و اینکه از نزدیک با فرهنگ و تمدن و ادبیات و هنر ایرانی آشنا شوند و مجموعه این برنامه‌ها وسیله‌ای است برای پاک کردن ذهنیت‌های منفی که در خارج کشور درباره ایران وجود دارد. ماسفاته تصویری درباره ایران دارند که بسیار منفی است بعضی از آنها باور نمی‌کنند که در ایران زنان رانندگی کنند یا زنان در دانشگاه تدریس کنند اما با حضور در محیط ایران، واقعیت‌ها بخوبی برای آنها ملموس است و به رقع این ذهنیت‌های منفی هم کمک می‌کنند.

او ضعف بیشتر این دانشجویان را در گفت‌وگو و مکالمه زبان فارسی می‌داند و می‌گوید: برنامه‌های تفریحی و فرهنگی برای ارتقای مهارت‌های زبانی آنها بسیار موثر است و این ضعف فقط در داخل ایران پوشش داده می‌شود.



است. او به انتشار آثار فارسی کلاسیک ایران در زمان‌های گذشته و سابقه زبان فارسی در هند اشاره می‌کند و می‌گوید: آثار ادبیات کلاسیک فارسی در هند فراوان است و بعد از حمله مغولان، ادیبان و شاعران ایرانی به هند رفتند و در آنجا آثار زیادی نوشته شد. اما درباره وضعیت ادبیات معاصر فرهند می‌گوید: درباره ادبیات معاصر ایران و آثار ادبی معاصر هم در هند بسیار وجود دارد. آثار شاعران مختلف مثل نینا یونیش، فروغ فرخزاد، شاملو و دیگران در هند منتشر می‌شود. شهرآز پیشتر به داستان و رمان علاقه زیادی دارد و صادق هدایت را خیلی دوست دارد. دانش آکل و یوسف کورف هدایت را هم خوانده است.

او دوره دانش‌آزایی را برای بشروی زبان و به لحاظ آشنایی با ادبیات کلاسیک و جدید مؤثر می‌داند اما معتقد است، مدت این دوره باید بیشتر باشد.

گفتگویی ارتباط زبان با ادبیات فارسی

آلکسی فارسی را راست حرف می‌زند. او دانشجوی زبان‌شناسی دانشگاه دولتی مسکو است و سه سال است که زبان فارسی را در رشته ترجمه بعد از زبان اصلی‌اش که روسی است به عنوان زبان اول انتخاب کرده. آلکسی می‌گوید: زبان فارسی را رئیس دانشکده هم پیشنهاد کرد، در دو ماه اول چندان خوشم نیامد اما بعد بسیاری به آن علاقه‌مند شدم و به نظم فارسی خیلی شکر است. شعرین است و از آن موقع زبان انگلیسی در جای دوم است. آلکسی شعرهای رودی، سعدی، حافظ، خیام، ناصر خسرو، ابرح میرزا، نیما یونیش و یونین افضلی را چند داستان از صادق هدایت با خوانده و معتقد است، زبان فارسی با ادبیات فارسی ارتباط گانگتکی دارد و هیچکس نمی‌تواند بدون فراگیری ادبیات فارسی بر این آسان‌تر شود و زندگی‌ام همیشه با شرق و ایران و ادبیات فارسی ارتباط داشته باشد.

ساعت نزدیک چهار بعد از ظهر پخشیه داغ تیرماه است. دانشجویان باید ساعت چهار در کلاس باشند و به این خاطر امکان آن نیست که با تعداد دیگری از آنها گفت‌وگو کنیم. بعد از کلاس هم قرار است بروند. سیمنا و آملیایه، دو میهمان معارفی فارسی‌دوست علی رضی را نشانده‌اند. استلا و نیتیا چنه‌جانب می‌کنند، معارفی‌ها عاشق می‌شوند.

می‌کنند. در ابتدای هر دوره یک آزمون کتبی و شفاهی برای تعیین سطح برگزار می‌شود و دانشجویان براساس نمره‌ای که کسب می‌کنند، در دو سطح مبتدی و پیشرفته قرار می‌گیرند و با توجه به هر سطح برنامه درسی آموزش داده‌گانه‌ای تنظیم می‌شود. سرافصل فارسی درسی از آموزش دانشگاه‌های ایران آموزش داده می‌شود. درس‌های مهارت‌های زبانی مثل شنیدن، گفتن، خواندن، نگارش و دستور، ادبیات (آشنایی با نظم و نثر)، ادبیات کلاسیک و معاصر و آشنایی، مشاوره‌ای ایران است که در کنار آنها درس‌های شنوایی، ایران‌شناسی و آشنایی با فرهنگ و مرجع‌شناسی راه‌فرام می‌گیرد. البته سرفصل‌های کلی مشخص شده اما استنادی به سابقه آموزش زبان و ادبیات فارسی به خارجیان را واردان به تشخیص خود، در چارچوب این سرفصل، کتاب‌ها و مطالبی را ارائه می‌کنند.

نوزدیان درباره برنامه‌های دیگر در کنار آموزش می‌گوید: برنامه‌های فرهنگی و تفریحی مثل بازدید از کاخ موزه‌های تهران، پارک‌های تهران، مراد امام خمینی، رژه نمایش فیلم‌های سینمایی به زبان فارسی، کنسرت‌های موسیقی سنتی و موزیک فروز برای آشنایی بیشتر زبان‌آوران با فرهنگ و زبان ایران برای آنها صورت می‌گیرد و در پایان دوره هم معمولاً سفری به اصفهان دارند تا با آن شهر تاریخی و فرهنگی آشنا شوند. زبان‌های تاریخی و مطالب دیدن‌کنند. همچنین در دوره‌ای که این دانشجویان در ایران حضور دارند در نشست‌های ادبی و فرهنگی ملی نشست‌های نقد کتاب ماه ادبیات و فلسفه، دیدار با نویسندگان و شاعران شرکت می‌کنند و به مناسبت‌های مختلف مثل روز زن، روز خبرنگار و… برنامه‌های برای آنها خواهیم داشت.

او درباره میزان آشنایی این دانشجویان با ادبیات معاصر در این دوره می‌گوید: در بخش آموزش در آثار ادبیات کلاسیک به ادبیات معاصر هم رداخته می‌شود البته برنامه‌ریزی جزئی تر برعهده استنادان مربوطه است اما معمولاً دانشجویان با نویسندگان و شاعران جریان‌ساز و مشهور معاصر مثل نیما یونیش، احمد شاملو، فروغ فرخزاد، اخوان ثالث و… آشنا می‌شوند.

مدیر این دوره دانش‌آزایی درباره امکانات رفاهی لازم برای این دانشجویان می‌گوید: مجموعه آموزشی، برنامه‌های فرهنگی، امکانات تغذیه و درآمد دانشجویان برعهده مرکز گسترش



است. او به انتشار آثار فارسی کلاسیک ایران در زمان‌های گذشته و سابقه زبان فارسی در هند اشاره می‌کند و می‌گوید: آثار ادبیات کلاسیک فارسی در هند فراوان است و بعد از حمله مغولان، ادیبان و شاعران ایرانی به هند رفتند و در آنجا آثار زیادی نوشته شد. اما درباره وضعیت ادبیات معاصر فرهند می‌گوید: درباره ادبیات معاصر ایران و آثار ادبی معاصر هم در هند بسیار وجود دارد. آثار شاعران مختلف مثل نینا یونیش، فروغ فرخزاد، شاملو و دیگران در هند منتشر می‌شود. شهرآز پیشتر به داستان و رمان علاقه زیادی دارد و صادق هدایت را خیلی دوست دارد. دانش آکل و یوسف کورف هدایت را هم خوانده است.

او دوره دانش‌آزایی را برای بشروی زبان و به لحاظ آشنایی با ادبیات کلاسیک و جدید مؤثر می‌داند اما معتقد است، مدت این دوره باید بیشتر باشد.

گفتگویی ارتباط زبان با ادبیات فارسی

آلکسی فارسی را راست حرف می‌زند. او دانشجوی زبان‌شناسی دانشگاه دولتی مسکو است و سه سال است که زبان فارسی را در رشته ترجمه بعد از زبان اصلی‌اش که روسی است به عنوان زبان اول انتخاب کرده. آلکسی می‌گوید: زبان فارسی را رئیس دانشکده هم پیشنهاد کرد، در دو ماه اول چندان خوشم نیامد اما بعد بسیاری به آن علاقه‌مند شدم و به نظم فارسی خیلی شکر است. شعرین است و از آن موقع زبان انگلیسی در جای دوم است. آلکسی شعرهای رودی، سعدی، حافظ، خیام، ناصر خسرو، ابرح میرزا، نیما یونیش و یونین افضلی را چند داستان از صادق هدایت با خوانده و معتقد است، زبان فارسی با ادبیات فارسی ارتباط گانگتکی دارد و هیچکس نمی‌تواند بدون فراگیری ادبیات فارسی بر این آسان‌تر شود و زندگی‌ام همیشه با شرق و ایران و ادبیات فارسی ارتباط داشته باشد.

ساعت نزدیک چهار بعد از ظهر پخشیه داغ تیرماه است. دانشجویان باید ساعت چهار در کلاس باشند و به این خاطر امکان آن نیست که با تعداد دیگری از آنها گفت‌وگو کنیم. بعد از کلاس هم قرار است بروند. سیمنا و آملیایه، دو میهمان معارفی فارسی‌دوست علی رضی را نشانده‌اند. استلا و نیتیا چنه‌جانب می‌کنند، معارفی‌ها عاشق می‌شوند.

۲۳ شهریور ۱۳۹۳
کتابخانه

روایت اول شخص

بیکره یک میلیونی لغت فارسی

حمیدحسینی پژوهشگرو فرهنگ نویس

در حال حاضر بیکره یک میلیون لغت فارسی امروز را در دست دارم که کانون زبان ایران بزودی آن را منتشر می کند. بیکره در اصطلاح زبانشناسی مجموعه‌ای از کلمات یا املاحات خام زبانی است که متن یا متن‌های مشخصی را پدید آورده و از طریق گردآوری متون یا تحقیق میدانی به دست آمده است. این کلمه معادل فارسی copous در فرانسه یا انگلیسی است؛ بیکره یک میلیونی لغت فارسی بر اساس ۸۰۰کلان متن (متن مادر) و بیش از ۵۰۰خرد متن یا موضوعات متنوع که بیشتر در ده سال اخیر چاپ شده تهیه شده است. کلان متن یا متن مادر هر یک از متن‌هایی است که با عنوان کتاب، مجله و یا روزنامه از آنها نام برده می‌شود و منظور از خرد متن هم فصل‌ها و مقاله‌های کوچک و بزرگی است که کتاب‌ها، مجلات و روزنامه‌ها را تشکیل می‌دهند.

بیکره به‌عنوان اصطلاحی عام، دارای انواع گوناگون است و هر یک از انواع بیکره‌ها کاربرد خاص خود را دارند. از دهها سال پیش تاکنون، توسط متخصصان مراکز تحقیقاتی، دانشگاهی و یا فرهنگستان‌های ممالک مختلف، پروژه کشورهای توسعه یافته، تهیه بیکره‌های

زبانی (lingvat corpora) رواج دارد. حجم بعضی از این بیکره‌ها شامل چند صد میلیون لغت است، اما حجم معمول بیکره‌های شناخته شده دنیا حداقل یک میلیون لغت است. بیکره لغت فرآیندی دارد که یکی کارایی آن برای توصیف زبان است و دیگری به دست دادن آمارهای دقیق برای گردآوری واژگان پایه (basic vocabulary) و تهیه متون آموزش زبان است.

در بیکره یک میلیونی لغت فارسی امروز، لغات بسیط و مرکب فراوانی هست که در هیچ یک از فرهنگ‌های موجود حتی فرهنگ بزرگ سخن که دقیق‌ترین، روشن‌ترین و کارآمدترین فرهنگ زبان فارسی است-ثبت نشده‌اند؛ البته این به معنی نقص آن فرهنگ ارزشمند نیست بلکه نشان دهنده وسعت، پالندگی و زبایی و واژگان زبان است. البته طبیعی است که بسیاری از مدخل‌های فرهنگ یادشده در این بیکره نیابند یا اگر هست بسامد بسیار اندکی دارد. همین دو ویژگی باینگر لزوم تهیه بیکره‌های متفاوت برای زبان فارسی است همانطور که زبان به فرهنگ‌های متفاوت نیاز دارد.

این اثر با مقدمه‌ای مفصل و فهرست‌های گزیده بسامدی و الفبایی از واژه‌های متن بیکره حدود ۳۰۰صفحه است که کانون زبان ایران بزودی آن را به چاپ می‌رساند.

کتبشناسی، دایرة المعارف و فرهنگنامه

دکترحسن ذوالفقاری پژوهشگرو نویسنده

در حال حاضر کتبشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی را آماده انتشار دارم که مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس آن را منتشر می کند. گزیده این کتبشناسی در حد یک مقاله در فصلنامه سخن عشق چاپ شده و حدود ۲۱۳ کتاب به‌طور مستقل در این مقاله ارائه شده است. در این کتبشناسی چهار دسته از کتاب‌ها معرفی شده‌اند: گروه اول کتاب‌هایی هستند که به آموزش خود زبان می‌پردازند. دسته دیگر کتاب‌هایی که از طریق دستور زبان فارسی، زبان را آموزش می‌دهند. فرهنگ لغت‌های روزنامه که مخصوص غیرفارسی‌زبانان است؛ گروه دیگر کتاب‌های آموزش زبان به کمک متون نظم و نثر ادبی است. در این کتبشناسی بیش از سه هزار کتاب و مقاله معرفی شده که این کتاب‌ها در ایران، خارج از ایران و کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی تألیف و تدوین شده است.

کار دیگر فرهنگنامه و ضرب المثل‌های فارسی است که تمام ضرب المثل‌های فارسی را در بر می‌گیرد. از حدود دو سال پیش به صورت گروهی روی آن کار می‌کنیم و مثل‌های فارسی را از میان حدود ۲۰۰۰ منبع استخراج کردیم. بعضی از فرهنگنامه مثل‌های ایرانی است که فارسی قدیم و جدید را شامل می‌شود و نیز آنچه در لایه متون آمده است. بعضی هم ضرب المثل‌های محلی و نواحی مختلف ایران است که گردآوری شده و قسمت دیگر مربوط به ضرب المثل‌های فارسی کشورهای فارسی‌زبان افغانستان و تاجیکستان است. از کشور افغانستان نوانستم. حدود ۲۰۰ هزار ضرب المثل را ضبط کنیم و حدود دوسه هزار ضرب المثل ناچیکی هم گردآوری کردیم. در این فرهنگنامه حدود ۲۲۰ هزار ضرب المثل فارسی گردآوری و به صورت الفبایی تدوین شده است اما برای سهولت دسترسی علاوه‌متنان روش‌های کلیدواژه‌ای و موضوعی را نیز به کار گرفته‌ام تا امکان جست‌وجو فراهم باشد. می‌توان گفت این اولین مجموعه جامع ضرب المثل‌های فارسی و موضوعی است که در همه‌های مطالعه بر روی امثال فارسی و امکان تحقیق رایزری پژوهشگران فراهم می‌کند. کار گردآوری و تدوین ضرب المثل‌ها به پایان رسیده و الان در مرحله بازخوانی هستیم. این مجموعه علاوه بر نرم‌افزار به صورت کتاب هم منتشر می‌شود که انتشارات مایزاب نامش آن است.

به اتفاق دکتر محمد قلاچ دایرةالمعارف داستان‌های فارسی را با حمایت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دست تدوین داریم. این طرح با همکاری وزیر نظیر نظی پورنامداریان علی محمدحج‌شائب، محمد دهنقانی و فتوحی در حال انجام است. الان سال چهارم است که روی این دایرةالمعارف کار می‌کنیم و هدف این است که تمام داستان‌های داستان‌ها استخراج شود. ما کار را از متون کلاسیک فارسی یعنی قرن سوم، چهارم که اولین متن‌های فارسی داستانی رایب صورت‌مکتوب در اختیار داریم آغاز کرده‌ام و اتمام از اینکه داستان‌ها در کتاب‌های داستانی، نیمه داستانی یا غیرداستانی آورده باشند، مدخل نویسی کرده‌ام. این طرح دو در فاز انجام می‌شود که فاز اول تا سال ۱۳۰۰ادش است و ما تاکنون تا قرن نهم را در حدود بیست هزار مدخل آماده کرده‌ام و امیدواریم تا پایان اسال مدخل‌های مربوط به فاز اول را به پایان بریم. ملاک کار ما متون چهلی است و حدود ۳۰ درصد داستان‌های ما چاپ شده‌اند.اما یکی از برنامه‌های ما این است که کتاب‌های خطی راهم بررسی کنیم. فاز دوم طرح مربوط به ۱۳۰۰ تا امروز است که داستان‌های معاصر را شامل می‌شود.

بااستادادبیات فارسی دانشگاه هامبورگ

فارسی در هامبورگ

تسزین زنجیر ایرانی، چند ترم در دانشگاه هامبورگ به‌صورت قراردادی زبان و ادبیات فارسی تدریس کرده‌است. زمانی که زنجیر در شیراز بود، ما دربار زبان و ادبیات فارسی در آلمان گفت‌وگوی کوتاهی را با او از طریق اینترنت انجام دادیم که می‌خوانید.

وضعیت زبان و ادبیات فارسی در دانشگاههای آلمان چگونه است؟

در دانشگاههای آلمان و در بخش‌های ایرانی‌شناسی بیشتر به زبان‌های قدیم ایران اهمیت داده می‌شود. این همه زبان فارسی برای مبتدیان و پیشرفته‌ها هم عبر آموزش‌هایی از ادبیات کلاسیک و گاه معاصر فارسی تدریس می‌شود.

در میان کتاب‌های فارسی ترجمه شده به زبان آلمانی سهم ادبیات کلاسیک و ادبیات معاصر ایران به چه نسبتی است؟
سلسلهٔ سهم ادبیات کلاسیک به مراتب زیادتز است. اما متأسفانه آمار دقیقی در دست ندارم.

چه آثاری از ادبیات معاصر به زبان آلمانی ترجمه شده؟ آیا شما خودتان تلاش‌هایی برای ترجمه آثار معاصر داشته‌اید یا خیر؟
در سال‌های اخیر چند رمان چند مجموعه داستان کوتاه و برگزیده‌هایی از اشعار چند شاعر بنام معاصر درک مجموعه، ترجمه شده. همچنین گزیده‌هایی از شعر یک شاعر شامل به کلمه‌های از شعرهای شاملو به

ان می‌سهمی در ترجمه این آثار داشته‌ام. اما یک مجموعه شعر، یک قصه و چندین کار برگزیده (در نشریات ادبی آلمان) از من به آلمانی ترجمه شده است.

برای آموزش زبان و ادبیات فارسی در دانشگاهها از چه روش‌هایی استفاده می‌شود؟

تا آنجا که من می‌دانم، روش مختصر به فرد خاصی به کار

گرفته نشده است. از همان

روش‌های معمول دانشگاههای دیگر جهان و از جمله ایران برای آموزش زبان‌های خارجی

استفاده می‌شود.
آیا تعامل میان استادان ادبیات فارسی در آلمان و اساتیدی که در ایران تدریس می‌کنند وجود دارد؟

تعامل بین اساتید عمدتاً از کانال

دوستی و روابط خصوصی است.

چه کتاب‌هایی در آنجا تدریس می‌شوند؟
در زمینه آموزش زبان، بیش از همه از کتاب گرامر تهیه شده توسط زلفه‌یاد بزرگ علوی و دکتر یونگر استفاده می‌شود. در زمینه ادبیات، به‌طور معمول هر استاد برای مواد درسی کلاسش را بنا بر تشخیص نیاز دانشجویان و پیشتر بر اساس سلیقه شخصی و تجربیات خود تدارک می‌پند.

حدوداً چه تعداد دانشجوی زبان و ادبیات فارسی در آلمان تحصیل می‌کنند؟

در دانشگاه هامبورگ (تا آنجا که من می‌دانم در دیگر دانشگاههای آلمان نیز) رشته‌ای به نام زبان و ادبیات فارسی وجود ندارد. زبان و ادبیات فارسی بخشی از رشته انسانی است. در زمینه شمار دانشجویان نیز متأسفانه آمار دقیقی در دست ندارم.

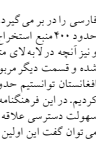
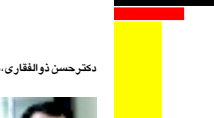
چندو یا ششوی گفتش‌رژ زبان و ادبیات فارسی آشنایی دارید؟ نقش چنین شورایی را در گفتش‌رژ زبان فارسی چندر مؤثر می‌انید؟

در کمال تأسف آشنایی چندانی با این شوراندارم.

رابطه مدرسان رشته ادبیات فارسی با آثار معاصر ونویسندگان مهاجر چطور است؟

در دانشگاه هامبورگ بیشتر آثار معاصر ادبیات فارسی تدریس می‌شود. من در کلاس‌ها هم، تحت عناوین مثل فرمان در ادبیات فارسی، «تاریخ تحول شعر نو» «تصویرون در ادبیات داستانی ایران» و… آثار نویسندگان و شاعران امروز ایران را به کمک دانشجویان بررسی کرده‌ام.

در این دانشگاه آثار بعضی از نویسندگان مهاجر نیز در کلاس‌های درس طرح و بررسی می‌شود.



مربوط به فاز اول را به پایان بریم. ملاک کار ما متون چهلی است و حدود ۳۰ درصد داستان‌های ما چاپ شده‌اند.اما یکی از برنامه‌های ما این است که کتاب‌های خطی راهم بررسی کنیم. فاز دوم طرح مربوط به ۱۳۰۰ تا امروز است که داستان‌های معاصر را شامل می‌شود.